



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

ISSN: 1735-4927

۵۱

رشد آموزش

فنی و حرفه‌ای و مادر دانش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانش‌جویان

دوره چهاردهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۸ | ۶۴ صفحه | ۱۹۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۹۸

www.r o s h d m a g . i r

مهارت و امنیت شغلی

مدیران هنرستان‌ها مهم‌ترین مجریان برنامه‌درسی

جشنواره؛ جلوه‌گاه بروز

هنر هنرمندان امروز و سرمایه‌های فردا

از مدرسه صنعتی آفریاجان،

تا هنرستان صنعتی ماندگار وحدت





**از مدرسه صنعتی
آذربایجان، تا هنرستان
صنعتی ماندگار وحدت**

فنی و حرفه‌ای و کار دانش

رشد آموزش

۵۱

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان | دوره چهاردهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۸ | ۶۴ صفحه

فصلنامه علمی و حرفه‌ای



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: دکتر بتول عطاران
هیئت تحریریه:

احمد رضا دوراندیش
بتول عطاران
بهناز مرجانی
علی محمد بخشوده
محسن جعفرآبادی
غلامحسین حسین زاده یوسفی
نصرت الله دادار

سید محمد حسین حسینی
مدیر داخلی: علی محمد بخشوده
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: علیرضا جواد
نشانی دفتر مجله:

تهران ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله:
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۳۷۴)
نمابر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

صندوق پستی مجله: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار:

faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir

پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵۹۸
چاپ و توزیع: شرکت افست
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

سرمقاله / مهارت و امنیت شغلی / ۲

مدیران هنرستان‌ها مهم‌ترین مجریان برنامه‌درسی / گفت‌وگو با خانم سولماز جلالی / نصرت الله دادار / ۴

نگاهی به سنجش و ارزشیابی به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری /

احمد شریفان / ۱۰

جشنواره؛ جلوه‌گاه بروز هنر هنرمندان امروز و سرمایه‌های فردا / محسن بهرامی / ۱۴

از مدرسه صنعتی آذربایجان تا هنرستان صنعتی ماندگار وحدت / نصرت الله دادار / ۲۲

در باغچه هنرستانی چه گیاهانی را بکاریم؟ (بخش دوم) / علی محمد بخشوده / ۲۸

نویسنده: آموزش و پرورش روسیه (بخش اول) / دکتر بتول عطاران / ۳۲

آب‌درمانی، ورزش، بهداشت و سلامت / مرجان جمشیدی / ۴۰

بررسی رویکردهای نوین در تربیت تکنیسین‌های آموزشکده‌های کشور / محمد عرب‌پور / ۴۳

اولویت‌های اقتصاد ایران / دکتر عادل پیغامی / ۵۱

چرائی نیاز به قانون در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای / محبوبه محمد علی / ۵۶

معرفی کتاب / ژاله بوژانی / ۶۲

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● رای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.



مهارت

و

امنیت

شغلی



هر جوانی در زندگی با سه چالش بزرگ تحصیل، اشتغال و ازدواج روبه‌روست. شاید بتوان گفت اشتغال بخش مهمی از زندگی وی را تشکیل می‌دهد که تأمین نیازهای جسمی و روانی وی درگیر آن است. از سال ۱۳۹۰، «دانشگاه فنی و حرفه‌ای» به‌عنوان یک زیرمجموعه از وزارت علوم، وظیفه تربیت تکنسین ماهر را به‌عهده گرفته است و این روزها که تفاهم‌نامه‌هایی بین فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌های متفاوت منعقد می‌شود، نشان از تفاهم دانشگاه با صنعت دارد.

تربیت تکنسین یا کارشناس فنی و حرفه‌ای توانمند و کارآمد، در بخش آموزش کشور همچون موتور محرک توسعه پایدار و نامحدود کشور است و نقش مؤثری در شکوفاسازی اقتصادهای بیمار ایفا می‌کند. وظیفه اساسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا مهارتی در هر کشور، اولاً آموزش و تربیت نیروی کار ماهر برای ورود به بازار کار، و ثانیاً آموزش مدام شاغلان برای حفظ و توسعه اشتغال موجود، ماندگاری در بازار کار و انطباق توانمندی‌های افراد با نیازهای جدید بازار کار و تغییرات فناوری است.

انسان بی‌کار، به دلیل تأمین نشدن نیازهایش، غالباً به سوی انحرافات مانده اعتیاد، بزهکاری، سرقت، خودکشی، تهاجم به دیگران و قتل روی می‌آورد. لذا بی‌کاری و کمبود امنیت شغلی با سلامت روان ارتباط دارد. در این زمانه، یگانه امنیت شغلی آن است که **خاطرم‌ان جمع باشد، هنرها و ویژگی‌هایی ارزشمند داریم که می‌توانیم عرضه کنیم.** به این منظور باید یکسره بکوشیم نیازهای بازار را شناسایی کنیم و ویژگی‌هایمان را به سمت آن سوق دهیم و تأمین کنیم. پس چالش‌های ما در کار باید به مهارت‌های بازار پسند بینجامد و اندیشه و رفتار ما باید چون اندیشه و رفتار کارآفرینان باشد.

اکنون در عصر حاضر، موضوع با اهمیت آن است که **مفهوم کهنگی و از رواج افتادن محصولات** موجب ترس صاحبان صنایع و کارگران شده است که به تبع آن، بخش آموزش نیز درگیر این موضوع شده است. مهندسان از بیم از رواج افتادن محصولاتشان به نوآوری رو

می‌کنند و **نوآوری یعنی داشتن مهارت بالا و خلاقیت و یک ذهن کارآفرین.** همان‌طور که مصرف‌کننده خواهان محصولات موقت می‌شود، مفهوم از رواج‌افتادگی برای کسانی که با آرمان‌های ثابت و پایدار تربیت شده‌اند، ناراحت‌کننده می‌شود. هنگامی هم که این اندیشه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و آموزشی ورود پیدا می‌کند، به آشفتگی بسیار کارگران، تکنسین‌ها، مهندسان و مربیان می‌انجامد؛ زیرا نوآوری و مهارت سطح بالا و آموزش در هم تنیده‌اند.

ظهور هم‌زمان مدل جدیدتر و بهتر کالاها که دستاوردهای پیشرفت فناوری در آن نهفته‌اند، تولیدکننده را به سمت نوآوری متعالی‌تر فرا می‌خواند، زیرا مصرف‌کننده در دامی گرفتار شده که تولیدکننده قبلی برایش گسترده است؛ دامی که در سه حالت در هر صورت شکل گرفته است:

- یا کالا کارکرد خود را از دست داده و عمر آن به سر رسیده است.
- یا کالای جدیدی که بهتر از کالای قبلی است، جانشین آن شده است.
- یا نیازهای مصرف‌کننده به هر علتی تغییر یافته است.

لذا در این زمانه، یگانه امنیت شغلی آن است که **خاطرم‌ان جمع باشد، هنرها و ویژگی‌هایی داریم قابل تغییر و ارزشمند که هم‌گام با بازار کار می‌تواند رشد کند و نیازهای بازار را شناسایی و تأمین کند.** جهان جدید کار ترسناک است، اما سوار شدن بر اسبی بادپا نیز فرح‌انگیز و نشاط‌آور است؛ به شرط آنکه آن را فرصتی بدانی برای پروراندن کیستی و هویت برتر خویش. در هزاره جدید جایی برای کندهی و کاهلی نیست.

برای مطالعه بیشتر، خوانندگان را به دقت و مطالعه در مطالب زیر دعوت می‌کنیم:

- کتاب شوک آینده، الوین تافلر، ترجمه حشمت کامرانی، انتشارات نشر نو.
- کتاب اکنون و آینده‌ما، دکتر رضا داوری اردکانی، انتشارات نقد فرهنگ.
- مصاحبه با دکتر پیغامی، همین شماره صفحه ۵۱.
- مقاله بررسی رویکردهای نوین در تربیت تکنسین‌های آموزش‌شده‌های کشور همین شماره، صفحه ۴۳.

مدیران هنرستان‌ها مهم‌ترین مجریان برنامه‌ریزی

گفت‌وگو با خانم سولماز جلالی
مدیر هنرستان قائم ارومیه

اشاره

چندی پیش که به همراه آقای علی محمد بخشوده، مدیر داخلی مجله، برای شرکت در مسابقات علمی و عملی هنرستان‌های کار دانش به ارومیه سفر کرده بودیم، هنگام بازدید از کارهای خیاطی و عکاسی هنرجویان، با او آشنا شدیم. وی مدیر «هنرستان کار دانش قائم» شهرستان ارومیه است. بسیار علاقه‌مند، فعال و عاشق کارش در هنرستان است. همه وجودش انرژی مثبت است و در کنارش احساس امید و آرامش به انسان دست می‌دهد. هنرآموزان و هنرجویان این هنرستان او را خیلی دوست دارند و به او عشق می‌ورزند.

هنرستان قائم ارومیه دارای ۴۵۰ هنرجو در رشته‌های معماری، گرافیک، حسابداری، عکاسی و خیاطی است و خانم سولماز جلالی مدیر این هنرستان است.

خانم جلالی در سال ۱۳۵۷ در ارومیه متولد شده است. پس از اخذ دیپلم تجربی، در رشته هنرهای تجسمی در «مرکز تربیت معلم شهید شرافت» تهران ادامه تحصیل داد. سپس به «مرکز تربیت معلم شهید باهنر» تهران رفت و در همان رشته هنرهای تجسمی به تحصیل ادامه داد و مدرک کارشناسی گرفت. اکنون ۲۲ سال است که به عنوان معلم و مدیر در مدرسه‌های کشور مشغول کار است. گفت‌وگوی ما را با ایشان در ادامه ببینید.



ع چطور شد که به رشته هنر علاقه‌مند شدید و در این رشته ادامه تحصیل دادید؟

ه یادم هست از زمانی که مداد به دست گرفتم، عاشق هنر بودم. البته پدر و مادرم همیشه دوست داشتند که من یا در رشته پزشکی یا در رشته مهندسی تحصیل کنم. پدرم بازنشسته اداره مخابرات و مادرم بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی است. من در دبیرستان رشته ریاضی را انتخاب کردم تا در دانشگاه رشته معماری را ادامه بدهم. اما در سال دوم ریاضی، دبیر درس هندسه‌مان آن قدر روی من تأثیر بد گذاشت که تغییر رشته دادم و به رشته تجربی رفتم.

سال سوم تجربی، در کنکور دانشگاه آزاد شرکت کردم و در رشته پزشکی دانشگاه آزاد یاسوج قبول شدم. پدرم در آن زمان گفت: من تو را در این رشته ثبت‌نام می‌کنم و بعد از گرفتن مدرک دیپلم، در این رشته تحصیل کن.

اما من چون به رشته هنر علاقه داشتم، از پدرم خواستم که این کار را نکند و به او قول دادم که سال آینده در ارومیه قبول شوم. پدرم هم قبول کرد. سال بعد در کنکور سراسری شرکت کردم و در مرحله اول در گروه‌های تجربی، هنر و زبان و پیام‌نور قبول شدم.

برای مرحله دوم، به شدت اضطراب داشتم و نگران بودم. چون می‌دانستم که اگر در گروه‌های تجربی و هنر شرکت کنم، در هر رشته‌ای از تجربی که قبول شوم، خانواده مرا در آن رشته ثبت‌نام می‌کنند و هرگز اجازه نخواهند داد که من در رشته هنر درس بخوانم. هیچ وقت فراموش نمی‌کنم، صبح روزی را که آزمون گروه تجربی برگزار می‌شد، برای شرکت در جلسه کنکور به دانشگاه رفتم، ولی در حیاط دانشگاه نشستم و سر جلسه کنکور حاضر نشدم. بعد از ظهر آن روز در کنکور گروه هنر شرکت کردم. وقتی نتایج کنکور اعلام شد، من در رشته هنرهای تجسمی مرکز تربیت معلم قبول شده بودم. از ما خواستند که برای گزینش علمی و عملی به مرکز تربیت معلم شهید شرافت تهران برویم. ۱۵ نفر در این رشته قبول شده بودیم که ۸ نفر از ما را می‌خواستند ولی چون روز گزینش فقط ۸ نفر از این ۱۵ نفر آمده بودند، همه ما پذیرفته شدیم.

وقتی مطمئن شدم که در رشته هنر پذیرفته شده‌ام، همانجا در حیاط مرکز تربیت معلم شهید

شرافت سرم را به آسمان بلند کردم و گفتم: خدایا حتماً حکمتی در این کار است. من از همین جا قول می‌دهم که در این حکمت تو هیچ خیانت نکنم. ما معلمان شاید مثل دکترها قسم‌نامه امضا نمی‌کنیم، ولی همان روز با همه وجودم قبول و امضا کردم که در سرنوشت بچه‌های این مرز و بوم کوتاهی نکنم و تا آخرین روزی که در آموزش و پرورش کار می‌کنم، صادقانه و با همه توان در خدمت بچه‌ها باشم.

بعد از پایان دوران تحصیل در دانشگاه، مرا برای انجام وظیفه به شهرستان بوکان فرستادند. در بوکان از همان ابتدا عده‌ای به من گفتند که سعی کن زیاد کار نکنی و فعال نباشی. چون اگر خوب کار کنی، دیگر اجازه نمی‌دهند که به شهر خودت (ارومیه) برگردی. گفتم: من به بچه‌ها خیانت نمی‌کنم و با خدا عهد بسته‌ام که کارم را خوب انجام دهم.

ع تعریف شما از معلمی، یا به عبارت دیگر، هنرآموزی چیست؟

ه من نمی‌خواهم از جمله کلیشه‌ای «معلمی عشق است»، استفاده کنم، ولی معلمی واقعاً صداقت، خلوص و انسانیت و مهربانی است. من فکر می‌کنم در هیچ شغلی به اندازه معلمی نمی‌توان مهربان و صادق بود. برای اینکه به ندرت اتفاق می‌افتد که معلمی کفش پاره دانش‌آموزی را ببیند و یواشکی مقنعه‌اش را کنار نکشد و گریه نکند. من هیچ معلمی نمی‌شناسم که فهمیده باشد، دانش‌آموزش استعداد دارد و او را کمک نکند و حتی از پول خودش نزند و راه تحصیلش را هموار نسازد. معلمی یعنی اینکه بتوانی همه چیزهای مادی و معنوی خود را در اختیار دانش‌آموزان بگذاری.

ع به نظر شما، چرا انگیزه کاری برخی از معلمان کاهش یافته است؟

ه دلایل گوناگونی دارد، هم دلایل بیرونی دارد و هم دلایل درونی. بدون شک مسائل و مشکلات مادی و اقتصادی روی آدم‌ها اثر می‌گذارد. آن احترامی که قبلاً خانواده‌ها برای معلمان قائل بودند، الان قائل نیستند. در گذشته وقتی بچه‌ها به اولیا می‌گفتند که معلم این‌طوری گفت، اولیا فوراً از معلم پشتیبانی می‌کردند و می‌گفتند: حتماً کاری کردی! ولی امروز وقتی که بچه‌ها به والدین می‌گویند معلم این را گفت، والدین می‌گویند: معلم اشتباه کرده. به او می‌گوییم این کار را نکند.

از زمانی که مداد به دست گرفتم، عاشق هنر شدم

من وقتی در مرکز تربیت معلم شهید شرافت تهران قبول شدم، در حیاط این مرکز، سرم را به آسمان بلند کردم و گفتم: خدایا حتماً حکمتی در این کار است. من از همین جا قول می‌دهم که هیچ وقت در حکمت تو خیانت نکنم!

به دانش‌آموزان این پیام غیرمستقیم را بدهم که لباس سنتی می‌تواند لباسی خوب و برآورنده باشد و نباید از لباس سنتی فرار کرد. یعنی مدیر مدرسه در یک جمع و بین این همه آدم می‌تواند لباس سنتی بپوشد که بسیار زیباست.

چه باید کرد تا انگیزه‌های کاری هنرآموزان در هنرستان‌ها تقویت شود؟

کارهای زیادی باید انجام شود. اولین و مهم‌ترین کار این است که نگاه جامعه را نسبت به کار اصلاح کنیم تا جامعه از کار کردن لذت ببرد. متأسفانه ما از کارمان لذت نمی‌بریم، چون فقط به درآمدهای آن فکر می‌کنیم. در صورتی که کار علاوه بر کسب درآمد ده‌ها فایده برای انسان دارد. کار انسان را زنده نگه می‌دارد.

انسان وقتی کار می‌کند، احساس می‌کند مفید است و هویت دارد. متأسفانه ما فقط به یک وجه و اثر فکر می‌کنیم و بیشتر به میزان درآمد کارها می‌اندیشیم و به سایر ابعاد کار توجه نداریم. وقتی انسان در کارش فعال و پویاست، این پویایی موجب نشاط و شادمانی او می‌شود. کسی که با علاقه کار می‌کند، خسته نمی‌شود.

شما آن زمان که تدریس داشتید چگونه کلاستان را اثربخش می‌کردید؟

من همه تلاش‌م را در کلاس متوجه مغز و

به اعتقاد من، علاوه بر عوامل بیرونی، یک سلسله عوامل درونی هم وجود دارند که روی انگیزه‌های معلمان تأثیر دارند؛ مانند احساس خستگی، احساس ناامیدی، افسردگی و ...

به نظر من معلمی که احساس خستگی کند و نتواند هشت ساعت با دانش‌آموزان هنرستان کار کند، نمی‌تواند در هنرستان انگیزه بالایی برای تدریس داشته باشد. اتفاقاً کار معلمی در هنرستان انگیزه‌های بیشتری می‌خواهد.

متأسفانه در کشور ما تا وقتی که افراد کار ندارند، به شدت دنبال کار می‌گردند و به هر عملی دست می‌زنند تا سرکار بروند. ولی بعد از اینکه کار پیدا کنند، منفعل می‌شوند و انگیزه و پویایی لازم برای انجام وظایفشان را از دست می‌دهند. در صورتی که این به ضرر خودشان است.

وقتی کسی با شوق و علاقه کار نکند، دائم احساس خمودگی داشته باشد، و خودش را به روز نکند، زود از درون پیر می‌شود. متأسفانه نگاه ما به کار نگاه خوبی نیست. گفتم که در روزهای اولی که من در بوکان معلم شده بودم، عده‌ای از من می‌خواستند که زیاد کار نکنم یا خوب کار نکنم. در صورتی که آفات درست کار نکردن ابتدا متوجه خودشان می‌شود. انسان اساساً با عشق و علاقه زنده است و بدون علاقه و عشق مرده است.

در هنرستان شما وضعیت هنرآموزان چگونه است؟ آیا آن‌ها هم مانند شما دارای انگیزه بالایی هستند؟

خوش‌بختانه همکارانی که در کنار ما در هنرستان قائم هستند، باور دارند که دانش‌آموزان و هنرجویان با وجود ما زنده هستند. پس ما هم باید زنده و پویا باشیم تا آن‌ها بتوانند زنده بمانند و حرکت کنند. بنابراین جو و فضای خوبی بر جمع همکاران ما حاکم است. همکاران ما خوب می‌دانند که دیگر نمی‌شود مانند گذشته دانش‌آموزان را با زور به کار واداشت. باید با زبان خودشان با آن‌ها صحبت کرد.

هنرآموزان هنرستان ما به کارشان عشق می‌ورزند و احساس خمودگی ندارند. روابط بسیار صمیمی و خوبی هم با هنرجویان دارند.

روزی که در رابطه با برگزاری مسابقات علمی و عملی به هنرستان ما تشریف آورده بودید، من یک لباس سنتی طراحی کرده و پوشیده بودم تا

روزی که در

مرکز تربیت معلم

پذیرفته شدم، با

همه وجودم قبول

و امضا کردم که در

سرنوشت بچه‌های

این مرز بوم

کوتاهی نکنم

من هیچ معلمی

را نمی‌شناسم

که فهمیده باشد

دانش‌آموزش

استعداد دارد و

او را کمک نکند

و حتی از پول

خودش نزند و راه

تحصیلش را هموار

نسازد



قلب بچه‌ها می‌کردم. من خیلی درس نمی‌دادم. دانش‌آموز درس می‌خواند. دانش‌آموز من یاد گرفته بود که باید در کلاس یاد بگیرد. اکثر دانش‌آموزان در درس تاریخ هنر تجدید می‌شدند. وقتی من معلم این درس شدم، نصف بچه‌ها نمره ۲۰ می‌گرفتند. یک بار آمدند و از من پرسیدند: شما چکار می‌کنید که بچه‌ها نمره ۲۰ می‌گیرند؟ نکند بچه‌ها سؤال‌ها را داشتند؟! من گفتم: نه، بچه‌ها سؤال‌ها را نداشتند. آن‌ها با عشق درس می‌خواندند. روش‌های تدریس نوین را به کار گرفته‌ایم.

الکی نمایش نمی‌دادم. من اینجا یکی از بچه‌ها را مومیایی کردم و بچه‌ها دورش نشستند تا خوب متوجه شوند که موضوع چیست. لزومی ندارد بچه‌ها درس تاریخ هنر را حفظ کنند. تاریخ حفظ کردنی نیست.

شاگردان من می‌دانند که تاریخ هنر سواد آن‌هاست. به این باور رسیده‌اند که درس تاریخ هنر برایشان آروست.

دانش‌آموز من خودش درسش را می‌خواند، خودش سؤال طرح می‌کند و خودش می‌تواند تست در بیاورد.

۶ پس شما در کلاس چکار می‌کردید؟
۶ من فقط راه را به بچه‌ها نشان می‌دادم و فقط بالای سر آن‌ها بودم.

۶ چطور راه را آن‌ها نشان می‌دادید؟



۶ سعی می‌کردم به آن‌ها بفهمانم که این کتاب مال آن‌هاست و قرار نیست که من آن را امتحان بدهم. کسی از من سؤال نخواهد کرد که در دوره صفوی نقاشی چگونه بود. من برای بچه‌ها از خاطرات و تجربیات خودم می‌گفتم که وقتی در رشته هنر شرکت کردم، در شهر ارومیه یک کتاب هنر پیدا نمی‌شد یا از کنفرانسی که برای درس تاریخ هنر در دوره دانشجویی داده بودم، صحبت می‌کردم. من عاشق کنفرانس بودم. روزی قرار شد که برای درس تاریخ هنر کنفرانس بدهم.

هیچ وقت آن کنفرانس را فراموش نمی‌کنم. موضوع کنفرانس مکتب اصفهان و استاد درس آقای آرمین بود. در آغاز کنفرانس تصویری روی دیوار گذاشتم و هی گفتم سوارکار مکتب اصفهان، سوارکار مکتب اصفهان. طوری صحبت می‌کردم که یعنی سوارکار دارد می‌رود مکتب که استاد به من اشاره کرد: مکتب اصفهان یعنی سبک اصفهان. آن روز فهمیدم که چقدر بی‌سوادم و چقدر باید کتاب بخوانم تا دیگر مثل آن روز در آن کنفرانس خجالت نکشم.

۶ خانم جلالی! فرض کنید امروز اول مهر است و تازه سر یک کلاس رفته‌اید. چگونه کلاستان را آغاز می‌کنید؟

۶ بعد از سلام و احوال‌پرسی با تک‌تک بچه‌ها، می‌گویم آن‌هایی که با علاقه به این رشته آمده‌اند، دستشان را بالا ببرند. چه کسانی به زور آمده‌اند؟ چه کسانی به خاطر معدلشان آمده‌اند؟ بعد به آن‌ها می‌گویم: شما یک هفته فرصت دارید که از کلاس من لذت ببرید. آخر هفته به من بگویید که علاقه دارید در این رشته ادامه تحصیل بدهید یا نه. اگر کسی آخر هفته علاقه‌مند نشد، خودم کارهای تغییر رشته را برایش انجام می‌دهم. من سخت معتقدم که اگر دانش‌آموزی با علاقه سر کلاس بنشیند، راهش را پیدا می‌کند و برعکس اگر دانش‌آموزی علاقه نداشته باشد، تا آخر هم راهش را پیدا نمی‌کند.

کار دیگری هم روزهای اول کلاس می‌کردم؛ دقت می‌کردم که از وضع مالی بچه‌ها باخبر شوم تا حواسم باشد، خدای نکرده نگویم وسیله‌ای برای کارهایشان بخرند که در حد توانشان نباشد.

۶ در هفته اول چکار می‌کردید تا آن‌هایی که علاقه‌مند نبودند، علاقه‌مند شوند؟

**کار معلمی در
هنرستان سخت‌تر
است و انگیزه
بیشتری می‌خواهد**

**آفات درست کار
نکردن در ابتدا
متوجه خود انسان
می‌شود**



هنر آموزان ما به
کارشان عشق
می‌ورزند و
احساس خمودگی
ندارند. روابط
بسیار صمیمی
و خوبی هم با
هنر جویان دارند

را نشان نمی‌دهد. بارها بچه‌ها به من گفته‌اند: خانم کسی با ما این حرف‌ها را نگفته است. چیزهایی که شما می‌گویید، حتی پدر و مادرمان هم به ما نگفته‌اند.

من وقتی در فنی‌وحرفه‌ای بودم، می‌دیدم دانش‌آموزانی را که معدلشان پایین بود یا والدین آن‌ها فکر می‌کردند به جایی نمی‌رسند، به رشته گرافیک می‌فرستادند؛ دانش‌آموزانی که فکر می‌کردند هیچ نیستند، ولی ما آن‌ها را به خودباوری بالایی می‌رساندیم. به آن‌ها می‌گفتم مملکت به شما نیاز دارد.

اگر شما نباشید ما می‌لنگیم. این حرف‌ها اثر می‌گذاشتند.

بانگین، نگین بودم، با الهام، الهام شدم. با زهرا، زهرا. دانش‌آموزی داشتم که چند ماه در کلاس مقاومت می‌کرد. چند روز پیش شنیدم که نمایشگاه گذاشته است. برایش پیغام گذاشتم.

کلی خندیدیم. گفتم: مگر شما همان کسی نبودید که به هنر علاقه نداشت؟! برایم لبخند فرستاد و

حقیقت این است که من با کتاب سر کلاس نمی‌رفتم. من با معلم سر کلاس می‌رفتم. وقتی شاگرد می‌دید که من برایش این‌همه کار هنری، عکس و ... برایش برده‌ام، علاقه‌مند می‌شد. می‌گویم در هفته اول با کتاب کار می‌کنیم، ولی از هفته آینده، باید همه با وسایل باشند و کسی توی کلاس نباشد که بدون وسایل آمده باشد.

من همیشه به همکارانمان می‌گویم:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

۶ گفتید من سعی می‌کنم بیشتر روی دل و مغز بچه‌ها سوار شوم. چگونه؟

۲۰ سال پیش با آن‌ها دختر ۲۰ ساله‌ای بودم، الان هم باز با آن‌ها دختری ۲۰ ساله هستم.

دانش‌آموز من هرگز احساس نمی‌کند که ۲۰ سال با من اختلاف سن دارد. من به علاقه‌ها و احساسات بچه‌ها توجه می‌کنم. متأسفانه کسی به بچه‌ها راه

وقتی انسان در
کارش فعال و
پویاست، این
پویایی موجب
نشاط و شادمانی
او می‌شود

گفت: مگر می‌شود با شما بود و علاقه‌مند نشد! من جداً با رفتار و معلم بچه‌ها را علاقه‌مند می‌کردم.

۶ به نظر شما، مدیر هنرستان‌ها چقدر در تقویت انگیزه‌های کاری هنرآموزان (دبیران) مؤثر هستند؟

۶ خیلی زیاد. مدیران هنرستان نقش اساسی در تقویت انگیزه‌های هنرآموزان دارند. استفاده از مدیران علاقه‌مند و معتقد به کار در هنرستان، هم انگیزه هنرآموزان و هم انگیزه هنرجویان را بالا خواهد برد. در مدرسه‌ای که مدیر معتقد است، دانش‌آموزان تنبل و بی‌استعدادی در هنرستان حضور دارند، مطمئناً در ثبت‌نام دانش‌آموزان و هدایتشان به رشته‌هایی که در توان آن‌ها باشد نیز موفق نخواهد بود و هنرآموزان آن مدرسه هم بی‌انگیزه خواهند شد. تلاش برای بالا بردن سطح علمی دانش‌آموزان، هموار کردن مسیر برای کسب رتبه‌های علمی و عملی، و استفاده از نیروهای متخصص در تمامی رشته‌ها، انگیزه فعالیت را بالا خواهد برد.

متأسفانه استفاده از هنرآموزان رشته‌های غیرمرتبط در هنرستان‌ها، یکی از بزرگ‌ترین دلایل کم‌اهمیت جلوه دادن رشته‌های هنرستانی است که بزرگ‌ترین ضربه را به بدنه آموزش هنرستان‌ها زده است. آموزش و پرورش با انجام این کار عملاً نشان داده است که فقط قصد سپری کردن دوران تحصیل را دارد. اگر بتوانیم این مشکلات را برطرف کنیم، حتماً شاهد موفقیت هنرستان‌ها و جذب هرچه بیشتر دانش‌آموزان به هنرستان‌ها خواهیم بود.

۶ مدیر موفق هنرستان دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۶ مدیر موفق هنرستان کسی است که با اعتقاد به ظرفیت هنرستان مشغول به کار است و همه تلاش خود را برای به‌ظهور رساندن استعدادهای هنرآموزان و هنرجویان به کار می‌گیرد. او با رفتار و عملکرد خویش، اعتقادش را به توانایی دانش‌آموزان نشان می‌دهد و این عمل باعث پیشرفت هنرستان و جذب هرچه بیشتر هنرجویان می‌شود. مدیر موفق می‌داند که دانش‌آموزان خیلی خوب می‌توانند تشخیص دهند که یک مدیر هم‌سو دارند یا مدیرشان برخلاف جهت آن‌ها حرکت می‌کند.

۶ چگونه می‌توان دانش‌آموزان را جذب

هنرستان کرد؟

۶ تبلیغات مثبت صدا و سیما و آموزش و پرورش، و شفاف‌سازی مسائل در زمینه جذب دانش‌آموزان در هنرستان بسیار مؤثر و مفید است. همان‌طور که در جریان هستید، صدا و سیما همچنان در حال تبلیغات برای رشته‌های آموزشی نظری و تبلیغ قبولی کنکور در رشته‌های پزشکی و مهندسی است و هیچ تبلیغ یا شفاف‌سازی درباره ارتقای دانش‌آموزان از طریق هنرستان‌ها ندارد. شاید شبکه آموزش و فرصت برابر، این مسئولیت را برعهده گرفته باشد، اما همگی آگاهیم که شبکه آموزش، شبکه پرمخاطبی نیست. اگر بخواهیم مثال واقعی بزنیم، من اولین نوه و آخرین ثبت‌نام‌کننده رشته نظری در فامیل خودمان هستم. بقیه افراد فامیل بعد از من همگی در هنرستان و رشته‌های مورد علاقه‌شان ثبت‌نام کردند. آن‌ها حتی اگر مشغول به کار اداری هم نشده باشند، در دوران تحصیل از تحصیلشان لذت برده‌اند و اکنون نیز می‌توانند به‌نحوی از رشته مورد تحصیل خود استفاده کنند.

۶ در مورد تشویق فرزندان برای تحصیل در هنرستان‌ها، چه پیامی برای خانواده‌ها دارید؟

۶ من پیام خاصی در این زمینه ندارم. فقط به اولیای دانش‌آموزان توصیه می‌کنم که مانع تحصیل فرزندشان در رشته مورد علاقه او نشوند. زیرا اگر دانش‌آموزی در رشته مورد علاقه‌اش ادامه تحصیل دهد، شانس موفقیتش در آن رشته خیلی بیشتر از آن است که در رشته غیر مورد علاقه‌اش درس بخواند. دانش‌آموزانی که در رشته مورد علاقه خود تحصیل می‌کنند، علاوه بر اینکه خسته نمی‌شوند، نیرو می‌گیرند و انگیزه آن‌ها برای ادامه تحصیلشان بسیار زیاد می‌شود.

من شخصاً وقتی به رشته هنر رفتم، خیلی جان گرفتم و الان که حدود ۲۲ سال است در آموزش و پرورش خدمت می‌کنم، شاید جسمم خسته باشد، ولی روحم خسته نیست. من هنوز هم خودم را هم‌سن دختران هنرستان می‌بینم و از کار کردن با آن‌ها هیچ‌وقت خسته نمی‌شوم. قسم خورده‌ام که نگذارم پرچم هنرستان‌ها پایین بیاید و امیدوارم سال به سال به تعداد هنرجویان هنرستان‌ها اضافه شود.

۶ متشکریم از اینکه فرصتی را در اختیار ما قرار دادید تا با تجربیات شما آشنا شویم.

من در کلاس، درس نمی‌دادم. من فقط به بچه‌ها راه را نشان می‌دادم

هنرجویانی داشتیم که فکر می‌کردند هیچ نیستند، ولی ما آن‌ها را به خودباوری بالایی رساندیم

احمد شریفان
کارشناس ارشد سنجش و اندازه‌گیری

نگاهی به سنجش و ارزشیابی به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری

مقدمه

در هر برنامهٔ درسی، اصولی برای سنجش و ارزشیابی یادگیری و عملکرد تحصیلی یادگیرندگان در نظر گرفته می‌شوند که تعداد آن‌ها متغیر است. اما به‌طور مشخص می‌توان گفت: اصول موردنظر از سه رویکرد به سنجش گرفته شده‌اند: ۱. سنجش یادگیری^۱؛ ۲. سنجش به‌عنوان یادگیری^۲؛ ۳. سنجش برای یادگیری^۳.

«سنجش یادگیری» به راهبردهای طراحی شده برای آگاهی و اطمینان از آنچه یادگیرندگان می‌دانند، تعیین اینکه آیا یادگیرندگان نتایج موردنظر برنامه‌های درسی و یا هدف‌های فردی را کسب کرده‌اند، و یا تأیید و تصمیم‌گیری دربارهٔ موقعیت آیندهٔ یادگیرندگان و کفایت و شایستگی آن‌ها برای ارتقای تحصیلی به کار می‌رود. در واقع، در این نوع رویکرد به سنجش، نتیجهٔ یادگیری مورد توجه آموزش‌دهنده یا هر عنصر ذی‌نفع دیگری است. یعنی این نوع سنجش، سنجشی «نتیجه‌محور»

اشاره

همان‌طور که می‌دانیم، هدف اصلی سنجش فراهم آوردن اطلاعات ضروری برای قضاوت دربارهٔ کیفیت عملکرد تحصیلی و یادگیری یادگیرندگان است. لذا، قضاوت آموزش‌دهنده در این باره به اطلاعات جمع‌آوری شدهٔ او در این زمینه بستگی دارد. به این معنا که هرچه اطلاعات فراهم‌شده دقیق‌تر و کامل‌تر باشد، قضاوت به عمل آمده بر پایهٔ آن‌ها نیز معتبرتر خواهد بود. بنابراین، در این راستا استفاده از روش‌های اندازه‌گیری و سنجش به آموزش‌دهنده کمک می‌کند، اطلاعاتی را دربارهٔ یادگیرندگان و فرایند تدریس به‌دست آورد که بر پایهٔ آن بتواند، تصمیم منطقی، عقلانی، خردمندانه و سازنده بگیرد. به همین منظور در هر برنامهٔ درسی، اصولی را در نظر گرفته‌اند که در مقاله حاضر به یکی از آن‌ها به این شرح پرداخته شده است: «به سنجش و ارزشیابی به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیری از فرایند یاددهی - یادگیری نگر بسته شود.»

کلیدواژه‌ها:

فرایند یاددهی - یادگیری، سنجش به‌عنوان یادگیری، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، نگاه به سنجش

پروان سنجش یادگیری معتقدند که یادگیری به معنای تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه است

چگونگی یاددهی آموزش‌دهنده و نحوه مطالعه و آنچه که یادگیرنده خواهد آموخت، به طور مستقیم از ماهیت سنجش و نتایجی که از آن حاصل می‌شود، تأثیر می‌پذیرد

به روش‌های مختص به خودشان یاد می‌گیرند، در عین حال الگوهای ارتباطی و پیش‌فرض‌های قابل پیش‌بینی وجود دارند که برخی از یادگیرندگان ممکن است در طول سفر یادگیری (از شروع تا خبرگی) آن‌ها را تجربه کنند.

در سنجش برای یادگیری، آموزش‌دهندگان سنجش را به عنوان یک ابزار جست‌وجو برای آگاهی از آنچه آن‌ها درباره دانش و دانسته‌های یادگیرندگان و آنچه که آنان قادر به انجامش هستند، و سردرگمی‌ها، پیش‌پندارها، یا خلأهایی که ممکن است داشته باشند، مورد استفاده قرار می‌دهند. لذا، آموزش‌دهندگان بر پایه اطلاعاتی که به واسطه سنجش از عملکرد و یادگیری یادگیرندگان به دست می‌آورند، مبنایی فراهم می‌کنند تا بتوانند آنچه را که برای پیشرفت یادگیری آتی یادگیرندگانشان لازم است، تعیین کنند. علاوه بر این، از نتایج این سنجش برای تدوین و ارائه بازخورد توصیفی، تعیین راهبردهای آموزشی، تدارک منابع آموزشی و... استفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت: این نوع نگاه به سنجش، نگاهی تکوینی و فرایندمحور است که یادگیرنده را به سوی یادگیرنده مستقل بودن سوق می‌دهد.

اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در برنامه درسی

با توجه به آنچه که از نظر گذشت، اصولی که برای سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از:

۱. به سنجش و ارزشیابی به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر از فرایند یاددهی - یادگیری نگریسته شود.
۲. هدف اصلی از سنجش و ارزشیابی، اصلاح و بهبود آموخته‌ها و یادگیری یادگیرندگان و فرایند یاددهی - یادگیری باشد.
۳. از سنجش و ارزشیابی به جای کاهش شایستگی یادگیرندگان، برای افزایش قابلیت و شایستگی‌های آنان استفاده شود.
۴. در انتخاب روش‌ها و ابزارهای سنجش و ارزشیابی، از نظرات یادگیرندگان استفاده شود.
۵. در سنجش آموخته‌ها و یادگیری یادگیرندگان، توانایی آنان در کاربرد آموخته‌هایشان در امور روزمره زندگی مورد توجه قرار گیرد.
۶. از خود سنجشی و دیگر سنجشی به عنوان ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات مکمل سایر ابزارها استفاده شود.

است که از دیرباز تاکنون در هر نظام آموزشی و پرورشی مورد توجه مسئولان، آموزش‌دهندگان و حتی والدین یادگیرندگان و خود یادگیرندگان بوده است.

«سنجش به عنوان یادگیری» ریشه در این مفهوم دارد که هدف نهایی سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، توانمند کردن یادگیرندگان در ارزشیابی از خودشان است. این نوع سنجش بر یادگیرندگان و بر فرایند فراشناخت (دانش یادگیرنده درباره فرایندهای فکری خودش) متمرکز است. در واقع از این اندیشه نتیجه گرفته شده است که یادگیری فقط انتقال اندیشه‌ها از فردی دارای دانش (برای مثال، آموزش‌دهنده) به افرادی بدون دانش (برای مثال یادگیرندگان) نیست. بلکه باور بر این است که یادگیری فرایند شناختی فعال تجدید سازمان اطلاعات دریافتی است و هنگامی اتفاق می‌افتد که یادگیرندگان با اندیشه‌های جدید تعامل کنند.

در این نوع نگاه به یادگیری، یادگیرندگان ارتباط‌دهندگان انتقادی بین سنجش و یادگیری به شمار می‌آیند. لذا، به منظور فعال کردن یادگیرندگان در فرایند درک و فهم مطالب ارائه شده و تعاملات انجام شده، باید نحوه سنجش از خودشان را به خوبی یاد بگیرند. یعنی کسانی که معنی اطلاعات را می‌سازند و در ارتباط با دانش قبلی، از آن برای یادگیری جدید استفاده می‌کنند. این روند فرایندی فراشناختی است. به این معنا که یادگیرندگان خود را با نظارت بر آنچه در حال یادگیری آن هستند، سازگار می‌کنند و از آنچه که از طریق نظارت بر قضاوت کردن‌ها و حتی تغییرات اساسی یادگیری کشف می‌کنند، استفاده می‌برند.

این نوع نگاه به سنجش، نگاهی تکوینی و فرایندمحور است. به این معنا که بر پژوهش درباره اینکه یادگیری چگونه رخ می‌دهد، بنا شده است و با تأمل یادگیرندگان بر یادگیری خودشان و سازگار کردن آن‌ها به گونه‌ای که درک عمیق‌تری نسبت به یادگیری و نحوه یادگیری‌شان به دست بیاورند، استوار است.

«سنجش برای یادگیری» در طول فرایند یادگیری طراحی و اجرا می‌شود. این نوع سنجش برای دستیابی هر یادگیرنده‌ای به درکی روشن طراحی می‌شود؛ به گونه‌ای که آموزش‌دهندگان بتوانند درباره آنچه که قادرند برای کمک به یادگیرندگان انجام دهند، تصمیم بگیرند. با توجه به اینکه یادگیرندگان

به دیگر سخن، نظریه‌پردازان شناختی معتقدند که یادگیری به‌صورت توانایی‌هایی در فرد ایجاد و در حافظه او ذخیره می‌شود و هر وقت که بخواهد، چه بلافاصله پس از یادگیری و چه بعد از گذشت زمان، می‌تواند آن توانایی‌ها را مورد استفاده قرار دهد. ویژگی دیگر نظریه‌های شناختی این است که برای یادگیرنده در ایجاد یادگیری نقش مهم‌تری قائل‌اند. سومین نظریه، نظریه‌ای نسبتاً جدید است به نام «نظریه ساختن‌گرایی». این نظریه ریشه در اندیشه‌های علمی و فلسفی گذشته دارد. «دیدگاه‌های ساختن‌گرایی از پژوهش‌های پیاژه^۷، ویگوتسکی^۸، روان‌شناسان گشتالت، بارتلت^۹ و برونر^{۱۰} و نیز از فلسفه پرورشی جان دیویی^{۱۱} سرچشمه می‌گیرند و این‌ها تنها قسمتی از سوابق را شامل می‌شوند» [Woolfolk, 2004:323].

ساختن‌گرایی به گونه‌های مختلفی تعریف شده است، اما همه آن‌ها بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید کرده‌اند. از جمله، در «واژه‌نامه روان‌شناسی آکسفورد» آمده است: ساختن‌گرایی «اندیشه‌ای است که طبق آن ادراکات، یادها و سایر ساخت‌های ذهنی پیچیده به‌طور فعال توسط فرد و در ذهن او ساخته می‌شوند، نه اینکه از بیرون به درون ذهن بیایند» (ص ۱۶۲). بنابر گفته **سانتروک** (۲۰۰۴): «ساختن‌گرایی یک رویکرد یادگیری است که بر فعال بودن یادگیرنده در ساختن دانش و فهم تأکید می‌کند» (ص ۵۶۱). همچنین **شانک**^{۱۲} (۲۰۰۰) گفته است: «ساختن‌گرایی دیدگاهی روان‌شناختی و فلسفی است که طبق آن، افراد بیشتر آنچه را که یاد می‌گیرند و می‌فهمند، خود می‌سازند و شکل می‌دهند» (ص ۲۲۹). کوتاه سخن اینکه ساختن‌گرایی بر این اندیشه استوار است که یادگیرندگان دانش خود را از تجربه‌هایشان به‌دست می‌آورند [Ormord, 1995]. در گذشته، یعنی زمانی که رویکرد رفتارگرایی بر تعلیم و تربیت حاکم بود، تصور دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، به‌ویژه آموزش‌دهندگان (به‌عنوان افرادی که برنامه درسی قصد شده توسط آنان در کلاس درس اجرا می‌شود)، در خصوص سنجش این بود که سنجش آخرین عنصر از عناصر اصلی

۷. نتایج به‌دست آمده از سنجش و ارزشیابی به عمل آمده به‌گونه‌ای به یادگیرندگان منعکس شود که آنان را در زمینه یادگیری و شرکت در کلاس درس، تشویق و ترغیب کند.

۸. در تهیه و اجرای آزمون‌ها برای سنجش آموخته‌ها و یادگیری یادگیرندگان، به حیطه‌های هدف‌های آموزشی (شناختی، عاطفی، و روانی - حرکتی) توجه شود.

۹. از انواع سنجش و ارزشیابی (ورودی، تکوینی، و پایانی) در معنای علمی - کاربردی آن‌ها استفاده به عمل آید.

از بین اصول مذکور، اصل شماره ۱ را شرح می‌دهیم. اما قبل از آن ضرورت دارد، به‌طور مختصر سه نظریه اساسی در روان‌شناسی یادگیری را معرفی کنیم.

اولین نظریه، «نظریه رفتارگرایی» است. رفتارگرایی به این معنی است که رفتار را باید به کمک تجربه‌های قابل مشاهده تبیین کرد، نه فرایندهای ذهنی [Santroek, 2004:211]. در ضمن برای رفتارگرایان، یادگیری تغییر در رفتار آشکار است. هرچند که در چارچوب رفتارگرایی نظریه‌های مختلفی پدید آمده‌اند، اما همه آن‌ها در این نکته اتفاق نظر دارند که موضوع اصلی علم روان‌شناسی رفتار است و روان‌شناسی باید در پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌های خود، رفتار مشاهده‌پذیر و اندازه‌پذیر، نه فرایندهای ذهنی غیرقابل دسترس را مورد توجه قرار دهد. از سوی دیگر، روان‌شناسان رفتاری برای تأثیر محیط بر رفتار انسان اهمیت زیادی قائل‌اند. ادانل^۴، ریو^۵ و اسمیت^۶ (۲۰۰۷) می‌گویند: «از دیدگاه روان‌شناسی رفتاری مهم‌ترین موضوع رابطه بین محیط و رفتار است. تغییراتی که در محیط ایجاد می‌شوند، به ایجاد تغییر در رفتار می‌انجامند.»

دومین نظریه، نظریه «شناخت‌گرایی» است. از نظر نظریه‌پردازان شناختی، یادگیری کسب و بازسازی ساختارهای شناختی است که از طریق آن اطلاعات پردازش و در حافظه ذخیره می‌شوند. نظریه‌های شناختی یادگیری بر این باور تأکید می‌کنند که یادگیری فرایندی درونی است که امکان دارد به‌صورت تغییر فوری در رفتار آشکار ظاهر نشود.

**دیویی،
ویگوتسکی، پیاژه
و سایر دانشمندان
شناخت‌گرا نیز،
نگاه به سنجش
به‌عنوان ابزاری
برای نمره‌دهی،
رتبه‌دهی،
قضاوت درباره
یادگیرندگان و
تعیین برنده و
بازنده را مورد نقد
و بازنگری قرار
داده‌اند**

* بی‌نوشت‌ها

1. Assessment of Learning
2. Assessment as Learning
3. Assessment for Learning
4. O'Donnel
5. Reeve
6. Smith
7. Piaget
8. Vygotsky
9. Bartlett
10. Bruner
11. Dewey
12. Suhunk
13. Stiggins
14. Beth Grove
15. Shepard

* منابع

۱. ایمل، لورنا و کاتز، استیون (۱۳۸۸). **بازاندیشی در سنجش کلاسی**. ترجمه محمد عسگری، غلامرضا یادگارزاده و کوروش پرند. نشر نخبگان. تهران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۶).
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶). **اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی**. دوران. تهران.
۳. شریفان، احمد (۱۳۹۱). **سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: تأثیر نمره و بازخورد و پیشرفت تحصیلی**. وانیلا. تهران.
۴. شریفان، احمد (۱۳۹۱). **سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: فلسفه، اصول و انواع سنجش**. وانیلا. تهران.
۵. یادگارزاده، غلامرضا و پرند، کوروش (۱۳۸۸). **گفتارهایی در سنجش آموزش: تأملی بر نقش سنجش در برنامه درسی، تدریس و یادگیری**. نوا مهتاب. تهران.

شود، در حالی که برنامه درسی توسط آموزش‌دهنده در حال اجراست، آن را به اجرا می‌گذارند و از نتایج آن در جهت تکوین (بهبود، اصلاح، تعمیق و تحکیم) یادگیری یادگیرندگان استفاده می‌کنند [Blake, etal, 2004, quotes: Harlen, 2007].

این نوع نگاه به عنصر سنجش و نقش آن در برنامه درسی، بنا به گفته شپارد (۲۰۰۰)، ریشه در پارادایم ساختن‌گرایی دارد. در این دیدگاه، سنجش برای فعالیتهای آموزشی هر آموزش‌دهنده‌ای و فعالیتهای یادگیری هر یادگیرنده‌ای عنصر تعادل‌دهنده است. زیرا عمدتاً سنجش در کلاس درس به عمل می‌آید و به این منظور، هر آموزش‌دهنده‌ای نیاز دارد که در کلاس درس از انواع سنجش به تناسب نیازش و هدفی که دنبال می‌کند، بهره بگیرد. به علاوه، یادگیرندگان نیز به فرصتهایی برای دریافت بازخورد از طریق سنجش‌های رسمی و غیررسمی برای نمایش آنچه می‌دانند و یاد گرفته‌اند، نیاز دارند. هنگامی که آموزش‌دهنده به‌طور هماهنگ از راهبردهای سنجش در کلاس درس استفاده می‌کند، می‌تواند به یادگیرندگان کمک کند از توانایی‌های خود آگاه شوند و ضعف‌هایشان را رفع کنند [به نقل از: یادگارزاده و پرند، ۱۳۸۸].

در واقع، سنجشی که به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری تلقی می‌شود، می‌تواند به ارائه آموزش پویا، کارآمد و اثربخش برای موفقیت یادگیرندگان در دستیابی به هدف‌های آموزشی و پرورشی از پیش تعیین‌شده برنامه درسی کمک کند.

پیروان سنجش یادگیری معتقدند که یادگیری به معنای تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه است.

پیروان سنجش به‌عنوان یادگیری، بر این باورند که یادگیری فعالیتهایی را منعکس می‌کند که یادگیرنده را قادر می‌سازد، از تجربه‌های قبلی خود برای درک و ارزشیابی شرایط حال در جهت شکل دادن به عمل آتی و به نظم در آوردن دانش جدید استفاده کند.

برنامه درسی است. به این معنا که سنجش به‌عنوان پایان‌دهنده فعالیت‌های آموزشی آموزش‌دهندگان و تابع هدف‌های آن‌ها تلقی می‌شود و بر پایه آن، به نتایج و کوشش‌های یادگیری یادگیرنده نمره داده می‌شود تا او بتواند به پایه‌های تحصیلی بالاتر ارتقا یابد.

استیگینز^{۱۳} (۲۰۰۷) می‌گوید: در این دوره زمانی نقش اصلی سنجش، یافتن و برجسته کردن تفاوت‌ها در یادگیرندگان و رتبه‌بندی آنان براساس پیشرفت تحصیلی بود. عمل به این هدف از سنجش، بنا به گفته **بث‌گرا^{۱۴} (۱۹۹۳)**، به نقل از: شپارد^{۱۵}، (۲۰۰۰)، به این معنا تلقی می‌شود که سنجش و آموزش هم در زمان و هم در هدف از یکدیگر جدا هستند. زیرا، هدف اصلی آموزش تغییر در رفتار و شناخت یادگیرنده است و سنجش به این معنا هدفش ارتقای تحصیلی و تفکیک یادگیرندگان از یکدیگر است. همین نگاه باعث می‌شود که فرایند سنجش مسیری جداگانه از فرایند یاددهی - یادگیری طی کند.

اما واقعیت امر این است که امروزه غالباً سنجش تعیین‌کننده فعالیت‌های آموزشی آموزش‌دهنده و کوشش‌های یادگیری یادگیرنده است. به‌طوری که چگونگی یاددهی آموزش‌دهنده و نحوه مطالعه و آنچه که یادگیرنده خواهد آموخت، به‌طور مستقیم از ماهیت سنجش و نتایجی که از آن حاصل می‌شود، تأثیر می‌پذیرد. به‌ویژه بزرگان تعلیم و تربیت، مانند دیویی، ویگوتسکی، پیاز و سایر دانشمندان شناخت‌گرا نیز، نگاه به سنجش به‌عنوان ابزاری برای نمره‌دهی، رتبه‌دهی، قضاوت درباره یادگیرندگان و تعیین برنده و بازنده را مورد نقد و بازنگری قرار داده‌اند و بر پیوند عنصر سنجش با فرایند یاددهی و یادگیری تأکید دارند. به‌طوری که در دهه‌های اخیر گرایش به سمت استفاده از سنجش برای بهبود یادگیری و اثربخشی برنامه درسی افزایش قابل توجهی یافته است. دیگر از سنجش نه به‌عنوان سنجش یادگیری، بلکه به‌عنوان سنجش برای یادگیری یاد می‌شود. این نوع درک از سنجش به طراحی و اجرای سنجش‌هایی منجر می‌شود که یادگیری یادگیرنده را افزایش می‌دهند. امروزه به جای اینکه از سنجش در پایان دوره آموزش استفاده

جشنواره؛ جلوه گاه بروز هنر هنرمندان امروز و سرمایه های فرهنگی

نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی هنرستان های فنی و حرفه ای

باقیه جشنواره ها داشت. از تفاوت های بارز این دوره پوستر جشنواره بود. پوستر جشنواره نوزدهم توسط هنرجوی کرمانشاهی، **سوگند شریفی** در جشنواره هیجدهم خراسان شمالی برگزیده شده بود و پس از انتخاب استان میزبان به روز شد.

شاید بام ایران، استان چهارمحال و بختیاری، وقتی که در سال ۱۳۸۷ میزبان یازدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی و طرح درس برتر بود، فکر نمی کرد ۱۰ سال بعد، در سال ۱۳۹۷ هم از این تجربه دوباره استفاده کند و دبیرخانه اجرایی نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی هنرستان های فنی و حرفه ای را مجدداً در این استان راه اندازی کند. این جشنواره تفاوت های زیادی با





کیفیت آموزش‌های ارائه شده و معرفی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای به جامعه، از مهم‌ترین هدف‌هایی هستند که از برگزاری جشنواره دنبال می‌شوند.»

این دوره اولین دوره جشنواره بوده است که در سیستم جدید نظام آموزشی شاخه فنی‌وحرفه‌ای برگزار شده است و در طراحی پوستر به صورت ۱۸+۱ به آن اشاره شده است.

دکتر سیدمحسن حسینی‌مقدم، در آیین رونمایی از پوستر این دوره جشنواره، روز هشتم خرداد ماه ۱۳۹۷ گفت: «مهم‌ترین سیاست وزارت آموزش‌وپرورش ارتقای کیفیت آموزشی است و برگزاری مسابقات و جشنواره‌ها می‌تواند یکی از راه‌های رسیدن به این هدف باشد». وی افزود: «زمینه‌سازی برای پرورش استعدادها و خلاقیت‌های هنرجویان، ایجاد فضای رقابتی سازنده و سالم بین هنرجویان، معرفی توانمندی‌های هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای به جامعه، ارزیابی

جدول ۱. رشته / درس و زمینه‌های نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی

ردیف	رشته / درس	زمینه	ردیف	رشته / درس	زمینه
۱	پویانمایی	طراحی شخصیت دوبعدی	۲۲	طراحی و دوخت	دوخت یک دست لباس زنانه
۲		طراحی شخصیت سه‌بعدی	۲۳		دوخت یک دست لباس کامل دخترانه
۳		طراحی فضا و صحنه دوبعدی	۲۴		طراحی اندام و لباس با تکنیک مداد طراحی
۴		متحرک‌سازی دو بُعدی	۲۵		طراحی لباس با تکنیک‌های آزاد
۵	چاپ دستی	متحرک‌سازی سه‌بعدی صحنه‌ای	۲۶	عکاسی	عکاسی در گرافیک (۲)
۶		ترافارد	۲۷		عکاسی و تکنیک (۱)
۷		ترکیبی	۲۸	فتوگرافیک	تصویرسازی دستی
۸		چوب و لینولنوم	۲۹		تصویرسازی دیجیتال
۹	صنایع دستی	حکاکی روی فلز	۳۰		نشانه تصویری و پیکتوگرام
۱۰		سیلک (سریگرافی)	۳۱		نشانه لوگوتایپ
۱۱		شیشه	۳۲	کارگاه هنر	حجم اسمبلاژ
۱۲	صنایع چوب و مبلمان	طراحی و ساخت کابینت آشپزخانه	۳۳		حجم مفتولی
۱۳		طراحی و ساخت مبلمان کودک و نوجوان	۳۴	طراحی	آب مرکب
۱۴	صنایع دستی	جاجیم	۳۵		ذغال
۱۵		زیلو	۳۶		قلم فلزی
۱۶		گلیم	۳۷		مداد
۱۷	معماری داخلی و نقشه‌کشی معماری	اجرای تزئینات در فضاهای داخلی (پاراوان و مبلمان چوبی)	۳۸	نقاشی	آبرنگ
۱۸		اجرای تزئینات در فضاهای داخلی (دیوارپوش و...)	۳۹		پاستل
۱۹		معماری داخلی فضاهای مسکونی	۴۰		رنگ روغن
۲۰		نقشه‌کشی فضاهای داخلی	۴۱		گواش
۲۱		نقشه‌های معماری	۴۲		مدادرنگی

از جشنواره‌های وزارت آموزش و پرورش راه یافته است. البته هر روش نوینی همیشه دارای نواقص و کاستی‌هایی است. یکی از این کاستی‌ها تسلط نداشتن کاربران بر مباحث الکترونیکی است. **کمال استادهادی**، کارشناس مسئول فنی و حرفه‌ای «اداره کل آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری» اظهار داشت که در روزهای داوری و ثبت آثار، گاهی تا پاسی از شب هم از استان‌های دیگر تماس تلفنی داشته و پاسخگوی ذی‌نفعان بوده است.

روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۷، دو دقیقه مانده به ساعت ۱۴، وبگاه دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مسافران شهرکرد را اعلام کرد و در نهایت طبق جدول ۲ تعداد راه‌یافتگان به مرحله کشوری هر استان تعیین شدند.

دبیر ستاد نوزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی روند برگزاری جشنواره را این‌گونه تبیین کرد: «امسال رقابت‌ها در ۸ رشته و ۴ درس انجام می‌شوند که برای نخستین بار ۳ رشته جدید، شامل معماری داخلی، فتوگرافیک و صنایع دستی فرش به این جشنواره اضافه شده‌اند. امیدوار هستیم با استفاده از ظرفیت همه دستگاه‌های اجرایی بتوانیم جشنواره را به بهترین شکل برگزار کنیم» (جدول ۱)

فرایند ثبت آثار

چندسالی است که کار داوری در مرحله منطقه‌ای و استانی به صورت ترکیبی (الکترونیکی و حضوری) انجام می‌گیرد و مبدع این روش نیز دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بوده است. حالا این روش به بسیاری

جدول ۲. تعداد راه‌یافتگان به مرحله کشوری نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی به تفکیک جنسیت و استان

ردیف	نام استان	دختر	پسر	جمع	ردیف	نام استان	دختر	پسر	جمع
۱	آذربایجان شرقی	۸	۵	۱۳	۱۴	فارس	۱۸	۲	۲۰
۲	اردبیل	۱	۰	۱	۱۵	قزوین	۱۱	۳	۱۴
۳	اصفهان	۲۱	۲	۲۳	۱۶	قم	۴	۲	۶
۴	البرز	۱۱	۰	۱۱	۱۷	کردستان	۴	۰	۴
۵	چهارمحال و بختیاری	۴	۰	۴	۱۸	کرمان	۷	۰	۷
۶	خراسان رضوی	۸	۲	۱۰	۱۹	کرمانشاه	۲	۰	۲
۷	خراسان شمالی	۴	۲	۶	۲۰	گلستان	۱	۰	۱
۸	خوزستان	۵	۱	۶	۲۱	گیلان	۱	۱	۲
۹	زنجان	۱	۰	۱	۲۲	مازندران	۱	۰	۱
۱۰	سمنان	۲	۰	۲	۲۳	مرکزی	۰	۲	۲
۱۱	سیستان و بلوچستان	۲	۰	۲	۲۴	هرمزگان	۲	۰	۲
۱۲	شهر تهران	۱۵	۱	۱۶	۲۵	همدان	۰	۱	۱
۱۳	شهرستان‌های تهران	۷	۰	۷	۲۶	یزد	۸	۲	۱۰
جمع کل									
		۷	۰	۷			۱۴۸	۲۶	۱۷۴

شاید یکی از سخت‌ترین مرحله‌های برگزاری جشنواره به زعم استان‌ها، ارسال آثار برگزیده به استان میزبان باشد که بسته‌بندی صحیح و سالم و به موقع رسیدن آن از دغدغه‌های هر استانی است. این آثار باید در محلی که توسط استان انتخاب شده است، به نمایش درآیند و یکی از آیین‌های جشنواره که معمولاً با افتتاحیه همراه است، افتتاح نمایشگاه آثار برگزیده است.

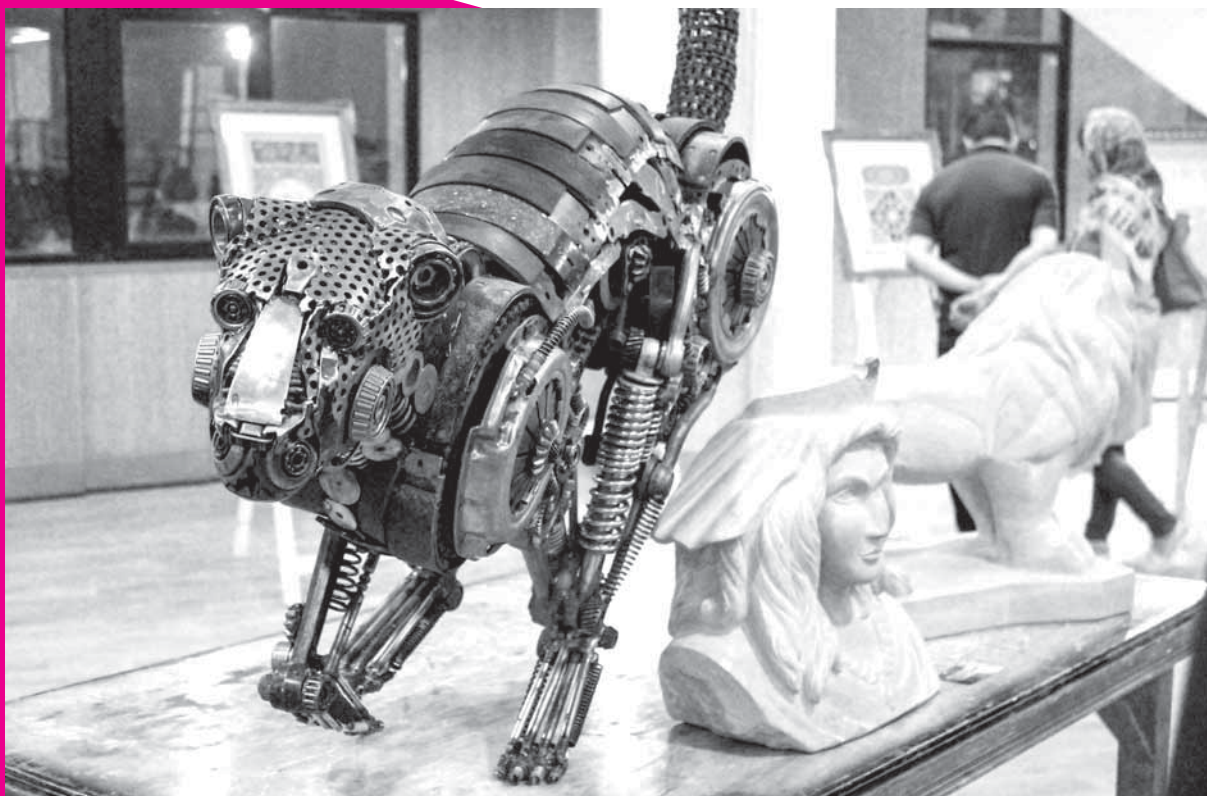
فرهنگ‌سرای شهر کرد با زحمات شبانه‌روزی ۷۲

محل‌های آزمون، داوران و ناظران

بر اساس بازدیدهای میدانی در سطح استان و ستاد، محل‌های آزمون تعیین و در یک کار وسیع، هنرستان‌ها آماده‌سازی شدند.

جدول ۳. داوران و ناظران جشنواره

داوران	ناظر	محل آزمون / مدیر	رشته
زهره تاج‌پیکر، عطیه احمدی، فهیمه ذبیحی	سارا کاظمی‌نژاد	هنرستان: فرزانه مدیر: خدیجه شمسی پوردهکردی	پویانمایی (انیمیشن)
مالک علیزاده، پرستو مهرجو، منصوره فدوی	مریم غلامی		فتو - گرافیک
نغمه‌سادات میربابایی، مهدیه روشن‌نژاد، مژده آریانفر	آزاده بدیعی‌دزفولی		نقاشی
بهروزه مقدم، حمیده زمانی، فرشته مهدیه	سیدنیما پورحسینی		عکاسی
اعظم غلامی، سکینه برزگر بغروی، زهره‌سادات سادات	معصومه ممولر	هنرستان: قائمیه مدیر: میترا سلیمانی‌نژاد	طراحی و دوخت
فروزان ایزدی، فهیمه فرزانه، لیلا قائمی	قدرت ناصر		طراحی
ملیحه رستمی‌رواری، مریم لاری‌پور	عبدالرضا جمالی‌فرد		صنایع‌دستی - فرش
نجمه سرمد، صفورا منیری‌مقدم، آرزو مبینی	احسان میرحسینی - امید دشتی		چاپ دستی
فرشته خوشکلام، معصومه سالمی، محمد عقیقی	پرستو آریان‌نژاد	هنرستان: فنی شماره یک مدیر: ابراهیم محقق	معماری داخلی و نقشه‌کشی معماری
محمد مهدی حاج‌کرمی، حبیب‌الله صحرانگرد	امیر نظری		صنایع چوب و مبلمان
راضیه‌بی‌گناه سردودی، معصومه بهرامی، حمیده عظیمی	کیوان صفرپیرانوند		کارگاه هنر





معاون وقت آموزش متوسطه وزارت متبوع گرفته تا مدیران کل و دکتر مهدی سالم، مدیر شبکه امید صداوسیما، آقای راهداری، از سازمان برنامه و بودجه کشور و... همه این عزیزان هنرنمایی هنرجویان هنرستانی و تجلی توانمندی نوجوان ایرانی را شاهد بودند.

پس از تمام رقابت‌ها، رفاقت و فراغت شروع شد. شب‌هنگام سه‌شنبه، همه مهمانان شرکت‌کننده در جشنواره در جنگ شادی شرکت کردند که با توجه به نظر تماشاگران، بسیار مورد استقبال قرار گرفت و شبی به یادماندنی در ذهن‌ها رقم خورد. زمانی که خنده بر لبان میهمانان بود، داوران و ناظران در حال جمع‌بندی نتایج بودند تا رتبه‌های اول تا چهارم هر زمینه را تعیین کنند و عده‌ای نیز در تدارک فعالیت‌های نهایی برگزاری اختتامیه بودند.

اختتامیه و اهدای جایزه‌ها

طراحی و اجرای دکور مراسم اختتامیه یکی از نکات برجسته مراسم بود که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کرد. پخش مستقیم مراسم از شبکه‌های امید، آموزش، ایران کالا و شبکه استانی

مراسم استقبال و افتتاحیه

هفتم و هشتم مردادماه ۱۳۹۷ استان چهارمحال و بختیاری آمادگی کامل خود را در مراسم استقبال با گویش‌ها، آداب و رسوم، لباس و... گوناگون محلی به شکل باشکوهی نشان داد. شایان ذکر است که این دوره جشنواره مقارن با «هفته ملی مهارت» در کشور برگزار شد.

روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۷، طی مراسمی افتتاحیه نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی و نمایشگاه برگزیدگان به صورت رسمی در فرهنگ‌سرای بزرگ شهرکرد آغاز شد. از نکات قابل توجه مراسم افتتاحیه، تجلیل از پدر شهید علیرضا جیلان، هنرجوی «هنرستان شهید شبانیان بروجن» بود که به عنوان بسیجی مدافع حرم و فرمانده خط‌شکن در «بوکمال» سوریه شهید شیرین شهادت را نوشید.

سه‌شنبه نهم مردادماه، هنرستان‌های محل برگزاری آزمون هر یک با ابتکار منحصر به فرد خود، میزبان هنرجویان برگزیده بودند.

این جشنواره مهمانان ویژه‌ای هم داشت؛ از اقبال عباسی، استانداری وقت چهارمحال و بختیاری که خود یک هنرستانی است، و مهندس علی زرافشان،



نیز به شکوه این مراسم افزوده بود. به این ترتیب والدین می‌توانستند دریافت جایزه توسط نوجوان خود را به‌صورت زنده به نظاره بنشینند. اجرای زنده سرود جمهوری اسلامی ایران نیز مراسم را جذاب‌تر کرد.

از دیگر بخش‌های جالب این مراسم اجرای هم‌آوایی حماسی فرهنگیان استان بود که سالن را تحت تأثیر قرار داد. در حاشیه این مراسم، دکتر مهدی سالم اعلام آمادگی کرد که در فضای استودیویی بتواند این اجرا را ضبط کند. همچنین پخش نماهنگ پایانی جشنواره مورد توجه حاضران قرار گرفت.

استاندار چهارمحال و بختیاری: با افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای می‌توان وضعیت اقتصاد کشور را تغییر داد.

اقبال عباسی، استاندار شوخ‌طبع چهارمحال و بختیاری نیز با ذکر خاطراتی از دوران تحصیل هنرستان خود، برای لحظاتی جو شاد و مفرحی را در سالن ایجاد کرد. وی برگزاری جشنواره‌های هنرستان‌ها را فرصتی برای ارتقای سطح کیفی آموزش‌ها و افزایش مهارت‌آموزی جوانان دانست و افزود: «تقویت اشتغال و کاهش بی‌کاری از راه گسترش مهارت‌آموزی در نظام آموزشی میسر می‌شود و جوانان را به سمت کسب مهارت و اشتغال در بخش‌های متفاوت تولیدی سوق می‌دهد»

وی با بیان اینکه ۵۰ درصد اشتغال استان چهارمحال و بختیاری در حوزه کشاورزی است، اظهار داشت: «افزایش آموزش‌های مهارتی در این بخش ضروری است. توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ایجاد اشتغال مولد و پایدار و شغل‌های تخصصی مؤثر است و با افزایش این مهارت‌ها می‌توان وضعیت اقتصاد کشور را تغییر داد.»

معاون آموزش متوسطه: هنرجویان می‌توانند درون جامعه با ابزار هنر تحول ایجاد کنند.

مهندس علی زرافشان، در ابتدای سخنرانی اختتامیه، با ذکر خاطره‌ای از بازدید خود در حوزه آزمون اظهار داشت: «به یکی از هنرجویان گفتم: چرا طرح پیچیده‌ای را برای اجرا انتخاب کرده‌ای؟ او در جوابم گفت: تا به خودم ثابت کنم که توانایی انجام طرح‌های پیچیده را دارم. یعنی من می‌توانم در نوجوان ایرانی بروز و ظهور دارد و این مهم در هنرستانی‌ها بیشتر جلوه کرده است. هنرجویان می‌توانند درون جامعه با ابزار هنر تحول ایجاد

کنند.»

زرافشان افزود: «هنر، چگونه زندگی کردن را به ما می‌آموزد و به زندگی ما جهت و معنا می‌دهد. هنرمندان خود زندگی پرمعنا دارند و با خلق آثار هنری به جامعه معنا می‌بخشند. هنر از دو زاویه قابل دیدن است: هنر برای هنرمند و هنر برای مردم. وقتی هنر ارزشمند است که در خدمت مردم قرار گیرد.»

معاون آموزش متوسطه وقت وزارت آموزش و پرورش خاطرنشان کرد: «با برگزاری این جشنواره به جامعه پیام می‌دهیم که نخبگان کسانی هستند که دارای تنوع استعدادند و علاوه بر نخبگان علمی، هنرجویان نیز نخبه هستند؛ در عرصه هنر نخبه‌اند و هنر می‌آفرینند. در جامعه برای ایجاد تعادل باید به همه نخبگان توجه شود. در طول پنج سال گذشته، به کارآفرینی و تولید با کیفیت توجه بسیار شده است و هنرجویان در هنرستان‌ها شغل آفرین‌اند و برای خود و جامعه شغل ایجاد می‌کنند.»

مدیرکل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری: جشنواره کشوری هنر فرصتی مناسب برای در کنار هم قرار گرفتن قومیت‌های کشور است.



برگزاری چنین جشنواره‌ها و مسابقه‌های عملی است.

اسامی رتبه‌های برتر نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای کشور که از هفتم تا نهم مردادماه ۱۳۹۷ در شهرکرد برگزار شد، به شرح جدول ۴ است. در جمع رتبه‌ها، استان اصفهان رتبه اول استانی را از آن خود کرد.

برای همه هنرجویان شرکت‌کننده آرزوی موفقیت بیشتر در زندگی داریم.

بهروز امیدی، ضمن خیرمقدم‌گویی به میهمانان جشنواره، از اعتماد مقام عالی وزارت به خاطر میزبانی این جشنواره توسط استان چهارمحال و بختیاری تشکر کرد. مدیرکل استان، با بیان اصل امنیت ملی و هم‌گرایی قومیت‌های کشور، به تاریخ هزارساله کشور عزیزمان ایران پرداخت و یادى از **فردوسی و رودکی**، مشاهیر ایران‌زمین کرد. وی هنر و خرد را در کنار هم باعث افتخار فرهنگی ایران در ۱۰ کشور کهن جهان برشمرد.

رئیس دبیرخانه اجرایی نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی، هنر و اخلاق را با دینداری همراه دانست و به تکرار ۵۷۳ بار کلمه هنر در شاهنامه فردوسی اشاره کرد. او هنر را فرصتی مناسب برای در کنار هم قرار گرفتن قومیت‌های کشور دانست و از هنرجویان شرکت‌کننده، داوران، ناظران و دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره تشکر کرد.

مدیرکل دفتر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای: برای رسیدن به هدف‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای باید به جای هفته فنی‌وحرفه‌ای، سال فنی‌وحرفه‌ای داشته باشیم.

سیدمحسن حسینی‌مقدم ابتدا از تمامی عوامل دست‌اندرکار جشنواره تقدیر و تشکر کرد. سپس از فرایند برگزاری جشنواره، تعداد شرکت‌کنندگان، نحوه داوری و... گزارشی ارائه داد و مهم‌ترین هدف برگزاری جشنواره را معرفی توانمندی‌ها، خلاقیت‌ها و استعدادهای هنرستان‌ها دانست. وی ضمن گرامیداشت هفته فنی‌وحرفه‌ای افزود برای رسیدن به هدف‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای باید به جای هفته فنی‌وحرفه‌ای، سال فنی‌وحرفه‌ای داشته باشیم. در پایان نیز خاطرنشان کرد، از جمله برنامه‌های کیفیت‌بخشی در آموزش متوسطه،



جدول ۴. اسامی رتبه‌های برتر نوزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی هنرستان‌ها

رشته / درس	زمینه	استان	نام	نام خانوادگی
پویانمایی	طراحی شخصیت دوبعدی	قم	عرفان	خازنی
پویانمایی	طراحی شخصیت سه‌بعدی	اصفهان	ترگس	شفیعی دستگردی
پویانمایی	طراحی شخصیت سه‌بعدی	کردستان	سارینا	طهماسبی
پویانمایی	طراحی فضا و صحنه دوبعدی	البرز	آرمیتا	شهبازکیا
پویانمایی	طراحی فضا و صحنه دوبعدی	یزد	زهره	معمذنیا
پویانمایی	متحرک‌سازی دوبعدی	یزد	علیرضا	حجتی مزرعه آخوند
پویانمایی	متحرک‌سازی سه‌بعدی صحنه‌ای	فارس	آیدا	کشاورزی
چاپ دستی	ترافارد	فارس	ماندانا	هوشمندیان
چاپ دستی	ترکیبی	شهر تهران	عسل	بنائی
چاپ دستی	ترکیبی	یزد	زینب	قانع‌ی بافقی
چاپ دستی	چوب و لینولوم	شهر تهران	آتنا	عاقلی
چاپ دستی	حکاکی روی فلز	اصفهان	ریحانه	نصیریان
چاپ دستی	سیلک (سریگرافی)	فارس	مریم	زارع
چاپ دستی	شیشه	شهر تهران	روژان	کیانی
صنایع چوب و میلمان	طراحی و ساخت کابینت آشپزخانه	آذربایجان شرقی	میریوسف	میرحسینی اندریان
صنایع چوب و میلمان	طراحی و ساخت میلمان کودک و نوجوان	خراسان رضوی	جواد	فتحی
صنایع دستی	جاجیم	خراسان رضوی	میترا	مرامی
صنایع دستی	زیلو	فارس	شقایق	علی‌پور
صنایع دستی	گلیم	اصفهان	ضحی	طالبی‌دیدرانی
طراحی	زغال	آذربایجان شرقی	حامد	ثابت‌قدم زرنق
طراحی	قلم فلزی	اصفهان	بهارالسادات	میرطالوسی
طراحی	مداد	کرمان	فائزه	فیروزی فتح‌آبادی
طراحی و دوخت	دوخت یک دست لباس کامل دخترانه	اصفهان	فاطمه	باقری‌ریزی
طراحی و دوخت	طراحی اندام و لباس با تکنیک مداد طراحی	خراسان‌رضوی	فاطمه	خوبان
طراحی و دوخت	طراحی لباس با تکنیک‌های آزاد	قم	ریحانه	صفارنژاد
عکاسی	عکاسی در گرافیک (۲)	قزوین	امیرحسین	رضائی
فتوگرافیک	تصویرسازی دستی	شهرستان‌های تهران	دل آرام‌سادات	باقری‌گلچوبی
فتوگرافیک	تصویرسازی دیجیتالی	خوزستان	مریم	رشیدی
فتوگرافیک	نشانه‌لوگو تایپ	اصفهان	محسن	بلدی‌فروشانی
کارگاه هنر	حجم اسمبلاژ	کرمانشاه	سپیده	قهرمانی‌فرد
کارگاه هنر	حجم مقنولی	سیستان و بلوچستان	راضیه	ریگی
معماری داخلی و نقشه‌کشی معماری	اجرای تزئینات در فضاهای داخلی (پاراوان و میلمان چوبی)	گیلان	سیدمصطفی	میرسیاربار کوسرائی
معماری داخلی و نقشه‌کشی معماری	اجرای تزئینات در فضاهای داخلی (دیوارپوش و ..)	هرمزگان	نیلوفر	باقرزاده‌همائی
معماری داخلی و نقشه‌کشی معماری	نقشه‌های معماری	یزد	زهره	کریمی مدوئیه
نقاشی	آبرنگ	قزوین	مریم	تقوی رزدره
نقاشی	پاستل	یزد	فاطمه	رضائی صدرآبادی
نقاشی	گواش	اصفهان	شادی	پولادی
نقاشی	گواش	قزوین	مانده	خلیلی
نقاشی	مدادرتگی	اصفهان	فاطمه	بنائی علی‌آبادی

از مدرسه صنعتی آذربایجان، تا هنرستان صنعتی ماندگار وحدت

هنرستانی با قدمت ۹۰ ساله در شمال غرب کشور:

اشاره

هنرستان ماندگار وحدت تبریز، از جمله هنرستان‌های قدیمی کشور با نزدیک به ۹۰ سال سابقه است. این هنرستان که ابتدا در منزلی شخصی و با دو رشته آهنگری و نجاری شروع به کار کرده، به تدریج و در دوره‌های گوناگون توسعه یافته است. به‌طوری که امروز با هفت رشته از جمله رشته جدید مکاترونیک هنرجویان بسیاری را به خود جذب می‌کند و از جمله هنرستان‌های مطرح در سطح کشور است. در گفت‌وگویی که می‌خوانید، ابراهیم شایان‌فر، مدیر هنرستان که خود زمانی هنرجوی همین مدرسه بوده، از تاریخچه ۹۰ ساله، امکانات و تجهیزات، کادر علمی و اجرایی، افتخارات و افراد نامدار فارغ‌التحصیل از این مدرسه و نیز مشکلات و موانع بر سر راه هنرستان‌ها گفته است.

ابراهیم شایان‌فر، فوق‌لیسانس مکانیک سیستم محرکه خودرو هستم. بین سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ در همین هنرستان در رشته مکانیک خودرو در دوره متوسطه دوم تحصیل کردم. در سال ۱۳۷۲ از این هنرستان فارغ‌التحصیل شدم. بلافاصله در رشته دبیری مکانیک خودرو قبول شدم و بعد از پایان تحصیلات عالی به چند سالی در منطقه عجب‌شیر تدریس کردم. از سال ۱۳۸۰ مجدداً به این هنرستان برگشتم و تا سال ۱۳۹۰ به‌عنوان هنرآموز مکانیک خودرو فعالیت داشتم. از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ در سمت معاونت فنی این هنرستان مشغول به خدمت بودم و از سال ۱۳۹۶ تاکنون به افتخار مدیریت این هنرستان نائل شدم.



**اکنون این
هنرستان با
هفت رشته
متالورژی، مکانیک
خودرو، صنایع
چوب و مبلمان،
الکترونیک،
الکتروتکنیک،
ماشین ابزار
مکاترونیک مشغول
به فعالیت است**

**اخیراً رشته‌های
جدید آموزشی
مستقر شده‌اند و
کتاب‌ها هم کاملاً
تغییر کرده و
به‌روز شده‌اند اما
امکانات هنرستان
واقعاً منطبق با این
کتاب‌ها نیست**

و این هنرستان یکی از ۱۵ هنرستان در سطح کشور است که این رشته در آن دایر شده است. رشته مکاترونیک بین رشته‌ای و تلفیقی از چهار رشته ماشین ابزار، الکترونیک، الکتروتکنیک و رایانه است و درباره بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین بحث می‌کند. هنرجویان این رشته افرادی هستند که از صفر تا ۱۰۰ پروژه‌ها را خودشان انجام می‌دهند. کارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ساخت یک پروژه به عهده هنرجویان است. تمام فعالیت‌های تعریف‌شده در درس‌های تخصصی این رشته «پروژه‌محور» و با هدف پرورش هنرجوی کارآفرین تنظیم شده‌اند.

چه تعداد هنرجو در این هنرستان مشغول به تدریس هستند؟

۶۶۲ هنرجو داریم که رشته‌های الکتروتکنیک و مکانیک خودرو به ترتیب بیشترین هنرجو را دارند.

درباره کادر علمی و نیروی انسانی هنرستان توضیح دهید؟

۶ هنرستان وحدت در مجموع ۸۸ نفر کادر اجرایی و آموزشی دارد. ۲۲ نفر کادر اجرایی اعم از مدیر، معاونان، سرپرستان بخش، انبارداران و نیروهای خدماتی هستند. ۶۶ نفر هم به کار تدریس مشغول‌اند که شامل دبیران، هنرآموزان و استادکاران هستند.

باید این نکته را عرض کنم که سرگروه‌های آموزشی استان اکثراً از این هنرستان انتخاب می‌شوند. طراحان سؤالات معمولاً از بین همکاران ما هستند. مدرسان استانی برای دوره‌های ضمن خدمت در رشته‌های دایر معمولاً از هنرستان ما هستند. یعنی کادر علمی مجرب و باسابقه و انگیزه در هنرستان، به خاطر شیوه اداره کرد هیئت امنایی، مشغول به کار هستند.

هنرستان کارگاه‌های آموزشی نیز دارد؟

۶ در این مجموعه هشت کارگاه داریم. هفت کارگاه برای هفت رشته و یک کارگاه به نام «کارگاه مکانیک عمومی» است که سه رشته متالورژی، ماشین ابزار و مکاترونیک به صورت مشترک از این کارگاه استفاده می‌کنند. سه آزمایشگاه هم داریم که مربوط به رشته‌های متالورژی و الکتروتکنیک هستند.

درباره تاریخ این هنرستان قدیمی توضیح می‌دهید؟

۶ تاریخچه و سابقه افتخارات این هنرستان برمی‌گردد به سال ۱۳۰۹ شمسی. «مدرسه صنعتی آذربایجان» در سال ۱۳۰۹ در یکی از محله‌های قدیمی شهر تبریز به نام «ششگلان»، در منزلی شخصی تأسیس شد و با دو رشته شروع به کار کرد. یکی از رشته‌ها مکانیکی بود که بعداً به رشته صنایع فلزی، سپس به ماشین ابزار، ساخت و تولید، و دوباره به ماشین ابزار تغییر نام یافت. رشته دیگر هم «دروگری» بود. در سال ۱۳۱۱ رشته نقاشی تحت سرپرستی نقاش نامی کشور، استاد رسام ارژنگی، به این دو رشته اضافه شد. در سال ۱۳۱۵، با تأسیس و احداث راه آهن، تأسیس کارخانه‌های قند و شکر، و اسلحه‌سازی، نیاز به افراد تحصیل کرده فنی و ماهر بیش از پیش احساس شد. بنابراین دولت وقت مهندسان خارجی را که اکثراً آلمانی بودند، برای تربیت افراد تحصیل کرده فنی و ماهر که بتوانند نیازهای کارخانه‌ها را برآورده کنند، به خدمت گرفت. اولین مدیر این هنرستان مهندسی آلمانی به نام آقای ویلیام کرمز بوده که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ در این هنرستان مدیریت کرد. در سال ۱۳۱۹ محل فعلی هنرستان خریداری شد. با شرکتی خارجی که مدیر عامل آن شرکت تبعه سوئیس بود، قراردادی منعقد و احداث ساختمان فعلی آغاز شد. اما در جریان اتفاقات سال ۱۳۲۰ و سقوط رضا شاه و جنگ جهانی دوم، این شرکت مجبور شد کشور را ترک کند و پروژه تا سال ۱۳۲۵ نیمه‌کاره رها شد. در این سال «شرکت ایران‌شهر» دوباره برنده مناقصه شد و ادامه کارهای عمرانی این پروژه را برعهده گرفت. با اتمام پروژه ساخت در فاصله سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲، این هنرستان در این مجموعه مستقر و شروع به کار کرد.

در سال ۱۳۳۷ هم مراحل احداث ساختمان رشته مکانیک خودرو به پایان رسید و این رشته هم به رشته‌های قبلی اضافه شد. بین سال‌های ۱۳۴۶-۴۷ رشته الکترونیک و الکتروتکنیک، و سپس به تدریج رشته‌های نقشه‌کشی و متالورژی به مجموع رشته‌ها اضافه شدند. هم‌اکنون این هنرستان با هفت رشته متالورژی، مکانیک خودرو، صنایع چوب و مبلمان، الکترونیک، الکتروتکنیک، ماشین ابزار و مکاترونیک مشغول فعالیت است. رشته مکاترونیک رشته‌ای بدیع و به‌روز است

استقبال مردم از هنرستان چگونه است؟

هنرستان وحدت از سال ۱۳۸۸ تاکنون به شیوه هیئت‌امنائی اداره می‌شود و از مدرسه‌های ماندگار سطح کشور است. در استان آذربایجان شرقی دو مدرسه ماندگار وجود دارد که اداره آن‌ها زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش انجام می‌گیرد. در واقع مدرسه‌های ماندگار به آن دسته از مدرسه‌های دایری اطلاق می‌شود که با قدمت بنای حداقل ۵۰ سال از استحکام کافی، زیبایی و هنر معماری برخوردارند و به‌عنوان شناس‌نامه و هویت تعلیم و تربیت، دارای سابقه درخشان علمی، آموزشی، فرهنگی و تربیتی در سطح ملی/استانی هستند.

اخیراً این هنرستان توسط سازمان میراث فرهنگی و صنایع‌دستی و گردشگری ثبت استانی شده است و مراحل ثبت ملی را هم طی می‌کند. اعضای هیئت‌امنائی هنرستان از شخصیت‌های تأثیرگذار استانی هستند و عبارت‌اند از: مدیر کل آموزش و پرورش استان؛ مدیر آموزش و پرورش ناحیه؛ رئیس شورای شهر؛ رئیس اتاق بازرگانی؛ نماینده دبیران؛ رئیس انجمن اولیا و مربیان؛ مدیر مدرسه؛ نماینده اداره کل نوسازی؛ عضو صاحب‌نظر. هیئت امنا هر ۴۵ روز یک بار جلساتی را تشکیل می‌دهد. با توجه به این شرایط و همچنین به دلیل پیشینه و سطح علمی بالایی که هنرستان ما دارد، مشکل جذب هنرجو نداریم و ظرفیت پذیرش همه رشته‌ها در همان ابتدای موعد ثبت‌نام تکمیل می‌شود. اکثر هنرجویان هم معدل‌های بالایی دارند. همچنین شاخص‌هایی برای پذیرش هنرجویان توسط هیئت امنا تدوین و پس از تصویب توسط اداره کل آموزش و پرورش در نظر گرفته می‌شود. به خاطر صنعتی بودن شهر تبریز، اشتغال‌زایی و جذب فارغ‌التحصیلان به بازار کار، نسبت به شهرها و استان‌های دیگر، مقداری آسان‌تر است.

هنرستان شما افتخارات زیادی کسب کرده است. درباره آن‌ها توضیح می‌دهید؟

می‌توانم از افراد نامی و برجسته این هنرستان نام ببرم. مانند مهندس حمید مهرفر، طراح دریچه‌های راکتورهای اتمی که در کارخانه‌های «زیمنس» آلمان مشغول به کار است و ابداعات بسیاری دارد. مهندس احمد آشوبی، مؤلف و مترجم بیش از ۷۰ جلد کتب فنی، استاد ارژنگ نقاش نامی کشور، استاد یعقوب ثروین، مدیر کل سابق اداره فرهنگ

و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، مهندس تراب محمدی رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی و گردشگری که از افراد برجسته این هنرستان بوده است.

از شهدای این هنرستان هم می‌توانم به این نام‌ها اشاره کنم: شهید محمد تجلا، اولین شهید قیام ۲۹ بهمن تبریز، شهید محمدحسین بنی‌فاطمه، شهید یاغچیان، از فرماندهان لشکر عاشورا، شهید محمدباقر مشهدی عبادی، شهید آقاسی جاوید و... از جمله ۵۰ شهیدی هستند که در این هنرستان مشغول به تحصیل بوده‌اند.

علاوه بر این‌ها، برای چند سال پیپی جهش قابل توجهی در درصد قبولی و میانگین درسی هنرستان اتفاق افتاده است.

در زمینه مسابقات علمی و عملی و جشنواره‌ها هم هنرستان ما افتخارات زیادی کسب کرده است. طی سال‌های گذشته کمتر سالی بوده است که هنرستان ما در جشنواره‌ها و مسابقات کشوری حائز رتبه نشده باشد. معمولاً در تمامی این رشته‌ها ما همیشه نفرت اول تا سوم کشور را کسب کرده‌ایم. در سال تحصیلی گذشته رتبه یک و سه کشوری رشته صنایع چوب و مبلمان را در جشنواره هنرهای تجسمی از آن خود کردیم. در مسابقات فرهنگی و هنری هم هنرجویان این هنرستان معمولاً حائز رتبه در سطح استان هستند.

در هنرستان خود چه میزان در زمینه خودتکایی و تولید کار کرده‌اید؟

در رشته مکانیک کارهای خدماتی انجام می‌دهیم. در رشته صنایع چوب و مبلمان سال‌های متمادی است که بحث تبصره ۷۵، یعنی آموزش همراه با تولید، مطرح بوده است. در رشته الکترونیک انواع بردها و کیت‌ها توسط خود هنرجوها ساخته می‌شوند. اما به طور کلی آموزش همراه با تولید مشکلات خاص خودش را دارد.

پس سراغ مشکلات و موانع برویم. با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

به‌نظر بنده انعکاس مشکلات و مسائل آموزشی، به دور از هرگونه جنجال رسانه‌ای و جو روانی، از رسالت‌های مهم هر مدیر است. یکی از مشکلات اساسی که در هنرستان‌ها داریم، موضوع تجهیزات است. در این هنرستان هم با قدمت نزدیک به ۹۰ سال، تجهیزات به مرور زمان فرسوده و مستعمل

اگر بخواهم
به‌طور تخصصی
به مشکلات
هنرستان‌ها
اشاره کنم، یکی
از مشکلات
نداشتن انباردار،
استادکار و دبیران
و هنرآموزان
تخصصی است

**در کنار آموزش
مهندسی اقتصادی
برای هنرجویان،
بحث آموزش
اخلاق حرفه‌ای
یکی از موضوع‌های
جدی ماست**

مشکل شدید کمبود نیروی متخصص مواجه هستیم. واقعیت این است که بنده یکی از طرفداران تغییر نظام آموزشی هستم و می‌دانم در سطح وزارتخانه تا چه اندازه کارهای کارشناسی‌شده انجام گرفته و نظام آموزشی جدید با توجه به نیازها و مشکلات روز طراحی شده است. اما متأسفانه در اجرا با هدف‌های که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور ترسیم شده است، منطبق نیست. کتاب‌های جدیدالتألیفی به مجموعه درس‌ها اضافه شده‌اند؛ مانند سلامت و بهداشت، مدیریت خانواده و سبک زندگی، تفکر و سواد رسانه‌ای، الزامات محیط کار، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، کاربرد فناوری‌های نوین و اخلاق حرفه‌ای که دقیقاً نیازهای جامعه امروزی ما هستند. اما در تأمین نیروهای متخصص و اهل فن و باتجربه که بتوانند با مهارت‌های ویژه در کلاس تدریس کنند، مشکل ایجاد شده است. با صدها ساعت کار کارشناسی‌شده و نیازسنجی در سطح وزارتخانه و شورای عالی آموزش و پرورش، کتاب‌های نو نوشته‌ای دست هنرجوها رسیده است، اما در تربیت افراد متخصص برای تدریس آن‌ها احساس می‌کنم به دلایل گوناگون کوتاهی شده است.

امسال آموزش‌های ضمن خدمت در اکثر رشته‌ها برای کتاب‌های جدیدالتألیف اجرا نشده‌اند تا هدف‌های آموزشی کتاب‌های مذکور تبیین شوند. سؤالی که پیش می‌آید این است: آیا هنرجویان و هنرآموزان عزیز از ضرورت تدریس و تحصیل این درس‌ها کاملاً واقف هستند؟ در کنار آموزش مهندسی اقتصادی برای هنرجویان، بحث آموزش اخلاق حرفه‌ای یکی از موضوع‌های جدی ماست. در اینکه ما مهندس، کارگر و تکنسین تربیت می‌کنیم

شده‌اند و به تدریج در حال خارج شدن از چرخه آموزشی هستیم. اعتباراتی که اختصاص داده می‌شود، متأسفانه قطره‌چکانی است. به این خاطر هنرستان‌ها گاه در تربیت نیروی ماهر مشکلاتی دارند. یکی از دلایلی که برخی هنرجوهای ما در برخی رشته‌ها نمی‌توانند وارد بازار کار شوند، نداشتن آموزش عملی کامل به دلیل کمبود امکانات است. با استقرار نظام جدید آموزشی در سال‌های اخیر، کتاب‌های درسی هم کاملاً تغییر کرده و به‌روز شده‌اند، اما امکانات هنرستان واقعاً منطبق با این کتاب‌ها نیست. قطعاً دفتر تألیف باید نسبت به نگارش کتاب‌های جدید و طرح مباحث علمی روز اقدام می‌کرد، اما در بحث تجهیز متأسفانه تا امروز به خاطر محدودیت‌های مالی و کمبود اعتبارات، پشتیبانی چشمگیری نشده است. در این حین، در هنرستان ما اتفاق دیگری هم افتاده است. رشته تازه تأسیس مکترونیک هم مزید بر علت شده است تا مشکلات ما بیشتر شوند. واقعیت این است که انتظار داشتیم به دلیل تأسیس این رشته جدید، از حمایت‌های مالی بیشتری برخوردار شویم، ولی این حمایت‌ها در حدی نیست که بتواند نیازهای ما را پوشش دهد.

همان‌گونه که گفتم، این هنرستان به شیوه هیئت امنایی اداره می‌شود و هر کدام از اعضای آن شخصیت‌های برجسته استانی و دارای ظرفیت و اختیارات بالایی در سطح استان هستند که انتظار می‌رود با وجود آن‌ها، گام‌های بیشتر و بهتری در حل مشکلات ما توسط مسئولان ذی‌ربط برداشته شود. در بحث به‌کارگیری نیروی انسانی نیز اشاره شد که هنرستان ما حق انتخاب بیشتری دارد، منتها با استقرار پایه دوازدهم، مانند هنرستان‌های دیگر با



**شیوه‌نامه طرح
«آموزش همراه
با تولید» نیاز به
بازنگری و اصلاح
اساسی دارد**

مدیر و معاونان ۶ تا ۱۰ ساعت موظف به تدریس شده‌اند. سرپرستان بخش نیز بین ۸ تا ۱۲ ساعت باید تدریس کنند. این طرح با وجود داشتن مزیت، معایبی نیز دارد. چرا که با استقرار شیوه‌نامه جدید سامان‌دهی نیروی انسانی که تعداد عوامل اجرایی را به شدت کاهش داده است، آیا واقعاً مدیر و معاون می‌تواند با آرامش خاطر سر کلاس درس حاضر شوند؟ و یا اگر در حین تدریس، اتفاقی در کارگاه تحت سرپرستی‌اش رخ دهد، واقعاً از لحاظ حقوقی چه کسی جوابگوست؟

در هنرستان‌ها مخصوصاً در کار دانش بحث تعدد سامانه‌ها نیز مطرح است؛ سامانه سناد، سامانه دانا، سامانه امین و... واقعاً نیاز به این همه سامانه که ارتباط و هماهنگی کامل با یکدیگر ندارند، وجود دارد؟

همان‌گونه که بیان شد، برای هنرستانی که نزدیک به ۹۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد و نیاز به مقاوم‌سازی و نگهداری ۱۵۰۰۰ مترمربع مساحت زیربنای آن نیاز است، کوچک‌ترین اعتباری به‌منظور نگهداری ابنیه و تأسیسات الکتریکی و مکانیکی در نظر گرفته نشده است. سازمان‌نوسازی و میراث فرهنگی هم کوچک‌ترین نقشی ایفا نمی‌کند. آیا صرفاً با مشارکت‌های اولیا می‌توان چنین هنرستانی را سرپا نگه داشت؟

متأسفانه دوره‌های ضمن خدمت امسال کم‌رنگ بود. برای کتاب‌های نونگاشت باید دوره‌هایی برگزار می‌شدند، ولی آن‌طور که باید اجرا نشدند. در زمینه آموزش همراه با تولید، هنرستان ما ظرفیت‌ها و نیروهای متخصص و بالنگیزه‌ای دارد، ولی موانعی بر سر راه ادامه فعالیت‌مان وجود دارد. از جمله اینکه شیوه‌نامه مذکور مربوط به سال ۱۳۶۲ است و در سال ۱۳۷۲ تغییرات جزئی کرده است. یعنی بیش از ۲۵ سال است که این شیوه‌نامه اصلاً دست نخورده. پس متناسب با مسائل روز نیست و باید بازنگری کلی در آن صورت گیرد. در آموزش همراه با تولید سرمایه اولیه خیلی مهم است. برخی رشته‌ها سرمایه اولیه بالایی نیاز دارند. موضوع بعدی بازاریابی است. با وضعیت فعلی جامعه ما، یکی از معضلات این است که چگونه تولیدات را به فروش برسانیم.

فرض کنید در رشته صنایع چوب و مبلمان می‌خواهیم یک ست اتاق کودک یا اتاق خواب بسازیم. دو تا سه میلیون اعتبار اولیه لازم است. حال فرض کنید توانستیم آن را به فروش برسانیم. باید این مبلغ درآمد را (سرمایه + سود تولید) به حساب



شکی نیست، اما چه میزان در تربیت نیروی ماهر متعهد موفق هستیم، جای تأمل هست. انتظار می‌رود متولیان امر آموزش بیش از پیش به این موضوع‌ها عنایت داشته باشند تا بتوانیم افراد تحصیل کرده، متعهد، مؤمن و پای‌بند به نظام و کشور را تربیت کنیم. اگر بخواهم به طور تخصصی به مشکلات هنرستان‌ها اشاره کنم، یکی از مشکلات کمبود انباردار، استادکار و دبیران تخصصی است. ما در هنرستان هفت رشته و چهار انبار داریم. در انبارها و کارگاه‌ها تجهیزات میلیاردری و میلیونی داریم که بدون انباردار رها شده‌اند و متأسفانه روزبه‌روز از بین می‌روند. از سوی دیگر، بحث جایگزین کردن و نوسازی آن‌ها را نداریم، پس باید برای حفظ و نگهداشت آن‌ها تلاش شود. ولی به دلیل نداشتن انباردار، نمی‌توانیم آن‌طور که باید از قطعات و تجهیزات نگهداری کنیم. کمبود نیرو باعث شده است، نظام آموزشی صدمات جبران‌ناپذیری متحمل شود. اگر نیرویی اختصاص پیدا می‌کرد مطمئناً از وضعیت فعلی به صرفه‌تر بود.

در هنرستان‌ها با کمبود شدید استادکار مواجه هستیم، به همین دلیل ماشین‌آلات آن‌ها، سرویس و نگهداری دوره‌ای مناسبی ندارند و این امر موجب کاهش عمر مفید تجهیزات گران‌قیمت آموزشی می‌شود. شنیده می‌شود، برخی هنرستان‌ها به دلیل کمبود نیرو، هنرآموز دوم ندارند و یک هنرآموز با ۳۰ تا ۳۵ هنرجو در کارگاه تدریس عملی دارد. از دیگر مشکلات، موضوع «تدریس عوامل اجرایی» است.



تحصیلات هنرستان‌ها چیست؟

۶ اتفاقاً به سال‌هایی برگشتیم که هنرستان‌ها سه یا چهارساله بودند. بنده وقتی در همین هنرستان تحصیل می‌کردم، هنرستان چهار ساله بود. واقعاً تدریس این حجم از مطالب ظرف دو سال کار به جایی نبرد. حالا سه سال شده است و کارگاه‌ها از هفته‌ای ۱۲ ساعت به ۱۶ ساعت تغییر پیدا کرده‌اند. این یکی از مواردی است که باعث بهبود کیفیت آموزشی شده است.

و سخن آخر؟

۶ تعدیل نیرو در عوامل اجرایی مشکل بزرگی در پیشبرد هدف‌های مدیریتی در مدرسه‌ها ایجاد کرده است. رفع مشکل کمبود نیرو به روش کنونی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. مطمئناً این شیوه سامان‌دهی تأثیراتش را در کوتاه و بلندمدت نشان می‌دهد. همه ما سردمداران و پیشروان عرصه و سنگر آموزش هستیم. تمام تلاشمان این است که امید را به جامعه تزریق کنیم، جوانان را به شور و شوق بیاوریم و کمک کنیم از این راه به شغل و درآمدزایی برسند تا مشکلی از مشکلات جامعه کم شود. البته منتظر کمک‌ها و حمایت‌های بیشتر مسئولان محترم کشور هستیم. امیدوارم بتوانیم در این عرصه بیش از پیش به موفقیت دست پیدا کنیم و به هدف تربیت افراد تحصیل کرده، ماهر، متعهد و مؤمن برسیم. به امید آینده‌ای بهتر با توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای.

خزانه واریز کنیم. سه تا هشت ماه این پول در خزانه می‌ماند و وقتی به ما برمی‌گردد، ۲۰ درصد از آن در قالب فصل ۲ کم شده است. مطابق فصل ۲، معادل مبلغ این ۲۰ درصد باید در قالب خرید تجهیزات به هنرستان‌ها برگردانده شود که گاه این اتفاق نمی‌افتد. اگر قرار باشد سه تا چهار بار این موضوع تکرار شود و ۲۰ درصد از کل درآمدها کم شود، همه سرمایه اولیه را در چند بار گردش از دست می‌دهیم. یا در رشته صنایع چوب و مبلمان، هنرجویان در مهر و آبان فقط طراحی را یاد می‌گیرند و در آذر و دی شروع به ساخت می‌کنند. اگر بیرون از مدرسه قراردادی داشته باشیم، باید بگوییم منتظر باشید تا هنرجویان آموزش ببینند و بعد شروع به ساخت کنند.

از سوی دیگر، واقعیت این است که در آموزش همراه با تولید دقیقاً نمی‌توان به روش شیوه‌نامه حرکت کرد. مثلاً در حوزه مکانیک خودرو فرض کنید هنرآموز سیستم انتقال قدرت را تدریس می‌کند، اما خودرویی با مشکل عیب در کار کرد موتور مراجعه می‌کند. در چنین حالتی واقعاً تکلیف چیست؟ یا در رشته الکتروتکنیک در درس سیم‌کشی ساختمان، آیا می‌توان در بیرون از محدوده آموزشی کار خدماتی انجام داد؟ و یا «زمان اجرای طرح آموزش همراه با تولید» به زمان آموزش روزانه رسمی محدود شده است. چه اشکالی دارد که بعد از ظهرها و روزهای پنج‌شنبه این کار را انجام داد؟ بنابراین اگر می‌خواهیم آموزش همراه با تولید اتفاق بیفتد باید اصلاحات اساسی در متن شیوه‌نامه اعمال شود.

ارزیابی شما از تغییرات کتاب‌های درسی چیست؟

۶ برخی از کتاب‌های درسی هنرستان به شیوه پودمانی تألیف شده‌اند که در کنار آن‌ها تعدادی درس غیرپودمانی نیز تدریس می‌شوند. تدریس این دو نوع درس به موازات هم مشکلاتی را ایجاد می‌کند. برای مثال، برای هر درس کارگاهی پودمانی حدود ۳۰۰ ساعت آموزش عملی در نظر گرفته شده است. به سبب کمبود امکانات از یک سو، و تراکم هنرجویان از سوی دیگر و اختصاص زمان برای امتحانات میان سال و پایانی خردادماه و حجم بالای مطالب، عملاً امکان آموزش این نوع درس‌ها به شکل کامل میسر نمی‌شود.

نظر تان درباره اضافه شدن یک سال به

در باغچه هنرستانی چه گیاهانی را بکاریم؟

بخش دوم

جعفری

جعفری گیاهی دارویی و پُر دوام است که در همهٔ نقاط دنیا کاشته می‌شود. ریشهٔ آن سفید و دوک مانند است که شاخه‌های زاویه‌ای و شیاردار به وجود می‌آورد. برگ‌ها به صورت دو تا سه قاشق چاک‌دار و به رنگ سبز تیره و درخشان هستند. گل‌های جعفری سفید رنگ و به طور مجتمع به صورت چتری روی ساقه ظاهر می‌شوند. طریقهٔ کاشت جعفری مثل تره است، منتها اگر بخواهیم بذرها زودتر سبز شوند، باید بذرها را ۲۴ ساعت قبل خیس کنیم و بعد روی کاغذ روزنامه خشک کنیم و در مخلوط خاک و ماسه بادی آن‌ها را بکاریم.

خواص دارویی: مدر، ضد تشنج و نرم کننده.

دم کردهٔ جعفری به خصوص وقتی برگ و دانهٔ آن باشد، یا آب تازهٔ سبزی آن، برای دفع ادرار، کم‌ادراری، یرقان، آسم، سرفه و تأخیر یا مشکل قاعدگی در بانوان بسیار مؤثر است. آب تازهٔ جعفری برای تقویت چشم نیز مفید است.

در مواردی که کلیه‌ها تورم یا التهاب داشته باشند، به طور کلی از دم کردهٔ جعفری نباید استفاده کرد.

طرز تهیه و مصرف: برای دم کردن جعفری باید یک قاشق غذاخوری پودر برگ‌های آن را در یک فنجان آب داغ به مدت ۲۰ دقیقه بخیسانید. سپس به آرامی دم کنید و بنوشید.

اشاره

در شمارهٔ ۴۹ مطالبی پیرامون هدف‌ها و چگونگی کار در باغچه‌های هنرستانی ارائه کردیم. در این شماره می‌خواهیم چند نوع گیاه کاربردی، خوراکی، و دارویی را برای کاشتن در باغچهٔ هنرستانی معرفی کنیم. این گیاهان عبارت‌اند از: تره، جعفری، ریحان، رزماری، نعنای، فلفل سبز قلمی، انواع کدو، بامیه، تربچه، هویج، گوجه‌فرنگی، بادنجان و ...

تره

تره گیاهی بسیار مفید، دارای ویتامین‌های گوناگون و اشتهاآور است. کاشتن آن به روش خطی و دست‌پاش انجام می‌شود. در روش خطی، زمینی را که برای کاشتن تره در نظر گرفته‌ایم، به صورت خط‌های موازی به فاصلهٔ ۱۰ سانتی‌متر و به عمق حدود یک سانتی‌متر آماده می‌کنیم. سپس بذر تره را در شیارها قرار می‌دهیم و با خاک‌های لُبۀ شیار، روی بذرها را می‌پوشانیم. سرانجام هم با آب‌پاش به آن آب می‌دهیم. اگر با شلنگ آبیاری کنیم، بذرها جابه‌جا می‌شوند یا آب آن‌ها را می‌برد.

زمانی که تره‌ها سبز شدند و به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر یا بیشتر رسیدند، آن‌ها را می‌چینیم و آبیاری می‌کنیم. در طریقهٔ دست‌پاش باید با دقت بذرها روی زمین پخش شوند و روی آن‌ها را با کود سوخته یا خاک برگ به ضخامت سه برابر ضخامت بذر تره بپوشانیم و با آب‌پاش آبیاری کنیم.

کلیدواژه‌ها:

گیاهان دارویی، خواص درمانی گیاهان، هنرستان کشاورزی

تره گیاهی بسیار مفید، دارای ویتامین‌های گوناگون و اشتهاآور است

طرز کاشت رزماری: قلمه‌های رزماری را می‌توان از داخل پارک‌های دامنه بزرگ راه‌ها، از باغیان‌های شهرداری مجانی گرفت. قلمه‌ها را داخل ظرف آب می‌گذاریم تا ریشه بزنند یا آن‌ها را مستقیماً داخل ماسه می‌کاریم و پس از ریشه زدن در محل مورد نظر می‌کاریم.

خواص دارویی: از رزماری در درمان اختلالات گوارشی، سرفه‌های همراه با تشنج، تب، حالت‌های افسردگی، رماتیسم و دردهای مفصلی استفاده می‌شود. همچنین به‌صورت خوراکی، در درمان اضطراب، سردرد، فشار خون و بی‌اشتهایی به‌مصرف می‌رسد. نوشیدن دم‌کرده آن حالت‌های ضعف عمومی بدن و خستگی مفرط را رفع می‌کند و موجب سهولت ترشح دفع صفرا می‌شود. لذا از آن در درمان بیماری یرقان و نارسایی کبد استفاده می‌شود.

برای درمان تنگی نفس دود برگ‌های خشک آن را باید استنشاق کرد.

استعمال خارجی

برگ‌های پخته‌اش را به‌صورت مرهم روی آماس‌های دردناک، پیچیدگی مفصل، ضرب‌دیدگی‌ها و همچنین روی رماتیسم مفصلی می‌گذارند. شست‌وشوی دهان و غرغره با جوشانده برگ‌های آن، برفک و ورم لوزه را درمان و لثه‌ها را محکم می‌کند. این گیاه تأثیر بسیار جدی روی سلول‌های حافظه دارد. از گیاه رزماری پماد رزماری درست می‌کنند که در داروخانه‌ها به فروش می‌رسد.

مصرف اکلیل کوهی در غذاها: رزماری یکی از چاشنی‌های پر مصرف در آشپزی است و با مصرف آن می‌توان میزان نمک مصرفی را کاهش داد. علاوه بر این در طبخ هویج، کدو حلوائی، نخود سبز و ذرت افزودن کمی رزماری طعم آن‌ها را بهتر و خوشمزه می‌کند. هنگام پختن مرغ یا گوشت گوساله، یکی دو شاخه پر برگ آن را داخل دیگ بگذارید تا گوشت را معطر و ترد کند.

نعناع

گیاهی است دو رگه که در اکثر نقاط دنیا کاشته می‌شود. همچنین به‌طور وحشی در مزرعه‌ها و

عصاره: یک قاشق چای‌خوری از دانه‌های آسیاب‌شده یا له شده جعفری را در یک فنجان آب داغ به مدت ۲۰ دقیقه خیس کنید. سپس به مدت ۱۵ دقیقه به آرامی بجوشانید و صاف کنید. هر روز یک فنجان بنوشید.

ریحان

ریحان از گیاهان یک‌ساله است که به‌طور وحشی در مناطق حاره و معتدل دنیا می‌روید و به علت مصرف زیاد آن در آشپزخانه‌ها، در اکثر نقاط دنیا کاشته می‌شود. ریشه‌های پرساقه این گیاه معطر شاخه‌های بته‌ای به طول ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر به‌وجود می‌آورند. اگر انتهای شاخه ریحان را به‌طول چهار یا پنج سانتی‌متر بچینیم، بقیه ساقه شاخه‌های نو به‌وجود می‌آورد و مرتب می‌توانیم این کار را تکرار کنیم. برگ‌های آن دندانه‌دار و غالباً ارغوانی کم‌رنگ‌اند. گل‌های آن به رنگ‌های متنوع دیده می‌شوند که با آرایش خوشه‌ای در ماه‌های مرداد تا مهر می‌رویند.

خواص دارویی: ضد تشنج، اشتهاآور و ضد دردهای معده. تأثیر دارویی سبزی ریحان عموماً با معده و اعضای وابسته به آن ارتباط پیدا می‌کند و برای رفع انقباض معده، ورم معده، استفراغ، قولنج روده، یبوست و تورم روده مفید است. همچنین داروی ضد تشنج است و برای سیاه‌سرفه و سردرد تجویز می‌شود.

طرز دم کردن ریحان: یک قاشق چای‌خوری پودر خشک ریحان را به مدت نیم‌ساعت در یک لیوان آب جوش خیس کنید. سپس به مدت ۱۵ دقیقه به ملایمت بجوشانید. سپس آن را صاف و با کمی عسل شیرین کنید و در طول روز ۱۲ استکان بنوشید. بذر ریحان را به‌صورت دست‌پاش در زمین می‌کارند.

رزماری یا اکلیل کوهی

اکلیل کوهی گیاهی چند ساله است که بیش از هزار سال قدمت دارد. درختچه‌ای است با برگ‌های ماندگار و خوش‌بو که در زمین‌های خشک و نواحی مدیترانه‌ای فراوان می‌روید. طول ساقه چوبی آن ممکن است به ۱/۵ متر برسد. برگ‌های آن متقابل، ضخیم و ماندگارند. این گیاه از خانواده نعنائیان است و گل‌ها، برگ‌ها، و سر شاخه‌های آن قابل استفاده‌اند. گل‌های آبی آن در میان برگ‌های سبزرنگ جلوه باشکوهی دارد.

جعفری گیاهی دارویی و پُر دوام است که در همه نقاط دنیا کاشته می‌شود

از رزماری در درمان اختلالات گوارشی، سرفه‌های همراه با تشنج، تب، حالت‌های افسردگی، رماتیسم و دردهای مفصلی استفاده می‌شود

برای کاشت فلفل سبز بذر آن را در یک گلدان می‌کاریم. وقتی که بلندی گیاهان به ۱۵ یا ۲۰ سانتی‌متر رسید، آن‌ها را در گلدان‌های جداگانه یا زمین نشاء می‌کنیم. بلندی این گیاه به ۸۰ سانتی‌متر تا یک متر هم می‌رسد.

خواص دارویی: میوه آن اشتهاآور و هاضم مواد غذایی است و بزاق دهان را زیاد می‌کند. به‌منظور مقاوم کردن بدن در شروع فصل سرما مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دم‌کرده فلفل می‌توان در مداوای دردهای معده، اثناعشر و اسداد آن بهره گرفت.

چنانچه ضمد فلفل را روی پارچه بمالیم و روی مواضع دردناک بدن بگذاریم- مثلاً روی رماتیسم مفصلی- در این محل جریان خون زیاد و درد کم می‌شود.

طرز تهیه دم‌کرده: یک قاشق چای‌خوری از پودر فلفل خشک را در یک فنجان آب جوش بریزید و دم کنید. هر بار یک قاشق غذاخوری از آن را میل کنید.

ترپچه

به تناسب مساحت زمین و میزان احتیاج، مقداری بذر ترپچه را به دقت به‌صورت دست‌پاش یا خطی می‌کاریم و روی بذرها را به اندازه سه برابر ضخامت بذر خاک برگ یا کود سوخته می‌ریزیم. سپس با آب‌پاش آبیاری می‌کنیم. ترپچه گیاهی است کم‌دوام و به واسطه مصرف زیاد، در سطح وسیعی کاشته می‌شود. ریشه‌های گوشتی آن به رنگ‌ها و شکل‌های متفاوتی در می‌آیند.

خواص دارویی: این گیاه ضد تشنج، قابض، مدر و صفرابر و برای دفع سنگ‌های کلیه مفید است. مصرف آب تازه یا شیر گرفته شده از کوبیده یا رنده ترپچه، یکی از روش‌های اروپایی معالجه بیماری‌های سرفه، رماتیسم و ناراحتی‌های مثانه است. برای مداوای مثانه و شفا یافتن آن باید حداقل سه هفته از شیر ترپچه استفاده کرد. همچنین مصرف ترپچه برای برنشیت مزمن و اسهال نیز مفید است.

هویج

گیاهی است یک ساله یا دو ساله که به‌طور وسیعی در سراسر دنیا کاشته می‌شود و به‌طور وحشی نیز در مزرعه‌ها می‌روید. هویج دارای انواع ویتامین‌های آ،

خاک‌های مرطوب می‌روید و مصرف زیادی در آشپزخانه دارد. ساقه‌های آن چهارگوش و برگ‌هایش متقابل‌اند. برگ‌های آن دندانه‌دار و نوک تیز هستند و گل‌های محوری و انتهایی آن کوچک و صورتی‌اند که در ماه‌های تیر تا مهر می‌روید. تمام گیاه به علت داشتن «اسانس مانترول» بوی خوش دارد.

کاشتن نعنا: یک دسته نعناع ریشه‌دار را زیر خاک می‌کاریم. ساقه‌های سبز بیرون خاک باشند. نعناع در زمین ریشه می‌دواند و زیاد می‌شود.

نگهداری نعنا: پس از رشد کافی نعنا، آن را درو می‌کنیم، شست‌وشو می‌دهیم و در سایه خشک می‌کنیم. پودر الک شده آن را در شیشه نگه می‌دارند و در آشپزخانه در موارد متعدد از آن استفاده می‌کنند. اندام دارویی آن برگ‌هایش هستند.

خواص دارویی: معرق، ضد تشنج، صفرا بر، ملین، و دارویی مقوی برای کم کردن عطش و تب. دم‌کرده نعنا و یا عرق آن برای درمان ناراحتی‌های عصبی، بی‌خوابی، دل درد، سرفه، سردردهای میگرنی، ضعف هاضمه؛ سوزش قلب و تهوع مفید است. دم‌کرده نعنا به‌صورت دمنوش می‌تواند جایگزین قهوه باشد. چیدن برگ‌های نعنا باید در روزهای گرم و آفتابی و قبل از گل دادن باشد. عرق نعنا را با توجه به غلظت آن و طبق برچسب دستور آن مصرف کنید.

فلفل سبز قلمی

گیاهی است که پس از رشد کردن در پایین دارای ساقه چوبی است و در انتها پرشاخه می‌شود. برگ‌های آن بیضی شکل‌اند. این گیاه معمولاً یک ساله است، اما این‌جانب ۲۰ گلدان را که محصول آن‌ها تمام شده بود و سرما داشت برگ‌هایشان را سیاه می‌کرد، به داخل پیلوت ساختمان بردم و از سرما حفظ کردم. در طول زمستان از آن‌ها نگهداری کردم و در فروردین ماه دوباره آن‌ها را به حیاط آوردم. انتهای شاخه‌ها را که خشک شده بودند، چیدم و قسمت ساقه چوبی باقی ماند.

در اردیبهشت ماه ساقه‌ها جوانه زدند و پرشاخه شدند. پس از مدتی هم گل‌های سفید و زیبایی روی شاخه‌ها ظاهر شدند و فلفل‌ها در سال دوم محصول دادند.

بنابراین می‌توان با تجربه، گیاه یک‌ساله را دو ساله کرد.

**دم‌کرده نعنا
به‌صورت دمنوش
می‌تواند جایگزین
قهوه باشد**

**وجود نمک
پتاسیم (K) در
هویج سبب مدر
بودن آن می‌شود،
لذا کلیه را به
خوبی شست‌وشو
می‌دهد**

**ماده رنگی
گوجه‌فرنگی
«لیکوپن» نام دارد
که ضد سرطان
است**



گل همیشه بهار
معرق، دارای اثر
قوی و تصفیه کننده
خون است.
اختلالات کبدی و
زردی (یرقان) با
مصرف گل همیشه
بهار از بین می‌رود

نظر در یک لبه پشته و (قبلاً شرح پشته در باغچه هنرستانی بیان شده است) می‌کاریم. ماده رنگی گوجه‌فرنگی «لیکوپن» نام دارد که ضد سرطان است. گوجه‌فرنگی انواع متفاوتی دارد؛ مثل گوجه‌فرنگی گیلاسی و غیره.

گل همیشه بهار یا کالاندولا

گیاهی علفی و زیبا دارای ساقه‌ها به طول ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است. برگ‌های ساده بیضوی و دراز پوشیده از کرک با کناره‌های موجدار و بی‌رنگ سبز مایل به قهوه‌ای روشن دارد. گل گیاه زرد یا نارنجی است.

طریقه کاشت: بذر همیشه بهار را روی زمین دست‌پاش می‌کنیم. پس از رویش گیاه، چنانچه بوته‌ها خیلی پُر در آمده باشند، آن‌ها را تنگ می‌کنیم؛ یعنی بوته‌ها را از جاهای پُر در می‌آوریم و در محل‌های خلوت می‌کاریم. گل همیشه بهار را می‌توانیم در حاشیه باغچه بکاریم.

خواص درمانی: گل همیشه بهار معرق، دارای اثر قوی و تصفیه‌کننده خون است. اختلالات کبدی و زردی (یرقان) با مصرف گل همیشه بهار از بین می‌روند. زیرا دارای اثر قطعی بر روی کبد و ترشح صفراست. برای رفع جوش‌های صورت (دانه‌گرور)، کودک، پینه بستن دست و پا، میخچه و زگیل نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای درمان زخم‌های سطحی یا خراش پوست از کرم یا پماد گل همیشه بهار استفاده می‌کنند.

ب، ث و د است و مصرف آن در درمان بیماری‌های ناشی از کمبود یکی از ویتامین‌ها بسیار مؤثر است. هویج ماده‌ای به نام «کاروتن» دارد که وقتی به مصرف می‌رسد، کبد از آن ویتامین A می‌سازد. ویتامین A ماده‌ای حیاتی و بسیار ضروری است که در افزایش دید چشم و جلوگیری از شب‌کوری مؤثر است.

وجود نمک پتاسیم (K) در هویج سبب مَدر بودن آن می‌شود، لذا کلیه را به خوبی شست‌وشو می‌دهد. در هویج نوعی روغن گیاهی وجود دارد که ضد کرم‌های گرد است و اگر در هفته‌روزی دو یا سه عدد هویج خورده شود، اثر آن حتمی است.

آب هویج در جلوگیری از ترشح بیش از حد اسید معده و درمان سوزش قلب مفید است. برای کاشتن هویج قسمتی از زمین باغچه هنرستان را انتخاب می‌کنیم و به اندازه نیاز، بذر هویج را به صورت دست‌پاش روی زمین می‌پاشیم. روی آن را هم با کود سوخته یا خاک برگ به ضخامت سه برابر ضخامت بذر هویج می‌پوشانیم و با آب پاش آب می‌دهیم.

گوجه‌فرنگی

بذر گوجه‌فرنگی را در یک گلدان می‌کاریم. زمانی که بلندی بوته‌های گوجه‌فرنگی به ۱۵ یا ۱۷ سانتی‌متر رسیدند، دانه‌دانه آن‌ها را از گلدان در می‌آوریم و در زمین نشاء می‌کنیم. بلافاصله هم آب می‌دهیم یا برای سهولت کار می‌توانیم یک دسته نشاء گوجه‌فرنگی را از محل‌هایی که به صورت انبوه می‌کارند، تهیه کنیم. سپس نشاءها را در زمین مورد

* منابع

۱. دکتر زرگری، علی (۱۳۴۷)
۲. گیاهان دارویی. امیرکبیر. تهران. بی‌لاست، جان (۱۳۷۰).
۳. تندرستی و زیبایی با گیاهان. ترجمه احسان خوانساری. ناشر: مترجم
۳. بخشوده، علی محمد (۱۳۹۱). «کلیل کوهی». مجله فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش. شماره ۲۷.

نوبین‌سازی

آموزش و پرورش روسیه

(بخش اول)

اشاره

این مقاله به‌عنوان یک مطالعه موردی، به فرایندهای جاری «نوبین‌سازی» آموزش و پرورش، طرز مفهوم‌سازی توسعه پاینده، و رویکردهای آموزش برای توسعه پاینده می‌پردازد. در این مطالعه، روسیه به‌عنوان نمونه کشوری انتخاب شده که دوره‌ای از انتقال، از نوعی جامعه به نوعی دیگر را پشت‌سر گذاشته است. این انتقال، از طرفی در پرداختن به مسائل توسعه پاینده چالش‌های بیشتری ایجاد می‌کند، و از طرف دیگر، ممکن است برای تغییر جامعه، و قرار دادن آن در مسیر توسعه پاینده، و توانمندسازی افراد از طریق پرورش توانایی‌ها توسط آموزش برای توسعه پاینده، فرصت‌های بیشتری ایجاد کند. دلیل دیگر انتخاب روسیه، سنت روشن‌فکری آن، در مد نظر داشتن «مسائل جهانی» (مانند سپهر فرهنگی) و تولید نظریه‌های اصیل علمی در علوم طبیعی است. این مقاله ساقه‌ای از نظام آموزشی روسیه به دست می‌دهد، دگرگونی‌های اخیر در ساختار، محتوا، و مدیریت آن را به همراه مثال‌هایی از آموزش فناوری و حرفه‌ای را تشریح می‌کند، و سرانجام فرصت‌هایی برای آموزش به‌منظور توسعه پاینده در این نظام را شناسایی می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

آموزش و پرورش تطبیقی،
فنی و حرفه‌ای، نظام
آموزشی

سیاست آموزشی روسیه در دوره انتقال

بعد از انقلاب ۱۹۱۷، باور عمیقی وجود داشت که ریشه آزادی، برابری و اخوت، یک برنامه درسی عام است. ریشه این اندیشه‌ها در انقلاب فرانسه بود. ارزش زیربنایی سیاست آموزشی جمهوری سوم فرانسه این بود که: «انتظار می‌رفت ملت از راه گسترش حیطه‌های جدیدی از دانش به توده‌ها آزادی کسب کند. ... دولت هر بار که می‌خواهد به نام «ملت» کنترل مستقیم بر مردم را به دست گیرد، به روایت آزادی متشبه می‌شود تا مسیر پیشرفت را به آن‌ها نشان دهد» [Lyotard, 1979/1984:32].

مشخصه روسیه شوروی نیز همین روابط میان آموزش و پرورش و دولت بود. کنترل برنامه درسی مدرسه‌ها از مرکز، اصل عمده مدیریت، در سراسر دوره شوروی و پس از آن شد. تمامی دانش‌آموزان باید از برنامه درسی یکسانی در مدرسه‌ها پیروی می‌کردند. هدف‌های اصلی و محتوای درس‌ها نیز یکسان بود. اشاره ضمنی این رویکرد، یکسانی دستاورد تحصیلی دانش‌آموزان و کیفیت مدرسه بود. فرایند یادگیری، عمدتاً بر کسب دانش نظام‌مند تمرکز داشت. تربیت دانش‌محور، در چارچوب یک سنت دائرةالمعارفی که بر اندیشه‌های کمینوس^۲ بنا شده بود، تنظیم می‌شد، با این باور که تمامی دانش‌آموزان باید هر چه بیشتر درباره موضوعات مناسب سنشان دانش کسب کنند. هدف کلی تعلیم و تربیت «پان‌سوفیا»^۳ یا «خرد کلی» بود.

تمامی اصلاحات آموزشی که در جماهیر شوروی انجام شد، به سیاق «از بالا به پایین» تنظیم می‌شد. قصد این اصلاحات، دگرگونی نظام آموزشی و حفظ ثبات اجتماعی بود.

در اواخر دهه ۱۹۸۰، مؤسسه‌های آموزشی اولین نهادهایی بودند که به ایستایی جامعه شوروی واکنش نشان دادند. اصلاحات سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸، نیاز به نتایج مطلوبی به بار نیاورد و تا اواخر دهه ۱۹۸۰، نیاز به اصلاحات شدیدتر پدیدار شد. محتوای آموزش و حیات هر مدرسه، به لحاظ ایدئولوژیکی کنترل شد و قدرت به صورت متمرکز در سطح دولت باقی ماند. نه اولیا، نه دانش‌آموزان و نه کارفرمایان، هیچ‌یک نمی‌توانستند در بهبود نظام آموزشی که نمی‌توانست به نیازهای فرد، جامعه یا اقتصاد پاسخ دهد، سهمی داشته باشند.

در آن زمان جنبشی ریشه‌ای، موسوم به «تربیت تعاون»^۴ ایده‌هایی تازه عرضه کرد. معلمان ترقی‌خواه

از بخش‌های گوناگون جماهیر شوروی (تقریباً ۱۰ نفر) به مناسبت‌های متفاوت تشکیل جلسه دادند تا اصول تربیت نو را تدوین کنند. ایده‌های اصلی تلاش آنان عبارت بود از: «تأکید بر ماهیت فعال یادگیری» و «نیاز به محور قرار دادن دانش‌آموز در فرایند آموزش». در کنگره سراسری معلمان در سال ۱۹۸۹، این ایده‌ها در کشور مبنای بحث‌ها و اولویت‌های اصلاحات آموزشی را تشکیل می‌داد.

فروپاشی جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، به معنای برپا داشتن نظام جدید آموزشی برای روسیه جدید بود. اولین فرمان پرزیدنت یلتسین، به توسعه آموزش و پرورش اختصاص داشت. در ژوئن ۱۹۹۲، پارلمان قانون، آموزش و پرورش را تصویب کرد. به عنوان بخشی از این قانون، اصول سیاست‌های جدید آموزشی مورد تأیید قرار گرفتند. این اصول شامل «انسانی کردن»^۵ آموزش و پرورش (یعنی جهت‌گیری به سمت دانش‌آموز) و «انسان دوستانه کردن»^۶ آموزش و پرورش (یعنی لحاظ کردن درس‌های بیشتری از علوم انسانی در برنامه درسی)، تمرکززدایی، متنوع ساختن مدرسه‌ها و اصلاحات تربیت معلم بود. روح قانون ۱۹۹۲، حرکت از الگو سیاسی، به سمت الگوی آموزشی و از جامعه استبدادی به سمت جامعه مدنی بود.^۷ در سال ۱۹۹۶، اصلاحاتی در این قانون صورت گرفت.

این قانون آموزشی مسئولیت برنامه‌ریزی درسی را در سه سطح ملی (فدرال)، منطقه‌ای، و محلی تقسیم می‌کرد. اجزای منطقه‌ای و مدرسه‌محور برنامه درسی، برای ایجاد انعطاف بیشتر برای معلمان و برنامه‌ریزی درسی اعمال شده بود. جزء فدرال (اجباری) برنامه درسی که مشخصه آن استانداردها بود، به عنوان کمترین سطح آموزش دیده می‌شد که دولت آن را به منظور حفظ کیفیت آموزش تأمین می‌کرد.

از این رو اولین گام برای اصلاح محتوای آموزشی، به تدوین استانداردهای فدرال آموزشی مربوط می‌شد. برای تعریف این استانداردها فراخوانی اعلام شد و شش پیشنهاد از میان ۱۵۰ پیشنهاد برگزیده شد. برای اولین بار در تاریخ تعلیم و تربیت روسیه، دانشگاهیان در اتخاذ تصمیم سهم داشتند.

بر پایه قانون آموزشی، یک برنامه فدرال توسعه آموزشی، باز هم طی فراخوان، طراحی شد. این برنامه که در سال ۱۹۹۴ از تصویب گذشت، تأکیدش بر انتقال به توسعه متوازن آموزش و پرورش،

بیست سال قبل

هدف مدرسه‌های

روسیه ارائه دانش

علمی و مهارت‌های

نظام‌مند بود. اکنون

«آموزش و پرورش

عبارت است از

فرایند تربیتی

اجتماعی کردن

سازمان یافته که

هدف آن منافع

شخص و جامعه

است»

در شرایط جدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، و نیز بر متنوع‌سازی محتوای آموزشی و انواع مدرسه‌ها بود. تا پایان سال ۱۹۹۵، پیشرفت‌هایی حاصل شد یعنی: انواع مدرسه‌ها تأسیس شدند؛ برنامه‌های ملی و منطقه‌ای توسعه آموزش و پرورش، برای مدنظر قرار دادن شرایط خاص بخش‌های مختلف روسیه طراحی شدند؛ مدیریت آموزشی غیرمتمرکز شد (که حال شامل چهار سطح تصمیم‌گیری می‌شد: وزارت فدرال، ادارات کل منطقه‌ای در محدوده فدراسیون روسیه، ادارات منطقه‌ای آموزش و پرورش در محدوده شهرها و مناطق و هیئت‌های اختصاصی مدارس)؛ و گروه‌های مختلف علاقه‌مند، به نحو فزاینده‌ای در توسعه نظام آموزشی دخیل شدند.

البته با وجود این نتایج، هدف‌های اصلی انتقال به توسعه متوازن و غلبه بر بحران موجود در آموزش و پرورش حاصل نشد عامل اصلی این ناکامی‌ها کمبود بودجه ارزیابی می‌شد. اعمال اصلاحات، در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، موجب کشمکش‌هایی درون نظام آموزشی شد. بی‌ثباتی جامعه روسیه در تمامی سپهرها، به‌ویژه پس از بحران ۱۹۹۸، امکان توسعه توأم با ثبات در آموزش و پرورش را زیر سؤال می‌برد.

راهبرد نوین‌سازی

نقش مهمی که آموزش و پرورش در حیات جامعه ایفا می‌کند، به فاصله کوتاهی بعد از بحران، موجب شد باز برنامه اصلاحات آموزشی در بحث‌های سیاسی مطرح شود. دولت فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۰، دکتترین ملی تعلیم و تربیت را تصویب کرد که به آموزش و پرورش در سیاست‌های دولت و جهت‌گیری‌های اصلی برای توسعه آن. اولویت می‌داد. هم‌زمان با یک دهه اصلاحات شدید اقتصادی، فرایند نوین‌سازی آموزشی (اصلاحات آموزشی) جریان داشت. برخلاف اصلاحات اقتصادی که نسبتاً بدون مخالفت اجرا شد و اکثریت نیاز به انتقال به اقتصاد بازار را پذیرفته بودند اصلاحات آموزشی با برخورد میان دو گروه عمده مواجه شد. هر دو گروه مدعی بودند که هدف اصلاحات آموزشی، تنظیم نظام آموزشی برای نیل به دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی است. هر چند فهم آن‌ها از این فرایند «تمدن‌ساز» متفاوت بود که حاکی از دیدگاه‌های متفاوت تندی در زمینه راه‌های رسیدن به آن بود. گروه اول مدافع مسیری بود که بر پایه اعتلای

مردم براساس ارزش‌های بازار باشد و این برای نظام آموزشی روسیه تازگی داشت. گروه دوم مدعی بود که نظام قبلی که افرادی آگاه تولید می‌کرد، هنوز مطرح و معتبر است و لذا این در هر اصلاحی در نظام آموزشی باید مدنظر قرار گیرد. در «راهبرد نوین‌سازی»^۸، سندی که هدف‌های اصلی، هدف‌های فرعی و دستورالعمل‌های برنامه عمل برای توسعه آموزش و پرورش روسیه تا سال ۲۰۱۰ را بیان می‌کند، میان این دیدگاه‌ها مصالحه‌ای حاصل کرد. این سند، مطابق با سند دکتترین ملی آموزش و پرورش^۹ تنظیم شد.

نوین‌سازی آموزش و پرورش روسیه از سال ۲۰۰۱ آغاز شد. راهبرد نوین‌سازی برای اصلاحات آموزشی در روسیه، در سطوح ساختاری، قانونی و برنامه درسی چند هدف تعیین کرد. سمت‌وسوی آن فائق آمدن بر تنزل کیفیت آموزش و پرورش برای نیل به نوسازی تمامی کشور بود. در این راهبرد، چهار اولویت برای سیاست‌های دولت شناسایی شده بود.

۸ تضمین دسترسی به آموزش توسط دولت: (دوره کامل آموزش عمومی رایگان در سطح استانداردهای آموزشی و اعمال آزمون متحدالشکل فارغ‌التحصیلی (یکسان در سطح کشور) که برای ورود به دانشگاه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۹ بالا بردن کیفیت آموزش عمومی: (تغییر جهت‌گیری آموزش از انتقال دانش به رشد دانش آموز، تلفیق ارزش‌ها در فرایند یادگیری، تغییر ساختار آموزش و پرورش و تغییر محتوای آن، و مدنظر قرار دادن تحصیلات مدرسه‌ای ۱۲ ساله.

۱۰ بالا بردن کیفیت آموزش حرفه‌ای، شامل آموزش حرفه‌ای و کارآموزی، و آموزش عالی: اصلاح محتوا و ساختار آموزش حرفه‌ای، مطابق با نیازهای صنعت و اقتصاد، نیازهای فرهنگ، و نظام استخدامی دولت، افزایش انعطاف، پیگیری دگرگونی‌های بازار، تقسیم مسئولیت تأمین بودجه مؤسسات حرفه‌ای بین دولت فدرال و دولت‌های محلی، تدوین فهرست روزآمدی از شغل‌ها، بررسی مدل‌های متفاوت یکپارچگی آموزش حرفه‌ای اولیه و متوسطه، و آموزش حرفه‌ای متوسطه و آموزش عالی.

۱۱ برقراری روابط مالی اثربخش در آموزش و پرورش: یعنی افزایش حمایت دولت، تدوین مدل‌های متنوع تأمین بودجه مؤسسات‌های آموزشی، معافیت‌های مالیاتی برای فعالیت‌های

«تبحر یافتن در

فرهنگ جامعه،

موجب فعالیت فرد

و بر عهده گرفتن

نقش‌های اجتماعی

مختلف می‌شود»



آموزشی، و توسعه آموزش غیررسمی.

جنبه اصلی اصلاحات در تمامی سطوح آموزشی، نوسازی محتوای برنامه درسی، به عنوان راهی برای نیل به آشتی دادن ارزش های فرهنگی سنتی و سنت های آموزشی با نیاز تازه توسعه اقتصادی بین المللی بود. در این حالت مخلوطی از عناصر مدرن و «مدرن متأخر»^{۱۰}، در محدوده یک نظام آموزشی، پیشنهاد می شد. تأکید مدل های آموزشی مدرن متأخر بر «هماهنگی»^{۱۱} ایدئولوژیک آموزش و پرورش، با دانش / رقابت اقتصاد بین المللی به طور کامل است. مدل های مدرن آموزش و پرورش بر برابری فرصت های آموزشی تأکید می کنند. و از نظر ایدئولوژیک این موضوع را با توسعه شهروندی، و استیلای گفتمان های سیاسی و مدنی را بر گفتمان های اقتصادی، به نحو محکمی هماهنگ می کنند [Cowan, 1996].

دو مفهوم مهمی که معرف تنش های فوق در آموزش عمومی هستند. عبارت اند از: اعمال شایستگی های فرهنگ محور، و «آموزش نیم رخ»^{۱۲}.

چرخش از جهت گیری علمی به جهت گیری فرهنگی، در نوین سازی آموزش و پرورش روسیه

فرض عمده راهبرد نوین سازی نظام آموزشی روسیه آن است که ساخت محتوای آموزش باید مبتنی بر سپهر جنبه های مختلف فعالیت انسانی (یعنی فعالیت های شناختی، مدنی - اجتماعی، اجتماعی - کاری، خانه داری، و فرهنگی - فراغت) باشد که جمعا فرهنگ را تشکیل می دهند. این فرض تفاوت مهمی با باورهای پیشین دارد. بیست سال قبل هدف مدرسه های روسیه ارائه دانش علمی و مهارت های نظام مند بود. اکنون «آموزش و پرورش عبارت است از فرایند تربیتی اجتماعی کردن سازمان یافته که هدف آن منافع شخص و جامعه است». فرد باید در فرهنگ روسی اجتماعی شود.

پیش از تدوین راهبرد نوین سازی، دو هدف آموزش و پرورش که به یک میزان مهم بودند. یعنی آموزش دادن و پرورش دادن مردم، از هم جدا بودند. اکنون سیاست فعلی نوین سازی، به اجتماعی کردن از طریق آموزش اشاره دارد. طبق نظر لیدف و نیوپوکویفا^{۱۳} (۲۰۰۱) اجتماعی شدن عبارت است از «تجرب یافتن در فرهنگ جامعه که موجب فعالیت فرد و برعهده گرفتن نقش های اجتماعی مختلف

می شود». مبنای پرورش ظرفیت دانش آموز برای عمل، تسلط یافتن بر فرهنگ است.

چرخش از درک «تبحر» بر حسب علوم تجربی تا درک آن بر حسب فرهنگ، حائز اهمیت است و اکنون تأکید عمده اصلاحات آموزشی در روسیه همین است. لیدف می گوید: هدف عمده آموزش عمومی تلنبار کردن دانش از رشته های متفاوت نیست، بلکه پرورش توانایی های عام برای حل مسئله در هر جنبه از فعالیت است. در نوین سازی محتوا، تأکید اصلی بر پرورش شخص «فرهنگی» است که بالقوه قادر است در زمینه های متفاوت مسائل را حل کند. بدین ترتیب، توانایی بالقوه حل مسائل، هدف عمده آموزش و پرورش تلقی می شود. شایستگی هایی که در روسیه به رسمیت شناخته می شوند، پر از دانش و درک ویژه اند. به نظر می رسد این شایستگی ها برای سنت آموزشی روسیه مناسب هستند و امکان کسب نگاهی را به جهان و معنویت فراهم می کنند که نظام مند و مبتنی بر علوم اند و دانش آموزان را برای درگیر شدن با فعالیت های مناسب اجتماعی آماده می سازند^{۱۴}.

۶ ساختار شایستگی های کلیدی از این قرار است: شایستگی های سپهر فعالیت های شناختی: بر پایه روش های مهارت یافتن در راهبردهایی برای کسب دانش از منابع اطلاعاتی متفاوت.

۷ شایستگی های سپهر فعالیت های مدنی - اجتماعی: شامل نقش شهروندان، رأی دهندگان و مصرف کنندگان.

۸ شایستگی های سپهر فعالیت های اجتماعی - کاری: شامل توانایی تجزیه و تحلیل وضعیت بازار کار، ارزیابی توانایی های حرفه ای خود،

توانایی بالقوه حل مسائل، هدف عمده آموزش و پرورش تلقی می شود

سازگاری با هنجارها و اخلاق در روابط کاری، و غیره.

۶ شایستگی‌های سپهر خانه‌داری: شامل مسائل بهداشتی، رفاه خانواده و غیره.

۶ شایستگی‌های سپهر فرهنگی - فراغتی: از جمله انتخاب در زمینه‌های استفاده از اوقات بی‌کاری که می‌تواند فرد را از لحاظ فرهنگی و روحی غنی سازد.

در محدودهٔ راهبرد نوین‌سازی محتوای آموزش عمومی، گفته می‌شود این فهرست شایستگی‌ها، معرف رویکرد نظام‌مندی به پرورش شایستگی‌هاست. شایستگی‌های مزبور وسیع‌تر از شایستگی‌های منحصر به زندگی شغلی هستند و جهت‌گیری عمده‌ای در تدوین «نسل جدیدی از استانداردها» برای مدرسه‌های روسیه دارند شایستگی‌ها که باید حاوی جهت‌گیری تازه‌ای از رویکرد «محتوایمدار» به رویکرد «فعالیت‌مدار»، در یاددهی و یادگیری باشد. از این‌رو نتایج یادگیری باید از طریق الگوهای فعالیت‌ها تنظیم شوند.

آموزش نیمرخ

آموزش نیمرخ به‌عنوان نمونه‌ای از حرفه‌ای کردن آموزش متوسطه، در سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. این نوع آموزش، با تصور آموزش دانش‌آموزان برای نیازهای اقتصادی، رابطهٔ نزدیکی دارد و برای راه‌اندازی نظام نوین آموزش حرفه‌ای مادام‌العمر زمینهٔ مناسبی فراهم کرده است. چون دانش‌آموزان باید بعد از پایهٔ نهم تصمیمات مهمی اتخاذ کنند که به ادامهٔ تحصیلاتشان مربوط می‌شود، راهبرد جدیدی موسوم به «آموزش پیش نیمرخ»^{۱۴} آغاز شد که به آن‌ها در اخذ تصمیم کمک می‌کند. آموزش نیمرخ به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد که زمینه‌ای را به انتخاب خودشان به‌صورت عمقی بخوانند که این زمینه معمولاً به ادامهٔ تحصیلشان مربوط است. در اینجا نیمرخ‌هایی به‌عنوان نمونه پیشنهاد می‌شوند (مدرسه‌ها می‌توانند برای خود نیمرخ‌هایی طراحی کنند): علوم تجربی، اقتصاد اجتماعی، علوم انسانی، فناوری، و نیمرخ‌های عام (غیرنیمرخ). از سال ۲۰۰۲، زمانی که وزارتخانه «سند مفهوم آموزش نیمرخ» را تأیید کرد، اجرای آزمایشی این رویکرد در بسیاری از منطقه‌های روسیه در دست پیگیری بوده است.

جهت‌گیری آموزش نیمرخ، افزایش فرصت‌های دانش‌آموزان برای انتخاب خط سیر مطالعات

شخصی است. خط سیر فردی طوری پیش‌بینی شده است که دانش‌آموزان بتوانند درس خواندن در مؤسسه‌های آموزشی متفاوت را نیز با هم ترکیب کنند.^{۱۵} سند مفهوم آموزش نیمرخ، ساختار آموزش نیمرخ را چنین بیان می‌کند:

۶ درس‌های اجباری برای تمامی نیمرخ‌ها در سطح پایه (ریاضیات، تاریخ، زبان روسی و زبان‌های خارجی، تربیت بدنی، درس تلفیقی مطالعات اجتماعی برای نیمرخ‌های غیرعلوم‌انسانی و درس تلفیقی علوم تجربی برای نیمرخ علوم انسانی)؛

۶ درس‌های نیمرخ - مطالعات عمقی که نیمرخ را شکل می‌دهد مانند شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی برای نیمرخ علوم تجربی، ادبیات، زبان روسی و زبان‌های خارجی برای نیمرخ علوم انسانی، و تاریخ، حقوق، اقتصاد برای نیمرخ اقتصاد اجتماعی)؛

۶ درس‌های انتخابی، درس‌هایی که درس‌های اجباری را تقویت می‌کنند، یا تخصصی را درون نیمرخ به وجود می‌آورند (مثلاً بوم‌شناسی و فناوری‌های شیمیایی برای نیمرخ علوم تجربی).

نسبت تقریبی ساعت تدریس میان این سه جزء به ترتیب ۵۰، ۳۰ و ۲۰ است. درس‌های نیمرخ برای دانش‌آموزانی که هر نیمرخ خاصی را انتخاب می‌کنند، اجباری است. درس‌های عمومی و درس‌های نیمرخ در استانداردهای فدرال تعریف شده‌اند. درس‌های انتخابی در واکنش به نیازهای متفاوت منطقه‌ای پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین مدرسه‌ها یا اداره‌های منطقه‌ای آموزش و پرورش در مورد محتوای آن تصمیم می‌گیرند.

در سند مفهوم آموزش نیمرخ، برای تقویت آموزش نیمرخ، مدل‌های سازمانی متفاوتی پیشنهاد شده‌اند. مثلاً «مدل‌های مدرسهٔ اصلی» تک‌نیمرخ یا چندنیمرخ، یا «مدل‌های شبکه‌ای» تک نیمرخ یا چندنیمرخ. برای مدل‌های شبکه‌ای دو نمونه پیشنهاد شده است:

۶ تعدادی از مدرسه‌های اصلی، یک «مدرسه مرجع» انتخاب می‌کنند که می‌تواند نیمرخ خاصی را اجرا کند. تمامی مدرسه‌های شبکه درس‌های عمومی و انتخابی و بعضی از درس‌های نیمرخ را ارائه می‌کنند: مدرسهٔ مرجع باقی درس‌های نیمرخ را ارائه می‌کند.

۶ دانش‌آموز می‌تواند درس‌های نیمرخ را در مؤسسه‌های فنی و حرفه‌ای مؤسسه‌های آموزش غیررسمی یا از طریق نظام آموزش از راه‌دور بخواند.

**شایستگی‌ها باید
حاوی جهت‌گیری
تازه‌ای از رویکرد
«محتوایمدار»
به رویکرد
«فعالیت‌مدار»، در
یاددهی و یادگیری
باشد**

مدرسه‌ها تصمیم می‌گیرند که چه نیم‌رخ را ارائه کنند و یا آن را ارائه نکنند (مدرسه‌ها می‌توانند در رویکرد آموزش عمومی باقی بمانند). آموزش نیم‌رخ به دانش‌آموزان فشار می‌آورد. انتخاب مهمی صورت دهند؛ انتخابی مقدماتی برای جهت آتی (نیم‌رخ) اشتغال حرفه‌ای‌شان.



نظام آموزشی

فرایند نوین‌سازی، بر ساختار آموزش و پرورش نیز تأثیر گذاشت. آموزش اجباری در روسیه متشکل از ۹ سال تحصیل در مدرسه است. کودکان در سن شش یا هفت سالگی وارد مدرسه می‌شوند و چهار سال در مدرسه ابتدایی درس می‌خوانند. دوره متوسطه (پایه‌های ۵ تا ۱۱) از دو جزء تشکیل می‌شوند: پایه‌های ۵ تا ۹ (آموزش عمومی پایه) که اجباری است و پایه‌های ۱۰ و ۱۱ (آموزش عمومی تکمیلی) که غیراجباری است. بعد از پایه ۹، دانش‌آموزان تصمیم می‌گیرند که دبیرستان را ترک کنند و به دنبال کار بروند، یا در یکی از انواع مدرسه‌های حرفه‌ای ادامه تحصیل دهند، یا برای دو سال دیگر در دبیرستان بمانند. دولت تکمیل آموزش عمومی را برای همه تضمین می‌کند.

ساختار آموزش حرفه‌ای در روسیه سه سطح دارد و عبارت است از هر نوع آموزش بعد از عمومی که شامل کارآموزی برای اشتغال در آینده می‌شود.

سطح اول، «آموزش حرفه‌ای مقدماتی» است. هدف آن تربیت کارگران ماهر برای تمامی شاخه‌های سپهرهای اقتصادی و اجتماعی است. نوع سنتی مدرسه حرفه‌ای در این سطح، «مدرسه تخصصی - فنی»^{۱۶} خوانده می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند بعد از گذراندن پایه نهم، دو یا سه سال، یا بعد از گذراندن پایه یازدهم یک یا دو سال، در این مدرسه‌ها درس بخوانند. نوع جدید از مدرسه‌ها که در سال‌های اخیر تأسیس شده است، «لیسه حرفه‌ای»^{۱۷} است. دانش‌آموزانی که از لیسه فارغ‌التحصیل می‌شوند،

نسبت به دانش‌آموختگان مدرسه تخصصی - فنی مدرک بالاتری کسب می‌کنند. طی ۱۰ سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در آموزش حرفه‌ای مقدماتی ثبت‌نام کرده‌اند، کاهش یافته است؛ گرچه آموزش حرفه‌ای مقدماتی هنوز بخش مهمی از نظام آموزشی است.

آموزش حرفه‌ای مقدماتی به برخی از دانش‌آموزان محروم فرصت می‌دهد که گواهی حرفه‌ای دریافت کنند و ضمن ادامه دادن تحصیل عمومی‌شان، درآمد داشته باشند. پیش از فروپاشی شوروی، آموزش حرفه‌ای مقدماتی در ۱۴۰۰ رشته شغلی، کارآموزی ارائه می‌کرد. اکنون بعد از چند بار اصلاح، این کارآموزی‌ها در ۳۸ گروه حرفه‌ای و ۲۸۰ حرفه یکپارچه ارائه می‌شوند.

این سازمان‌دهی دوباره، بعد از تصویب «سند مفهوم اصلاحات آموزشی در آموزش حرفه‌ای مقدماتی»^{۱۸} آغاز شد. در سال ۱۹۹۹، فهرست جدیدی از حرفه‌ها تصویب شد و استانداردهای جدید تدوین شد.^{۱۹} هر استاندارد شامل ویژگی‌های حرفه‌ای شغلی خاص، و ویژگی‌های ملی محتوای حرفه است.

سطح دوم آموزش حرفه‌ای، نوعی آموزش متوسطه حرفه‌ای است که کارآموزی متخصصان میانی و تکنیسین‌ها را تأمین می‌کند. این سطح بر مبنای دو برنامه آموزشی اصلی، یعنی مقدماتی و پیشرفته، سازمان‌دهی شده است.

دانش‌آموختگان بعد از گذراندن سطح مقدماتی، گواهی‌نامه تکنیسین دریافت می‌کنند. بعد از سطح پیشرفته (که مستلزم یک سال تحصیل بیشتر است)، گواهی‌نامه «سرتکنیسین»^{۲۰} دریافت می‌کنند. همه ساله ۱۱ درصد دانش‌آموختگان پایه ۹ و ۲۳ درصد دانش‌آموختگان پایه ۱۱ در آموزش متوسطه حرفه‌ای ثبت‌نام می‌کنند.

محتوای آموزش سطح دوم آموزش حرفه‌ای را استانداردهای دولت تعیین می‌کند که متشکل از دو بخش ملی و منطقه‌ای است. آموزش حرفه‌ای متوسطه در مؤسسه‌های حرفه‌ای متوسطه و فوق متوسطه و کالج‌های فنی ارائه می‌شود. کالج‌ها سطح بعدی کارآموزی پیشرفته را ارائه می‌کنند. یک سال کارآموزی بیشتر در کالج، به دانش‌آموختگان امکان می‌دهد که مستقیماً به سال دوم مؤسسه‌های آموزش عالی وارد شوند. طبق طبقه‌بندی استانداردهای بین‌المللی «یونسکو» سطح دوم آموزش حرفه‌ای معادل آموزش عالی عملی یا آموزش عالی پیش‌دانشگاهی است.^{۲۱}

پیش از فروپاشی شوروی، آموزش حرفه‌ای مقدماتی در ۱۴۰۰ رشته شغلی، کارآموزی ارائه می‌کرد. اکنون بعد از چند بار اصلاح، این کارآموزی‌ها در ۳۸ گروه حرفه‌ای و ۲۸۰ حرفه یکپارچه ارائه می‌شوند

اقدام دیگری که آموزش حرفه‌ای را به نیازهای دانش‌آموزان نزدیک‌تر می‌کند، اقدامی است که در سند مفهوم آموزش نیم‌رخ در مرحله‌های بالای آموزش عمومی پیشنهاد شده است.^{۲۴} به این معنا که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که وقتی در یک مؤسسه حرفه‌ای ثبت‌نام کردند، تأکید بر درس‌های حرفه‌ای، یا بر درس‌های عمومی را انتخاب کنند. سند مزبور، به نیاز به تغییر رویکردهای فعلی نسبت به مرحله‌های بالای آموزش حرفه‌ای اشاره کرده است. پیش‌تر درس‌های دانش‌آموزان بر پایه دو دسته استاندارد قرار داشت: یکی استانداردهای آموزش عمومی، و دیگری استانداردهای آموزش حرفه‌ای. این کار سبب مفصل شدن برنامه درسی و پایین آمدن کیفیت یادگیری شده بود. در سند مفهوم آموزش نیم‌رخ، برای فارغ‌التحصیلان پایه ۹ که درس‌شان را در آموزش حرفه‌ای سطح مقدماتی یا متوسطه ادامه می‌دهند، مدل زیر به‌صورت دو «پودمان»^{۲۵} اجباری آموزش عمومی پیشنهاد شد که عبارت‌اند از:

● **پودمان اصلی آموزش عمومی (با جهت‌گیری نیم‌رخ و ۷۰۰ - ۵۰۰ ساعت):** این پودمان شامل چند درس عمومی است که به درک بهتر تخصصی شده، و درس یکپارچه علوم انسانی، که هدفش پرورش عمومی و فرهنگی دانش‌آموزان است، کمک می‌کند.

● **پودمان پرورش توانایی‌های عمومی (۳۰۰ ساعت):** این پودمان توانایی‌هایی را رشد می‌دهد که برای سازگاری کامل با بازار کار مورد نیاز هستند. بعد از دو پودمان فوق، دانش‌آموزان براساس علاقه‌ها و نمره‌هایشان به دو گروه تقسیم می‌شوند. برنامه درسی این دو گروه از لحاظ نسبت بین درس‌های عمومی و حرفه‌ای فرق می‌کند. گروه اول که اکثر دانش‌آموزان هستند، به مطالعه عمیق‌تر توانایی‌های حرفه‌ای ادامه می‌دهند. آن‌ها بعدها می‌توانند در کنکور شرکت کنند و بعد از مقداری کارآموزی بیشتر به نظام دانشگاهی وارد شوند.

گروه دوم شامل دانش‌آموزانی است که پودمان عمومی اصلی را با موفقیت خوانده‌اند و برنامه‌شان ادامه تحصیل در بخش آموزش عالی است. آن‌ها به خواندن مهارت‌های حرفه‌ای در سطح گواهی‌نامه پایین‌تر ادامه می‌دهند و یک پودمان عمومی اضافی برای آماده شدن برای کنکور می‌خوانند. این پودمان را می‌توانند در مدرسه حرفه‌ای، یا

در سال ۲۰۰۲ وزارت آموزش و پرورش برای مدرسه‌های متوسطه حرفه‌ای چارچوبی تهیه کرد که به‌عنوان بخشی از آموزش متوسطه حرفه‌ای، آموزش عمومی تکمیلی ارائه کنند.^{۲۶} این برنامه دانش‌آموزانی را شامل می‌شود که بعد از پایه نهم در این نظام ثبت‌نام می‌کنند. در اینجا هم مانند مدرسه‌های اصلی، بخش اجباری برنامه درسی شامل بخش ملی، متشکل از ۱۶۳۲ ساعت آموزش است. این بخش کیفیت آموزش و امکان رفتن به سطح‌های بالاتر تحصیل را تضمین می‌کند و شامل این درس‌ها می‌شود: فلسفه/ زبان (۲۷۲ ساعت)، ریاضیات (۲۷۲ ساعت)، علوم اجتماعی (۳۴۰ ساعت)، علوم تجربی (۴۰۸ ساعت)، تربیت‌بدنی (۲۰۴ ساعت)، و فناوری (۱۳۶ ساعت)، توصیه شده است که ۱۴۰۴ ساعت از بخش ملی آموزش‌ها در سال اول، و بقیه در سال دوم تحت پوشش قرار گیرد. کل ساعات تدریس در هر سال، ۲۱۰۶ ساعت (یعنی ۵۴ ساعت در هفته) است. جزء آموزش عمومی در مدرسه‌های متوسطه حرفه‌ای می‌تواند در محدوده پنج نیم‌رخ سازمان‌دهی شود: یعنی: علوم انسانی، تعلیم و تربیت، اقتصاد اجتماعی، فنی، و علوم تجربی. تفاوت‌هایی در ساعات تدریس این نیم‌رخ‌ها در سند پیشنهاد شده است.^{۲۷} (جدول ۱).

بوم‌شناسی اجباری نیست. البته این در تمامی نیم‌رخ‌ها، به‌عنوان درسی در علوم تجربی لحاظ شده و ۳۹ ساعت به آن اختصاص داده شده است.

آموزش فناوری درسی اجباری است. این درس به دانش‌آموزان امکان می‌دهد، آموزش عمومی‌شان را روی زمینه‌ای که بیشتر مورد علاقه‌شان است که به رشته شغلی مورد علاقه‌شان مربوط است، تمرکز دهند.

طی پنج سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح دوم آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، افزایش یافته است

جدول ۱. توزیع وقت پیشنهاد شده برای نیم‌رخ و رشته‌های متفاوت (به ساعت)

رشته‌ها و درس‌ها	علوم انسانی	تعلیم و تربیت	اقتصاد اجتماعی	فنی	علوم تجربی
فلسفه/ زبان	۳۹۰	۳۵۱	۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳
ریاضیات	۲۳۴	۲۳۴	۲۷۳	۲۷۳	۲۳۴
علوم اجتماعی	۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	۲۳۴	۲۷۳
علوم تجربی	۲۷۳	۳۵۱	۳۵۱	۳۹۰	۴۲۹
تربیت‌بدنی	۱۹۵	۱۵۶	۱۹۵	۱۹۵	۱۵۶
فناوری	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
جمع	۱۴۰۴	۱۴۰۴	۱۴۰۴	۱۴۰۴	۱۴۰۴

نزدیک‌ترین مدرسه اصلی بخوانند. در نتیجه این مدل دانش‌آموزان ناچار نیستند برنامه تحصیلی مفصلی را بگذرانند، هر چند به خاطر تأکید واضح و مشخص این دو برنامه (دو گروه)، منافع مدرسه مفیدتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

حضور بخش عمده‌ای از آموزش عمومی درون نظام آموزش حرفه‌ای، ویژگی خاص آموزش حرفه‌ای روسیه است. آموزش فناوری، و نیز بوم‌شناسی، بخشی از آموزش عمومی را تشکیل می‌دهند. می‌توان به‌منظور آموزش برای توسعه پایدار، از طریق جزء آموزش عمومی آموزش حرفه‌ای، از رویکرد دگرگونی ارزش استفاده کرد. محمل دیگر برای انجام این کار، دوره‌های کارآموزی است که مستقیماً دانش‌آموزان را برای حرفه‌های آینده آماده می‌کنند. این دوره‌ها می‌توانند شامل رویکرد مهندسی زیست محیطی باشند که به راه‌حل‌های فنی برای مسائل بوم‌زیستی مربوط است.

تفاوت عمده میان دو سطح اول آموزش حرفه‌ای، عمق مطالعات است که معمولاً به تخصص بستگی دارد. مثلاً طراحان در سطح دوم و آرایشگری در سطح مقدماتی، آموزش حرفه‌ای کارآموزی می‌بینند. طی ۱۰ سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح مقدماتی آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، ۱۷ درصد کاهش داشته است^{۲۶} در حالی که طی پنج سال گذشته، تعداد دانش‌آموزانی که در سطح دوم آموزش حرفه‌ای ثبت‌نام کرده‌اند، افزایش یافته است. این حاکی از روندی به سمت سطوح بالاتر آموزش، و احیای نقش آموزش و پرورش در جامعه از نظر ارائه فرصت برای انتخاب مسیر بهتر برای زندگی است.

سطح سوم آموزش حرفه‌ای، آموزش عالی است که سه نوع مؤسسه آموزش عالی درگیر آن هستند: دانشگاه‌ها، آکادمی‌ها و انستیتوها. این مؤسسه‌ها همچنین شکلی از آموزش حرفه‌ای بعد از دانشگاه را در سطح درجه «کاندیدات ناوک»^{۲۷} (درجه پژوهشی که در کشورهای دیگر به‌عنوان درجه دکترا پذیرفته می‌شود) ارائه می‌کنند. بعد از آن درجه دکترا و سپس فوق دکترا، و نیز کارآموزی ضمن خدمت برای کارکنان آموزش عالی قرار دارد. محتوای برنامه‌های آموزشی، تعداد ساعات آموزش، و شرایط فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، توسط استانداردهای آموزشی دولت مشخص می‌شوند. دانشجویان می‌توانند به‌صورت تمام‌وقت، پاره‌وقت یا غیرحضور (ترکیبی از آموزش از راه دور و جلسات

فشرده حضوری) درس بخوانند.

بعد از کاهش تعداد دانشجویان آموزش عالی در اواسط دهه ۱۹۹۰ (در سال ۱۹۹۵ به ازای هر ده‌هزار نفر ۱۸۹ دانشجو وجود داشت)، اکنون تعداد دانشجویان در حال رشد است. آموزش عالی دانشجویان را برای ۳۵۰ تخصص آماده می‌کنند. انستیتوها نیز معلمان آموزش فناوری را تربیت می‌کنند^{۲۸}. مرحله‌بندی آموزش به سطح‌های چندگانه، مدل تازه‌ای برای آموزش عالی است که هدف آن یکی کردن آموزش عالی روسیه با نظام اروپایی است. در سال ۱۹۹۴ فرمانی از طرف دولت روسیه، موجب رویکردی عمومی برای ایجاد ساختار بخش آموزش عالی چند سطحی شد^{۲۹}. بعد از گذراندن سطح اول آموزش عالی که دو سال طول می‌کشد، دانشجویان می‌توانند فوق دیپلم بگیرند.

سطح دوم دوره چهار ساله لیسانس است. شرایط دولت، چارچوب محتوای آموزش‌های حرفه‌ای برای کسب صلاحیت آموزشی، از نظر حداقل محتوا، و سطح شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی در زمینه‌ای خاص را تعیین می‌کند. سطح سوم آموزش عالی می‌تواند یکی از این دو نوع باشد: برنامه فوق لیسانسی که دو سال به‌طول می‌انجامد و فارغ‌التحصیلان را برای تحقیق و/یا تدریس آماده می‌کند، یا برنامه یک ساله اسپشیالیت^{۳۰} - [تخصص] که دانشجویان را آماده می‌کند تا مدرس، مهندس، اقتصاددان و غیره باشند (برنامه قدیمی). بنابراین ترکیبی از ساختارهای جدید و قدیمی وجود دارد.

فرایند یکی‌سازی آموزش عالی روسیه با نظام اروپایی، از امضای موافقت‌نامه‌ای در مورد بخش آموزش عالی مشترک در سراسر اروپا آغاز شد که در سال ۱۹۹۹ در «بلونی» به امضا رسید. مدارج لیسانس و فوق لیسانس به تدریج در تمامی رشته‌ها راه‌اندازی می‌شود. اکنون فارغ‌التحصیلان می‌توانند درجه لیسانس، متخصص (مثلاً مدرس، پزشک یا حقوق‌دان)، و درجه فوق لیسانس کسب کنند. ساختار برنامه‌های تحصیلی می‌تواند ممتد (۵ تا ۶ سال)، یا مبتنی بر سطوح باشد. نهادهای ملی قوه مجریه که تا حدودی مسئول بودجه مؤسسه‌ها هستند. تعداد دانشجویان ورودی سال اول آموزش عالی را تعیین می‌کنند.

بخش دوم مطلب فوق را در شماره آینده پی‌گیری نمائید.

* پی‌نوشت‌ها

- *. Modernisation of Russian Education, Margarita Pavlova, Unevoc, Griffith University, Australia
1. modernization
2. Comenius
3. Pansofia
4. Pedagogy of Cooperation
5. humanisation
6. humanitarisation
7. Russian Federation, Federal Law, 1996.
8. The Ministry of Education of the Russian Federation, National Fund for Personal Training, 2001.
9. Government of the Russian Federation, 2000.
10. late modern.
11. pairing
12. profile education
13. Ministry of Education of the Russian Federation, National Fund for Personal Training, 2001. pp. 4-5.
14. pre - profile education
15. Government of the Russian Federation, 2004.
16. professional - technical school (PTU)
17. Vocational Lyceum
18. Government Of The Russian Federation, 1997
19. Ministry of Education of the Russian Federation, 1999
20. chief technician
21. the programme of vocational education development, 2004.
22. Ministry of Education of the Russian Federation, 2002 b.
23. Ibid.
24. Ministry of Education of the Russian federation, the Russian Academy of Education, 2002.
25. Modules
26. Vocational Education, 2003
27. Kandidat Nauk
28. Statistics of Russian Education
29. Russian Government, 1994
30. Specialitet

آبدرمانی

ورزش، بهداشت و سلامت



فیزیوتراپی چیست؟

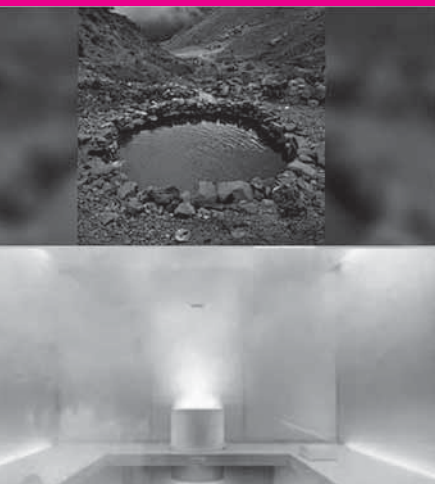
فیزیوتراپی فراهم کننده خدمات برای مردم و جمعیت هاست تا حداکثر حرکت و توانایی عمل را در طول دوران زندگی حفظ کنند و یا توسعه دهند و به حال اول برگردانند. فیزیوتراپی شامل ارائه خدماتی است به حرکت و عملکرد فرد که توسط فرایند پیری یا صدمات و بیماری ها، مورد تهدید قرار گرفته است. حرکت (Movement) کامل و کارآمد در قلب سلامتی قرار دارد.

فیزیوتراپی به شناسایی و افزایش ظرفیت های حرکتی برای بهبود، پیشگیری (Prevention)، درمان و نوتوانی می پردازد. فیزیوتراپی شامل اثرات

متقابل فیزیوتراپیست، بیمار و خانواده او، و یا سایر افرادی است که از بیمار مراقبت می کنند تا بتوانند ظرفیت های حرکتی بیمار را ارزیابی کنند و در ایجاد هدف های مورد نظر، همه با استفاده از دانش و مهارت های ممتاز فیزیوتراپیست به توافق برسند. دیدگاه منحصر به فرد فیزیوتراپیست در مورد بدن و نیازها و ظرفیت های حرکتی آن، در رسیدن او به تشخیص و راهبرد درمانی نقش اساسی دارد و تثبیت کننده هر موقعیتی است که در آن خدمات ارائه می شود. این شرایط با توجه به هدف فیزیوتراپی در بهبود سلامت، پیشگیری، درمان و بازتوانی متغیر است.

کلیدواژه ها:

حرکت، توانایی عمل، نوتوانی، فیزیوتراپی، فرایند پیری، هیدروتراپی



هیدروترابی یا آب درمانی

شیوه‌ای از معالجه است که با استفاده از تمرینات و اجرای حرکات و نرمش‌های خاص در آب، به توان بخشی عارضه‌های جسمی کمک می‌کند. علاوه بر این، برای سیستم قلبی و عروقی مفید است و موجب فعالیت قلب و افزایش برون‌ده قلبی و فوائد ناشی از آن خواهد شد.

«تمرین درمانی در آب» ترکیبی از تمرین در آب و فیزیوتراپی است. اساس این نوع معالجه سبک شدن بدن هنگام غوطه‌وری در آب است. در این صورت، فرد عضلات و اندام‌های خود را با مصرف نیروی کمتری به حرکت درمی‌آورد. در واقع چون فشار بر روی مفاصل کاهش پیدا می‌کند، در اجرای حرکات درد کمتری احساس می‌شود. همچنین براساس قانون **ارشمیدس**، هر جسمی که در آب قرار می‌گیرد، به اندازه آب هم‌جسمش از وزنش کاسته می‌شود.

هیدروترابی برای چه بیماری‌هایی مناسب است؟

۱. درمان بیماری‌های ناشی از ورزش، کوفتگی، دررفتگی و پیچ‌خوردگی؛
۲. درمان ضایعات پس از شکستگی استخوان؛
۳. درمان ضایعات مزمن مفصلی (آرتروز)؛
۴. افزایش دامنه حرکتی مفاصل؛
۵. افزایش تحرک و انعطاف‌پذیری مفاصل‌ها و عضله‌ها؛
۶. آماده‌سازی ورزشکاران برای انجام تمرینات سخت؛
۷. درمان چاقی؛
۸. درمان افسردگی.

نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ بود که در مجامع ورزشی در اروپا و آمریکا سخن از تمرین در آب به میان آمد. آن روزها یکی از سرشناس‌ترین بازیکنان فوتبال آمریکایی به نام **جونامت**، در یک برخورد شدید هنگام مسابقه، با پارگی شدید رباط‌های زانو و مینیسک‌های داخلی و خارجی پا روبه‌رو شد. او ۹ ماه دوری از میدان مسابقه و تمرینات میدانی را با تمرین در آب به خوبی جبران کرد. به‌طوری که وقتی از استخر وارد زمین چمن مسابقه شد، دوباره به همان بازیکن قدرتمندی بدل شده بود که پیش از آسیب‌دیدگی بود!

طبعاً هیچ‌کس نمی‌توانست باور کند، کسی که مدت نه ماه از تمرین و مسابقه دور بوده، به محض ورود به میدان، همان‌گونه قدرت‌نمایی کند که پیش

ماهیت فرایندهای فیزیوتراپی

فیزیوتراپی خدمتی است که تنها توسط و یا با هدایت و نظارت یک فیزیوتراپیست صورت می‌گیرد و شامل بررسی، تشخیص، برنامه‌ریزی درمانی، مداخله و ارزیابی می‌شود. هر مرکز فیزیوتراپی دارای این بخش‌هاست: الکتروترابی، حرکت درمانی و مکانوترابی و آب درمانی یا هیدروترابی.

الکتروترابی: دستگاه‌های مورد استفاده در الکتروترابی با هدف کاهش درد، اسپاسم، کاهش چسبندگی، بازآموزی و تقویت عضلات بیمار از این قرارند: استفاده از اشعه مادون قرمز، کیسه داغ، امواج فوق صوت، امواج دیاترمی، جریان گالوانیک، اشعه لیزر و...

حرکت درمانی و مکانوترابی: در حرکت درمانی و مکانوترابی، با توجه به اینکه مشکل بیمار محدودیت حرکتی، کوتاهی یا ضعف و ناتوانی عضلات است، به کمک تکنیک‌های درمانی، مانند Hold relax, mobilization, p.N.f و تمرینات ایزومتریک و مقاومتی برنامه‌ریزی شده، و با استفاده از وسایل موجود در فیزیوتراپی، از قبیل فنر، قرقره، وزنه، پارالل، دوچرخه ثابت، چرخ شانه، نردبان شانه و... هدف درمانی پیگیری می‌شود. حرکت درمانی در دستور فیزیوتراپی تحت عنوان «EXS» مطرح می‌شود.

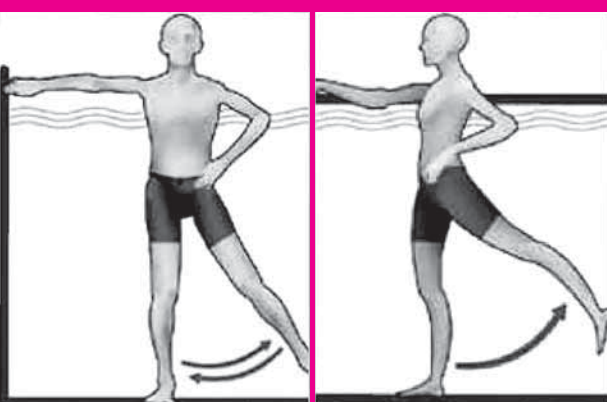
ورزش درمانی در آب

به‌منظور آنکه حیطه درمانی و عملکرد هر یک از شیوه‌های ورزش درمانی در آب مشخص باشد، علم امروز این نوع مداوا را به دو شاخه اساسی تقسیم می‌کند: ۱. هیدروترابی؛ ۲. اسپاتراپی.

اسپاتراپی بیشتر در اروپا متداول است و طرفدار دارد که متکی به نوشیدن آب‌های معدنی و یا استحمام در حوضچه‌های آب گرم معدنی است. به این صورت که متناسب با نوع بیماری، باید در آب غوطه‌ور شد یا در طول زمان به مقدار زیادی از آب‌های معدنی نوشید.

«بالنوترابی» شاخه‌ای از اسپاتراپی است که بیماران و دردمندان را با انواع حمام مداوا می‌کند؛ مانند حمام گل‌ولای حاوی مواد معدنی؛ حمام پارافین؛ حمام آفتاب؛ حمام بخار؛ آب‌تنی در دریا. در این‌گونه معالجه‌ها آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد، دمای حمام و مدت‌زمان استفاده از حمام و تعداد دفعات آن است.

آرتروز زانو: کاهش فاصله مفصلی و از بین رفتن غضروف و از بین رفتن لبه‌های استخوان مفصل را «آرتروز» گویند. درمان آرتروز زانو تقویت عضله چهارسر ران است که باعث افزایش فاصله مفصلی و کاهش درد می‌شود. انواع راه رفتن در آب و انقباض ایستای عضله چهارسر ران در آب به بهبود آن کمک می‌کند.



بحث و نتیجه‌گیری

آب‌درمانی به نوعی تمام اصول متداول درمان را به تمسخر می‌گیرد و نتیجه مثبت آن غیرقابل انکار است. علم، تجربه و صبر در مداوا و مداومت در تمرین، لازمه کار کردن با آب است. امروزه پزشکان ترجیح می‌دهند از طریق آب، بیماران خود را سلامتی ببخشند! با این آب معجزه‌گر می‌توانیم، حرکات درمانی، طراحی‌های مؤثر در برنامه‌های ورزشی، بهره‌برداری از تجهیزات و تجربیات موفق، تمرینات توان بخشی بیماری‌های ارتوپدیک شایع، انواع توان بخشی‌ها در نقاط گوناگون بدن، زهرزدایی، رهایی از استرس و فشارهای روانی، جلوگیری از بسیاری از بیماری‌ها و ایجاد نشاط و شادی را برای خود به ارمغان بیاوریم.

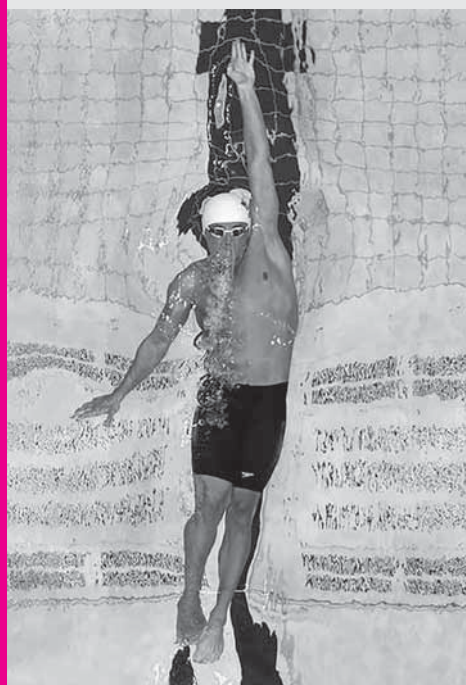
ورزش در آب هیچ بهانه‌ای برای افراد آسیب‌دیده و مسن در راستای ورزش باقی نمی‌گذارد و با ورزش در آب می‌توان بدون وارد کردن فشار به بدن به سلامتی رسید.

از آن می‌کرد. به زودی معلوم شد جوانمست هر روز ساعت‌ها در میان آب‌های یک استخر غوطه خورده، دویده، پای دوچرخه زده و انواع نرمش‌ها و تمرین‌ها را اجرا کرده است.

مورد دیگر، «ماری دکر» قهرمان دو و میدانی بود. او که به دلیل آسیب دیدن «آشیل پا» از تمرین و میدان مسابقه محروم مانده بود، به مدت چهار ماه متوالی صبح و بعدازظهر در استخر به تمرین و آماده‌سازی خود ادامه داد. حاصل کار، پس از ماه‌ها دوری از میدان، این شد که ماری دکر درست ۱۰ روز پس از بازگشت به میدان توانست در میان حیرت و ناباوری همگان رکورد دوهزار متر جهان را بشکند! از این واقعه شگفت‌انگیز همه به حیرت افتادند، مگر دکتر **داگ کلمنت**، مدیر بخش طب ورزشی «دانشگاه وانکوور» در کانادا. زیرا ماری دکر زیر نظر وی مداوا می‌شد و برای دکتر کلمنت مشاهده چنین معجزاتی از «آب» تازگی نداشت.

دو نمونه از مشکلات شایعی که می‌توان با آب‌درمانی برطرف کرد، از این قرارند:

لوردوز: افزایش قوس گردنی بیش از حد طبیعی را «لوردوز گردن» می‌گویند. درمان آن تقویت عضلات جلو گردن و کشش پشت گردن، و حرکت اصلاحی برای آن در آب، حرکت کرال پشت با نزدیک کردن چانه به سینه است.



* منابع

۱. تامی هیروشمیزو و ناریکو تاجیکوا کتاب آمادگی جسمانی و تمرینات هوازی
۲. بهروز اسفندیاری، کتاب هیدروتراپی
۳. سایت www.beytoote.com فیزیوتراپی
۴. سایت www.aftabir.com فشار هیدرواستاتیک
۵. عفت لطفی‌پور، تمرینات هوازی در آب

بررسی رویکردهای نوین در تربیت تکنیسین‌های آموزش‌شده‌های کشور

چکیده

تربیت تکنیسین در ایران از سال ۱۳۴۴ و تحت نظر هیئت امنای «پلی تکنیک تهران» و با عنوان کمک مهندس و یا مهندس عملی آغاز شد و پس از انقلاب اسلامی مراکزی همچون تربیت معلم فنی و حرفه‌ای به کار خود ادامه دادند. اما از سال ۱۳۹۰ این وظیفه به «دانشگاه فنی و حرفه‌ای» به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محول شد. در سال‌های اخیر نیز این دانشگاه تربیت تکنیسین را با هدف‌هایی همچون توسعه آموزش‌های عالی فنی و حرفه‌ای، گسترش شایستگی حرفه‌ای از طریق توسعه دانش، مهارت و نگرش در سطوح تربیت کاردان و کارشناس، اصلاح هرم تحصیلی و شغلی نیروی کار و ارتقای توانمندسازی سرمایه‌های انسانی، تربیت نیروی انسانی متناسب با فرصت‌های شغلی جدید، افزایش قابلیت‌های مهارتی نیروی انسانی کشور و اصلاح هرم شغلی، همراه کرده است و از لحاظ سامان‌دهی به ساختار آموزشی و توجه به برون‌داد تولید علم و تأمین نیاز بازار کار، قدم‌های مثبت و ارزنده‌ای برداشته است. اما با توجه به جذب هر ساله تعداد زیادی از فراگیرندگان در این بخش از آموزش عالی کشور، هیچ رابطه معنی‌داری بین این تعداد از فراگیرندگان رشته‌های مهارتی و شاخص‌های رشد اقتصادی، مانند تولید ناخالص ملی و ... وجود ندارد.

در این مقاله، طی یک مطالعه کتابخانه‌ای سعی شده است، با توجه به شرایط کنونی کشور از لحاظ افزایش روزافزون بی‌کاری و توجه به امر اشتغال و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رویکردهای نوین در آموزش‌های مهارتی برای تربیت تکنیسین‌های ماهر در آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای کشور

بپردازیم که سهم عمده‌ای در کاهش روند بی‌کاری و حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، و روحی و روانی خانواده‌های ایرانی دارند. در پایان نیز مانع‌ها، چالش‌ها و راهکارهای مورد نظر را مطرح کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها:

تربیت تکنیسین
آموزش‌های مهارتی فنی
و حرفه‌ای، بازار کار،
کارآفرینی، توانمندسازی
نیروی کار



مقدمه

هر جوانی با سه چالش مهم در زندگی روبه‌روست که عبارت‌اند از: تحصیل، اشتغال و ازدواج. اشتغال بخش مهمی از هستی انسان است و اشتغال مناسب نقش مهمی در تأمین نیازهای جسمانی و روانی انسان، از جمله احساس ایمنی، ارزشمندی و هویت ایفا می‌کند. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که بین درآمد، شرایط محیط کار و رضایت شغلی با سلامت روان ارتباط مثبت و بین فرسودگی شغلی، کمبود امنیت شغلی و بی‌کاری با سلامت روان ارتباط منفی وجود دارد. به همین دلیل انسان‌های بی‌کار به دلیل عدم تأمین نیازهایشان غالباً به سوی انحرافات مانند بزهکاری، سرقت، اعتیاد، خودکشی، تهاجم، خرابکاری و قتل روی می‌آورند و می‌کوشند به هر طریقی برای خود هویتی، حتی منفی کسب کنند.

شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی امروز کشورمان به گونه‌ای رقم خورده است که حل مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور و عملی ساختن منویات مقام‌های ولایت (مدظله) در خصوص اجرای سیاست‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی، راه‌حل‌های جدید و الگوهای متفاوتی را می‌طلبد، تحریم‌های ناجوانمردانه ایادی کفر و استکبار جهانی، کاهش قیمت نفت و تأکید بر اتکا نداشتن اقتصادی بر این محصول، رشد ترکیب جمعیتی جوان در کشور، رکود اقتصادی در دنیا و به تبع آن در کشورمان، چهار عامل اساسی و مهم در افزایش نرخ بی‌کاری و فقر خانواده‌های ایرانی هستند که تبعات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها روز به روز ملموس‌تر می‌شود. در این برهه از تاریخ، توجه و توسل به نیروهای جوان و دانشجویان برجسته و بعضاً نخبه و ممتاز در زیرمجموعه‌های دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای کشور که قادرند با فراهم آمدن شرایط و زیرساخت‌های لازم در آموزشکده‌های وابسته به دانشگاه مذکور در زمینه‌های تولید علم و فناوری، ایجاد اشتغال پایدار و کسب و کارهای جدید که می‌تواند به کارآفرینی حتی در سطح بین‌المللی بینجامد، ضرورت دارد.

وظیفه اساسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای یا مهارتی در هر کشور آموزش و تربیت نیروی کار ماهر برای ورود به بازار کار و همچنین آموزش مداوم مهارت‌های لازم به شاغلین برای حفظ و توسعه اشتغال موجود و انطباق توانمندی‌های افراد با نیازهای جدید بازار کار و تغییرات فناوری است. تأثیر شگرفی که این آموزش‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور دارند و رابطه معنی‌دار آن‌ها با رشد بهره‌وری، کاهش نرخ بی‌کاری و افزایش تولید ناخالص ملی در کشورها باعث شده است که اصلاح نظام آموزشی به‌طور عام و آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای به‌طور خاص در رأس فهرست اصطلاحات ملی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرد. تحول بنیادین در آموزش‌وپرورش ایران نیز در همین راستاست. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته رشد اقتصادی خود را مرهون تحولات بنیادین در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای خود می‌بینند. تربیت تکنیسین‌ها یا کارشناسان فنی‌وحرفه‌ای توانمند و کارآمد در این بخش از آموزش کشور می‌تواند به مثابه موتور محرک توسعه پایدار و نامحدود در کشور مطرح باشد و نقش مؤثری در شکوفاسازی اقتصاد بیمار کشور ایفا کند. تحقیقات نشان داده‌اند، بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در هر کشوری هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

تحولات سریع و شتابان محیط‌های بین‌المللی و گذر از جوامع صنعتی به جوامع اطلاعاتی، مواجهه اقتصادهای ملی با اقتصادهای جهانی، و مطرح شدن پدیده‌های نوظهور «جهانی شدن اقتصاد» و «اقتصاد مبتنی بر دانش و فن»، به شکل‌گیری رویکردهای نوینی برای تسریع در پیوستن به این تحولات به شرط رشد و توسعه پایدار و رفاه اقتصادی واجتماعی منجر خواهد شد؛ رویکردهای نوینی مانند، کارآفرینی

سازمانی و بین‌المللی، توانمندسازی نیروهای انسانی، مطالعات و مقایسه تطبیقی نظام‌های آموزش مهارتی در کشورهای توسعه‌یافته، و استفاده از فناوری‌های جدید، توجه مسئولان وزارت متبوع و دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای کشور به رویکردها، مانع‌ها و راهکارها به تربیت مؤثر تکنیسین‌های ماهر و توانمند کمک شایانی خواهد کرد.

الف) رویکردهای نوین در آموزش‌های مهارتی ۱. رویکرد کارآفرینی

کارآفرینی فرایندی پویاست که در آن فرد یا افراد کارآفرین با شناسایی فرصت‌های جدید به ایده‌های نو و خلاق دست می‌یابند و با کسب منابع لازم و با پذیرش مخاطره و ریسک، کسب و کار جدیدی راه‌اندازی می‌کنند که نتیجه آن ارائه محصول یا خدمات جدیدی به جامعه است. در دهه‌های گذشته محققان با توجه به نقش کارکردی کارآفرینی در بهره‌وری، اشتغال و توسعه اقتصادی واجتماعی، بیش از گذشته به این مفهوم پرداخته و سعی در تبیین آن داشته‌اند. کارآفرینی به‌عنوان پدیده‌ای نوین در اقتصاد، نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. امروزه، کارآفرینی در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار، نقش کلیدی دارد.

انواع متفاوتی از کارآفرینی در طول دوران‌های مختلف شکل گرفته‌اند. در یک نگاه کلی، کارآفرینی را می‌توان به دو نوع اساسی تقسیم کرد: کارآفرینی فردی و کارآفرینی سازمانی.

۱-۱. رویکرد فردی کارآفرینی

اگر نوآوری و ساخت محصولی جدید یا ارائه خدماتی نو با توجه به بازار، حاصل کار فرد باشد، آن را کارآفرینی فردی می‌گویند.

۱-۲. رویکرد سازمانی کارآفرینی

احتمالاً اولین محقق که اصطلاح کارآفرینی سازمانی را در مطالعات مدیریت مطرح کرد، پینکات (۱۹۸۵) بود. به زعم وی، کارآفرینی سازمانی عبارت است از: «رفتارها و رویه‌های کارآفرینانه درون سازمانی شرکت‌های بزرگ». به عقیده او، فعالیت‌های مذکور توسط فرد کارآفرین سازمانی یا قهرمانان نوآوری انجام می‌شوند. لذا کارآفرین سازمانی فردی است که مسئولیت هر گونه نوآوری درون سازمانی را به عهده دارد [رضوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۱۸].

با توجه به شرایط نامتعادل بازار مصرف، اشباع بازارها

از شرکت‌های مختلف و نیز جهت‌گیری فرهنگی به سمت مشتری‌مداری و تولیدات و سرویس‌های سفارشی، ضعف شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ و بوروکراتیک در مواجهه با این شرایط بیش از پیش خودنمایی می‌کند. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که: آیا این پایان کار شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ با ساختار و روش‌های مدیریت سنتی نیست؟ برای گریز از عواقب این شرایط چه باید کرد؟ یک پاسخ صحیح و درست به این پرسش‌ها، حرکت سازمان‌ها و شرکت‌ها به سمت کارآفرینی سازمانی است. در واقع، تفکر کارآفرینی و استفاده از آن در سازمان امری اجتناب‌ناپذیر است [احمد پورداریانی و کریمی، ۱۳۹۴: ۵۱-۴۹].

در کارآفرینی سازمانی دو رویکرد اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: کارآفرینی سازمانی متمرکز و کارآفرینی سازمانی گسترده.

۱- رویکرد کارآفرینی سازمانی متمرکز (شرکتی): کارآفرینی شرکتی یا متمرکز مبنی بر آن است که کارآفرینی و مدیریت اساساً فرایندهای متفاوتی بوده و برای بروز مؤثر هر یک از آن‌ها به سبک‌های متفاوتی از سازمان نیاز است، که یک نمونه از این نوع کارآفرینی «بخش یا واحد نوظهور سازمانی» است که شناسایی و پرورش فرصت‌های تجاری برای شرکت مادر یا حامی را متعهد شده است و به‌طور معمول بخش نوظهور، نهادی است شبه مختار که در مقایسه با بخش‌های وظیفه‌ای، سنتی و رایج سازمان، از ساختاری با رسمیت و یکپارچگی کمتر برخوردار است و به منابع سرمایه‌ای جداگانه‌ای دسترسی دارد و در ریسک‌پذیری و بروز رفتار خلاقانه از حمایت‌های مدیریتی نیز برخوردار است [رضوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۰].

۲- رویکرد کارآفرینی سازمانی گسترده (درون‌سازمانی): بر این مبنا استوار است که هر فردی کم و بیش از برخی ظرفیت‌های رفتاری کارآفرینانه و مدیریتی برخوردار است. در این رویکرد به‌جای اینکه به لحاظ ساختاری فقط گروه یا بخش جداگانه‌ای را برای بروز رفتارهای کارآفرینانه تجهیز کند و بقیه افراد و گروه‌های کاری سرگرم وظایف عادی و روزمره باشند، ایجاد و توسعه فرهنگ یا وضعیت کارآفرینانه را به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اصلی در آمادگی و بروز رفتارهای پیشگامانه مورد توجه قرار داده است. لذا چالش مدیریت بنگاه، ایجاد نوعی مشارکت و تعهد فردی در کارکنانی است که

رفتارهای کارآفرینانه را بروز می‌دهند.

مزیت این رویکرد بر رویکرد قبلی آن است که گستره متنوع‌تری از فرصت‌ها شناسایی خواهند شد. زیرا براساس آن، قابلیت‌های کارآفرینانه در کل سازمان پراکنده می‌شوند و تنها به یک بخش جدید و تازه تأسیس محدود نمی‌شوند. البته اگر در رویکرد گسترده مسئولیت کارآفرینانه به حاشیه رانده شود، از بروز فعالیت‌های کارآفرینانه جلوگیری به عمل می‌آید.

۳-۱. رویکرد دانشگاه کارآفرین

در بحث پیاده‌سازی کارآفرینی سازمانی در دانشگاه دو دیدگاه مطرح است: در دیدگاه اول، دانشگاه به مثابه بنگاهی اقتصادی است و کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مانند کارآفرینی سازمانی انتفاعی تعریف می‌شود. در این رویکرد، با گذشت زمان چون مدیران و رؤسای دانشگاه‌ها با وضعیت دشوارتری مواجه می‌شوند، وجوه دولتی کاهش می‌یابد و میزان پاسخ‌گویی در مورد استفاده از این وجوه افزایش می‌یابد، بنابراین دانشگاه‌ها باید گزینه‌های دیگری را برای ایجاد درآمد و پشتیبانی از مأموریتشان جست‌وجو کنند. یکی از این گزینه‌ها روی آوردن به دانشگاه کارآفرین است. در این حالت دانشگاه‌ها باید نوآور و پیشگام باشند و ریسک‌پذیری را نیز در خود تقویت کنند. لازم است تا یک روش بازاریابی راهبردی اتخاذ کنند و آن را در فعالیت‌های مدیریت راهبردی خود جای دهند.

در دیدگاه دوم، دانشگاه کارآفرین محیطی برای حمایت فعال از کاربرد دانش و برانگیختن رفتارهای کارآفرینانه در میان تمام اعضا و ساختارهای مجموعه دانشگاهی است که باید دو وظیفه را انجام دهد: اول آنکه باید کارآفرینان آینده را آموزش دهد؛ افرادی که بتوانند کسب و کار جدیدی را ایجاد کنند و روحیه کارآفرینانه را در دانشجویان در تمام حوزه‌ها توسعه دهند. دوم اینکه خودش باید کارآفرینانه عمل کند: مراکز رشد کسب و کار را سازمان‌دهی کند، پارک‌های فناوری و مواردی نظیر آن را به وجود آورد، دانشجویان را در این سازمان‌ها درگیر سازد و از طریق آن‌ها به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در ایجاد کسب و کار کمک کند، و بالاخره اینکه بتواند از لحاظ مالی به استقلال برسد [ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۶۹].

۳-۲. تراچنبرگ معتقد است، دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- محلی برای کسب درآمد باشد و به استقلال مالی دست یابد.

۲- به دانشجویان خود به چشم مشتریان بنگرد.

۳- استادان و مجریان آن با هم ارتباط برقرار کنند.

۴- در تماس با دنیایی باشد که ادعا می‌کند به دانشجویان آموزش‌های لازم برای کار و فعالیت در آن داده می‌شود.

۵- وضعیت واقعاً روبه‌رشد و بهبود داشته باشد [تراچنبرگ، ۲۰۰۰: ۴-۱].

۲. رویکرد توانمندسازی نیروی انسانی (مربیان و استادان)

«توانمندسازی» فرایند نیل به بهبود مستمر در عملکرد سازمانی است که از طریق توسعه و گسترش نفوذ افراد و تیم‌های شایسته و با صلاحیت در بیشتر جنبه‌ها و وظایفشان محقق می‌شود و این به نوبه خود، در عملکرد کل سازمان اثر می‌گذارد [کینلا، ۱۳۸۳]. و یا: توانمندسازی فراهم کردن آزادی بیشتر، استقلال کاری، مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌گیری، و خودکنترلی در انجام کارها در افراد است [مولینز، ۱۹۹۹].

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان توانمند، داشتن دانش و مهارت است. «مهارت» شامل همه توانایی‌های ابتدایی لازم است که انجام کار را در شرایط تعیین‌شده عملی

می‌سازد و عمدتاً سه حوزه برای آن در نظر گرفته می‌شود: مهارت فنی، انسانی و ادراکی. برخی کمبودها در نظام آموزشی و همچنین نیاز به کارکنان ماهر و نیمه‌ماهر در صنایع، متولیان نظام آموزشی را بر آن داشت تا از طریق تغییراتی بنیادین در پیکره آموزش رسمی جامعه، برای رفع این نیاز اساسی اقدام کنند. تأسیس و فراگیر کردن شاخه‌های مهارت‌آموزی در نظام آموزشی یکی از نتایج این تصمیم است.

توانمندسازی نیروی انسانی از طریق آموزش‌های مهارتی شغلی و تخصصی، در راستای ترغیب و توسعه کارآفرینی، به‌ویژه در مراکز آموزش مهارتی، یکی از راهکارهای اساسی محسوب می‌شود که می‌تواند به عرضه نیروی انسانی توانمند و کارآفرین، و در نهایت کاهش مشکلات اقتصادی و اشتغال و همچنین افزایش بهره‌وری و کارایی شاغلین بخش‌های گوناگون منجر شود. نیروی انسانی توانمند با ویژگی‌ها و تخصص و توان خود می‌تواند کسب و کار خود را مدیریت کند؛ آنچه که تحت عنوان کارآفرینی و به‌عنوان راهی برای ایجاد غلبه بر تنگناهای اقتصادی جامعه و ایجاد اشتغال مورد بحث قرار می‌گیرد. لذا تربیت افراد موفق و توانمند نیز نیازمند نظام آموزش مهارتی است.

توانمندسازی را باید به‌عنوان راهبردی در نظر گرفت که اجرای آن مستلزم تدوین و به‌کارگیری برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت است. از آنجا که توانمندسازی موضوعی چندبعدی است، اجرای آن صرفاً از طریق یک برنامه امکان‌پذیر نخواهد بود و برای تحقق آن مجموعه‌ای از برنامه‌های هماهنگ لازم است [میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۹۳].

۲-۱. رویکرد توانمندسازی مکانیکی (ارتباطی)

«تفویض اختیار و قدرت» محوریت اصلی را در این رویکرد دارد. به این معنی که هدف از توانمند کردن نیروی انسانی، دادن قدرت اختیار بیشتر به آن‌ها در جهت نوآوری و خلاقیت بیشتر است. به بیانی دیگر، در این رویکرد خود نیروی انسانی نقش تصمیم‌گیرنده را با توجه به منابع و اطلاعاتی که در اختیار آن قرار می‌دهند، به عهده دارد و مدیران یا مدرسان تنها وظیفه ترسیم یک بینش و محدوده روشن را بر عهده دارند. توانمندسازی با رویکرد مکانیکی یا ارتباطی باعث تغییرات مثبت در رویه‌های کاری و اصلاح فرایندها می‌شود.

۲-۲. رویکرد توانمندسازی ارگانیکی (انگیزشی)

«باورهای شخصی» و «فرهنگ سازمانی» محوریت اصلی را در این رویکرد دارند. به این معنی که هدف از توانمند کردن کارکنان، افزایش احساس تعلق سازمانی و عرق سازمانی نیروهای انسانی از طریق افزایش مهارت‌های کاری و شایستگی‌های روانی در جهت افزایش انگیزه و افزایش بازدهی سازمان است.

۲-۳. عوامل مؤثر بر توانمندسازی نیروی انسانی

برخی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی عبارت‌اند از: توان ذهنی، توان جسمی، دانش، مهارت و انگیزه. توانایی‌های ذهنی عبارت‌اند از آنچه فرد برای کارهای فکری به آن نیاز دارد. چارلز هندی، در کتاب معروف خود بر این نکته تأکید می‌کند که: ذکاوت تمرکز یافته (دانش فنی و توانایی به کار گرفتن دانش) منبع جدیدی از ثروت است و هدف از توانمندسازی این است که مغزهای افراد را نیز مانند بازوان آنان به کار اندازد [محمدی، ۱۳۸۸].

«توانایی» جسمی عبارت است از تناسب بین توان فیزیکی و بدنی فرد با وظایف مربوط به هر شغل که شامل این موارد می‌شود: مقاومت جسمانی، قد، وزن، سلامت مزاج، دید چشم، بویایی، شنوایی و غیره.

«دانش» عبارت است از ترکیبی منعطف و قابل تبدیل از تجربه‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات

معنی‌دار و بینش‌های متخصصان که چارچوبی را برای ارزیابی و انسجام اطلاعات و تجارب جدید ارائه می‌دهند. آموزش و کسب دانش به ایجاد تخصص در افراد می‌انجامد. اگر تخصص با تجربه کاری همراه شود، مهارت به وجود می‌آید که شامل تمامی توانایی‌های ابتدایی لازم است و انجام کار را در شرایط تعیین شده عملی می‌سازد. سرانجام، «انگیزه» همان چیزی است که انسان را به انجام عملی یا رفتاری وامی‌دارد [میرسپاسی، ۱۳۸۱].

۲-۴. رویکرد توانمندسازی مربیان آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای از طریق آموزش‌های ضمن خدمت

توانمندسازی مربیان یکی از تکنیک‌های مؤثر برای ارتقای بهره‌وری مربیان و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان در زمینه اهداف آموزشی است. از آنجا که نیروی انسانی کارآمد با ارزش‌ترین منبع هر سازمانی به حساب می‌آید، قسمت اعظم سرمایه‌گذاری‌ها به نیروی انسانی معطوف شده است. مهم‌ترین ابزاری که به این منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد، آموزش است که با هدف ارتقای کیفی سطوح مهارت، دانش و نگرش افراد موجب توانمندی آنان در ایفای وظایف خود و کامیابی سازمان، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارائه آموزش‌های ضمن خدمت در افزایش معلومات، به روزرسانی اطلاعات و دانش حرفه‌ای و تخصصی مربیان آموزشی، و همچنین در جهت توانمندی حرفه‌ای آنان در ارائه ایده‌های اشتغال‌زا برای مهارت‌آموزان مؤثر است. دستیابی به مهارت بیشتر در رشته‌ای که مربی تدریس می‌کند، مؤثرترین عامل شرکت دادن مربیان آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای در دوره‌های آموزش ضمن خدمت محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهشی موجود حاکی از آن است که آموزش‌های ضمن خدمت در قبل و بعد از آموزش و پیگیری مؤثر بوده‌اند و سبب افزایش دانش و توانمندی حرفه‌ای آنان شده است. از طرف دیگر، نیازسنجی آموزش مربیان مذکور را نیز باید در نظر داشت. تشخیص یا تعیین مسائل یا ضعف‌های موجود در نظام آموزشی هدف اصلی نیازسنجی آموزشی است [زین‌آبادی و پرند، ۱۳۹۲].

۲-۵. رویکرد توانمندسازی دانشجویان با به‌کارگیری اصول «آندراگوزی» در آموزش‌های مهارت‌آموزی

واژه «آندراگوزی» برای اولین بار به‌وسیله الکساندر

پاپ، معلم دبیرستانی در آلمان در سال ۱۸۳۳ به کار برده شد و **مالکوم نولز** آن را توسعه داد. این رویکرد که روشی برای توانمندسازی بروندهای افرادی است، که در دوره‌های آموزش بزرگسالان شرکت می‌کنند، مدعی است که تدریس به بزرگسالان باید متفاوت از تدریس به کودکان باشد. چرا که فرایند یادگیری‌شان کاملاً متفاوت است. برخلاف «پداگوژی» که رویکردی معلم‌محور است، آندراگوژی رویکردی شاگردمحور شناخته می‌شود. مالکوم نولز شش مفروضه کلیدی درباره یادگیری بزرگسالان را که مبنای یادگیری آنان است، به‌طور خلاصه بیان می‌کند که عبارت‌اند از: **نیاز به یادگیری**: بدین معنی که بزرگسالان نیاز دارند، فایده و ارزش موادی را که یاد می‌گیرند، قبل از شروع یادگیری بدانند.

خودمفهوم‌ی: بدین معنی که بزرگسالان خودمختار، مستقل و خودگردان عمل کنند.

نقش تجربه: بدین معنی که بزرگسالان با تجربه‌های قبلی زیادی سروکار دارند که فرد خردسال ندارد.

آمادگی برای یادگیری: به معنی اینکه یادگیرنده بزرگسال باید از موضوعی که قرار است آموزش داده شود، اطلاعات کافی داشته باشد.

جهت‌دهی: بدین معنی که بزرگسال باید از ارتباط موضوع آموزشی با زندگی واقعی‌اش به درک درستی برسد.

انگیزه: به معنای انگیزه‌های درونی است.

آندراگوژی به‌عنوان رویکردی نوین در آموزش بزرگسالان، با اصول و مفروضه‌های خود، راهنمایی برای آموزش به بزرگسالانی است که وارد دوره‌های مهارت‌آموزی می‌شوند. این اصول می‌تواند به مربیان و کارآموزان کمک کنند، حضور بهتر و مؤثرتری در دوره‌های آموزشی و پس از آن داشته باشند و به فراگیرندگان نیز در جهت خودگردانی و استقلالشان یاری رسانند [زین‌آبادی، پرنده، ۱۳۹۲].

۳. رویکرد استفاده از فناوری‌های نوین و مدل‌های آموزشی بین‌المللی در ارتقای آموزش‌های مهارتی

فناوری اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های ارزشمندی را برای توسعه اقتصادی اجتماعی مبتنی بر اطلاعات فراهم آورده و در جامعه پسا صنعتی و اطلاعاتی نقش مهمی داشته است. این فناوری آموزش مداوم و یادگیری مادام‌العمر را به یکی از ضرورت‌های حرفه‌ای بازار کار تبدیل کرده، محیط‌های نوینی را مبتنی بر

شبکه برای آن‌ها فراهم آورده و کیفیت آموزش عالی را ارتقا بخشیده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه پژوهش‌های دانشگاهی، فرایند سازمان‌دهی، تولید، توزیع و مصرف اطلاعات را دگرگون می‌سازد و محیط دانشگاه را به سرعت به تحولات جدی نیازمند می‌کند. دانشجویان از طریق سایت‌های معین با طرح و حل مسائل عینی آشنا می‌شوند و ضمن ارتباط دادن آموخته‌های خود با دنیای واقعی، امکان تهیه طرح تحقیقاتی را برای یافتن پاسخ مناسب به سؤالات گوناگون به دست می‌آورند. استفاده از این امکانات بر اثربخشی زمان می‌افزاید، خلاقیت بیشتری را در دانشجویان و اعضای هیئت علمی به وجود می‌آورد، و آن‌ها را برای ایفای نقش‌های مؤثرتر اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آماده می‌کند.

تلقی سنتی که از فضای آموزشی «کلاس درس» است، یعنی اتاقي با تعدادی میز و صندلی و تابلوی گچی. در حالی که امروزه هر جا یادگیری اتفاق می‌افتد، فضای آموزشی به شمار می‌رود و در برخی کشورها برای هر متر مربع از فضاهایی که در اختیار آموزش قرار می‌گیرد، طرح و نقشه‌هایی کشیده می‌شوند که با اهداف خاص متناسب‌اند و دارای استاندارد و ویژگی‌های خاص هستند. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند بسیاری از موانع و مشکلات شیوه سنتی آموزش مربیان، از جمله کاهش ساعات حضور مربیان در مدرسه و اختلال در برنامه کاری آنان، هم‌گام نبودن آموزش با تغییرات سرفصل‌های آموزشی، محدودیت‌های زمانی و مکانی و غیره را برطرف و راه را برای پیدایش شیوه‌های نوین آموزش مربیان هموار سازد [زین‌آبادی و پرنده، ۱۳۹۲].

نابرابری بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطوح ملی و بین‌المللی مهم‌ترین چالش عصر حاضر است که توجه دولت‌ها، سیاست‌گذاران و مدیران کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را به خود جلب کرده است.

۳-۱. رویکرد یادگیری الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی نه تنها درباره آموزش، بلکه درباره یادگیری و متناسب با افراد طراحی شده است. یادگیری الکترونیکی «آموزشی است که توسط فناوری دیجیتال توانمند شده است» [نیکولز، ۲۰۰۸]. واژگانی که عموماً برای معرفی یادگیری آنلاین به کار می‌روند، عبارت‌اند از: یادگیری الکترونیکی؛ یادگیری انیترنتی؛ یادگیری مشترک؛ یادگیری شبکه‌ای؛ یادگیری از راه دور؛ یادگیری مجازی؛ یادگیری رایانه؛ یادگیری مبتنی بر وب. در تعریف دیگری آمده است: «یادگیری الکترونیکی اصطلاح مشترکی است برای توصیف موارد مربوط به یادگیری آنلاین و آموزش مبتنی بر وب و روشی است که فرایند یادگیری را به کمک فناوری ارتباطات و رایانه آسان می‌کند و ارتقا می‌دهد» [زین‌آبادی، پرنده، ۱۳۹۲]. اهداف یادگیری الکترونیکی کاستن از میزان تردها، صرفه‌جویی در زمان و هزینه، و همچنین یادگیری بهتر، سریع‌تر و آسان‌تر است.

۳-۲. رویکرد مهارت مجازی یا الکترونیکی و غیرمجازی

در ایران، کثرت داوطلبان تحصیل در دانشگاه‌ها، نیاز به تربیت کادر آموزشی متخصص و کافی را برای تدریس در محیط‌های آموزشی، از قبیل مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای را به شدت مطرح ساخته است و آموزش مجازی یکی از راه‌های ایجاد فرصت ادامه تحصیل و مهارت‌آموزی برای کارمندان موجود و افراد مورد نیاز، به صورت غیرحضور است. یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش مجازی و الکترونیکی می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های مالی، ترافیکی و زمانی شود، اما می‌باید مهارت و انگیزه لازم و تجهیزات فنی کافی برای انجام آن مهیا باشد [زین‌آبادی و پرنده، ۱۳۹۲: ۴۷۵].

کدخدایی در مقاله‌ای آورده است: «اجرای آموزش الکترونیکی در دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای از طریق آموزش مهارت‌های ICDL (International computer driving license) انگلیسی، آشنایی با آموزش الکترونیکی و مجازی، و ایجاد انگیزه و فراهم آوردن بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم، بهتر قابلیت اجرا پیدا می‌کند». با توجه به آغاز استفاده از این روش‌های مدرن آموزشی در دانشگاه‌های جهان و ایران، نیاز به اطلاع از دانش و نگرش فراگیرندگان به‌عنوان مهم‌ترین عناصر نظام آموزشی، ضروری می‌نماید.

۳-۳. رویکرد شبیه‌سازی در آموزش و یادگیری مهارت‌های فنی‌وحرفه‌ای
هدف فناوری‌های آموزشی تسهیل و بهبود عملکرد یادگیری است. در این راستا، شبیه‌سازی آموزشی می‌تواند به‌عنوان رویکردی تکنیکی یا رسانه‌ای موجب تحقق این هدف شود. یادگیری مبتنی بر شبیه‌سازی به‌عنوان «تولید مجدد برخی جنبه‌های واقعیت، برای درک بهتر، دستکاری کردن یا پیشگویی کردن رفتار واقعی» تعریف می‌شود و دارای ظرفیتی برای کسب رفتارها در عرصه‌هایی شبیه به عملکرد واقعی است. از آنجا که شبیه‌سازی یک وسیله مهارت‌آموزی است که از آن می‌توان برای نشان دادن واقعیت‌ها از نزدیک استفاده کرد و پیچیدگی رویدادها را با استفاده از آن کنترل کرد، قادر است برای فراگیرندگان وظایف یادگیری مستلزم پاسخ را فراهم آورد که البته واقعی نیستند (نظیر برخورد اتومبیل شبیه‌سازی شده در آموزش رانندگی). مطالعات نشان داده‌اند، دانشجویانی که از شبیه‌سازی استفاده کرده‌اند، نسبت به دانشجویانی که از شبیه‌سازها استفاده نکرده‌اند، عملکرد بهتری داشته‌اند [ولف و همکاران، ۲۰۰۲].

۴-۲. رویکرد پر کردن شکاف دیجیتالی در آموزش‌های مهارتی
منظور از شکاف دیجیتالی بیان نابرابری‌های ملی و بین‌المللی در زمینه دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات است. کشورهای صنعتی جهان برنامه‌های راهبردی ملی پرهزینه‌ای را برای مواجهه با شکاف دیجیتالی به اجرا گذاشته‌اند. کشورهای جهان سوم برای یافتن پاسخی مناسب برای چالش موجود با توجه به نیازها و شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت، به بهره‌گیری از تجربه‌های کشورهای مختلف، بررسی رهیافت‌های سایر ملل و ترسیم راهبردهای بومی نیازمندند. مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی و درسی به دنبال مهارت‌ها و امکاناتی هستند که آن‌ها را قادر سازند، با درک پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات، ساختارهای آموزشی موجود را بازنگری و راهنمای برنامه درسی نوینی را تدوین کنند و آن را مبتنی بر نظام دیجیتالی پیاده سازند [سرکارآرانی، ۱۳۸۶: ۲۸].

۴. رویکرد مقایسه تطبیقی نظام آموزش‌های مهارتی ایران با برخی از کشورهای موفق دنیا

رویکرد مطالعه و مقایسه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در هر جامعه، در مقایسه با نظام‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای جوامع دیگر، از هر نظر توانایی‌های لازم را برای حل مشکلات و مسائل مشابه افزایش و نتایج قابل توجهی را به‌دست می‌دهد که می‌تواند بستر ساز تصمیم‌گیری‌های مهمی در کشور باشد. ایران از لحاظ تعداد فراگیرندگان و تعداد هنرستان‌ها و مراکز آموزشی فنی‌وحرفه‌ای بین کشورهای منطقه رتبه اول را دارد و در سطح آسیا از لحاظ کمی جزو پنج کشور برتر از لحاظ میزان ارائه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است [مکلین و اندرپول، ۲۰۰۶].

در مقایسه با کشورهای پیشرفته نیز از لحاظ درصد فراگیرندگان نزدیک به میانگین درصد این آموزش‌هاست؛ اگرچه در مقایسه با ژاپن، آلمان و استرالیا تقریباً معادل نصف آن کشورهاست. لذا این آموزش‌ها از لحاظ کمی پیشرفت خوبی داشته‌اند، اما

از لحاظ کیفی این گسترش‌ها به توسعه بهره‌وری و رشد شاخص‌هایی اقتصادی (مانند GDP) به‌صورت معنی‌دار منجر نشده است. در حالی که در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه رابطه معنی‌داری بین GDP و درصد ثبت‌نام آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای وجود دارد.

(ب) موانع و چالش‌های تربیت تکنیسین در آموزش‌شکده‌های فنی‌وحرفه‌ای کشور

از آنجا که مهارت‌آموزی از جمله نیازهای اصلی تربیت تکنیسین‌های ماهر در آموزش‌شکده‌های فنی‌وحرفه‌ای است، این مفهوم شامل ورزیدگی (سرعت و دقت) در انجام کار با کیفیت و همچنین بهبود روش‌های انجام آن با کمترین هزینه و بیشترین فایده است، آموزش در شکل‌های متفاوت خود سازوکار اصلی ارتقای مهارت است. از آنجا که مهارت‌های کارآفرینانه به‌عنوان نمود عینی و ماحصل سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی در عرصه کار و فعالیت، شاخصه سنجش و معیار ارزیابی اثربخشی آموزش‌ها خواهد بود، و لازمه آن آموزش‌های کارآفرینانه در مراکز دانشگاهی است، برگزار نشدن دوره‌هایی برای آگاهی و جهت‌گیری آموزش به سوی کارآفرینی برای مربیان، استادان و دانشجویان چالشی جدی محسوب می‌شود.

آموزش بدون توجه به نیاز بازار کار نمی‌تواند به اشتغال کامل و توسعه پایدار بینجامد. ناهماهنگی بین عرضه و تقاضای آموزش‌های مهارتی در آموزش‌شکده‌های کشور، حاصل انجام نشدن نیازسنجی واقعی است. آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بخشی ارتباطی ندارند، بین متولیان آموزش‌های مهارت و اقتصاد فاصله وجود دارد، و ارائه‌کنندگان آموزش‌های مهارتی رسمی و غیررسمی با نیازهای متقاضیان آشنا نیستند. یعنی تناسبی بین آموزش‌ها و نیازها وجود ندارد و لذا تبعات این چالش، شامل مدرک‌گرایی دانشجویان و نبود انگیزه‌های عمومی برای مهارت‌آموزی واقعی در آموزش‌شکده‌ها، و تمایل دانشجویان به اخذ مدرک و ادامه تحصیل در مراکز غیرانتفاعی و آزاد که غالباً امکانات یک هنرستان را ندارند، سبب پرورش مدرک‌داران بی‌سواد و سربار جامعه و افزایش مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

متأسفانه ارائه آموزش‌های مهارتی در کشورمان تاکنون به‌صورت هدفمند و با ساختاری متناسب و مشخص صورت نگرفته است. هم‌پوشانی مصوبات ۴۸۳ و ۴۷۷ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» در خصوص تفویض و دسته‌بندی فعالیت‌های آموزشی به دستگاه‌های مجری، باعث موازی کاری و تداخل

وظایف دستگاه‌های مجری در اجرای دوره‌های آموزشی شده است که خود دلیل متقنی بر این ادعاست. الگوی مناسبی برای این آموزش‌ها طراحی نشده و هر بخشی به فراخور تشخیص، نظر و دیدگاه خود، آموزش‌های مهارتی را تعریف و بر مبنای آن هدف‌گذاری کرده و طبق اهداف تعیین شده، سرفصل‌نویسی کرده و سرانجام به اجرای آموزش‌ها مشغول شده است.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای براساس نظرات متخصصان خود برای آموزش‌های مهارتی برنامه‌ریزی می‌کند. وزارت آموزش و پرورش با استفاده از تجربیات و نظریات کارشناسان خود نحوه آموزش‌های مهارتی و فنی را سامان‌دهی می‌کند. حتی درون وزارت آموزش و پرورش هم گاهی ناهماهنگی در این آموزش‌ها مشاهده می‌شود. حتی در مواردی کارشناسان فنی با کارشناسان شاخه کار دانش تضادها و اختلاف دیدگاهی در مورد این آموزش‌ها دارند و سرانجام پس از به توافق نرسیدن، خود مستقلاً به برنامه‌ریزی و اجرا هر یک از شاخه‌ها اقدام می‌کنند. در بخش دانشگاهی نیز دانشگاه‌های دولتی، آزاد و علمی و کاربردی آموزش‌های مهارتی را براساس دیدگاه خود تعریف کرده‌اند و سرفصل‌هایی که ارائه می‌دهند، متفاوت و متمایز از دیگران است [زین‌آبادی و پرند، ۱۳۹۲: ۵۱]. مشاهدات و تجربه من حاکی از آن است که حتی سرفصل‌های درس‌های آزمایشگاهی و کارگاهی موجود در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سال‌هاست که مورد بازبینی و به‌روزرسانی قرار نگرفته‌اند که خود اشکال و چالش بزرگی است.

مباحث مربوط به عدم تطابق تحصیلات، نرخ رشد جمعیتی در کشور، مدارک دانشگاهی و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان در بازار کار در سطوح مختلف، چالش دیگری است که نتیجه ارائه دوره‌های متعدد آموزشی از سوی متولیان آموزش‌های مهارتی است که رشته‌ها را فقط براساس امکانات مالی، انسانی و کالبدی موجود ارائه می‌کنند، نه براساس نیازهای فعلی و آتی بازار کار ملی و محلی. نامناسب بودن جایگاه اشتغال دانش‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور و بی‌انگیزگی در کسب مهارت‌های واقعی، نتیجه موارد فوق است.

چالش دیگر در این زمینه عدم سرمایه‌گذاری بلندمدت و پایدار در به‌کارگیری استانداردهای مهارت‌آموزی فناوری اطلاعات در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و استفاده از مدل‌ها و شبیه‌سازی و

یادگیری الکترونیک در آموزش است که می‌تواند منشأ و زمینه‌ساز اقتصاد دیجیتال و ایجاد صدها هزار شغل جدید مرتبط با فناوری اطلاعات و زمینه‌ساز ایجاد دانشگاه کارآفرین واقعی در کشور باشد.

در چشم‌انداز پایداری اقتصادی کشور، مهم‌ترین سرمایه، سرمایه انسانی توانمند است. بنابراین داناسازی و بالطبع تواناسازی انسان‌ها مهم‌ترین رسالت محسوب می‌شود. یکی دیگر از چالش‌ها، به‌کارگیری مربیان و استادانی است که توانایی‌های لازم برای ارائه آموزش‌های مهارتی را در آموزش‌های ندارند. در بسیاری از آموزش‌های دور دست در کشور مشاهده می‌شود که به‌منظور تأمین نیروی آموزشی مورد نیازشان از فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای استفاده می‌کنند که شایستگی‌ها و صلاحیت علمی و عملی آن‌ها از سوی دانشگاه مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد و صرفاً به گزینش‌های مربوط به سوابق اخلاقی آن‌ها بسنده می‌شود. چنین مربیانی حتی دوره آموزشی مربوط به روش تدریس را هم نگذرانده‌اند.

از سوی دیگر سال‌هاست که چالش‌هایی مانند به روز نبودن تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی، یا در صورت وجود تجهیزات روز دنیا در برخی مراکز آموزشی، به روز نبودن اطلاعات آموزش‌دهندگان این تجهیزات، جای خالی برگزاری دوره‌های بازآموزی ضمن خدمت برای مربیان فنی و مهارتی با وجود توسعه روزافزون ساختارهای آموزش فنی و حرفه‌ای در دنیا مطرح هستند که نتیجه آن‌ها ناهماهنگی در تدوین سرفصل‌های جدید و به روز، نبود ارتباط بین مدرسان آموزش‌های کشور به منظور تبادل تجربه با یکدیگر، عدم تدوین و معرفی منابع آموزشی دارای ساختار واحد، و ارائه نشدن رشته‌های متناسب با نیازهای منطقه‌ای و اصلاح هرم تحصیلی و شغلی است.

نبود پیوند بین صنعت و دانشگاه، جدی نگرفتن درس کارآموزی از سوی دانشجویان و مربیان، و ضعف در ساختارهای عملی، واحدهای کارآفرینی و ارتباط با صنعت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، باعث شده است که فارغ‌التحصیلان این مراکز به درک درستی از به‌کارگیری آموخته‌هایشان در صنعت نرسند. لذا آن‌ها نیز به جای آفرینش کار و کارآفرینی، مانند سایر فارغ‌التحصیلان رشته‌های نظری دانشگاهی، منتظر استخدام در دستگاه‌های دولتی می‌مانند.

به‌طور کلی، مهم‌ترین مانع‌ها و چالش‌ها در زمینه تربیت تکنیسین در آموزش‌های کشور عبارت‌اند از: نارسایی‌های ساختاری عدم انطباق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و بازار کار مانند کندی رشد اقتصادی؛ رشد فناوری سنتی در مقابل اقتصاد دانش‌بنیان؛ دولتی بودن اقتصاد؛ رشد جمعیت جویای کار؛ افزایش نرخ مشارکت زنان؛ نارسایی‌های فرایندی ناشی از عدم انطباق آموزش (رسمی و غیررسمی) و بازار کار؛ ناهماهنگی نظام‌های آموزشی با فعالان بخش‌های اقتصادی کشور؛ نبود سنخیت بین رشته تحصیلی و دانش لازم در کار؛ پراکندگی مدیریت آموزش‌های مهارتی و عدم ارتباط و هماهنگی با یکدیگر؛ مدرک‌گرایی؛ ضعف آموزشی ورودی‌های آموزش‌های به‌خصوص کار دانشی‌ها و نداشتن هدف و انگیزه تحصیلی؛ عدم شفافیت اطلاعات بازار کار.

ج. راهکارها و پیشنهادها

۱) الگوی آموزش کارآفرینی «KAB»^۲ از جمله الگوهای معتبر آموزش کارآفرینی در حوزه آموزش‌های مهارتی است که توسط کارشناسان «سازمان جهانی کار»^۳ تهیه و توسعه یافته است که می‌تواند به پرورش نیروهای کارآفرینی کمک کند.

۲) بازدید دانشجویان از پروژه‌های موفق کارآفرینی و ایجاد ارتباط بین آموزش‌های

... پذیرش و توسعه این فناوری آموزشی را غیرقابل اجتناب می‌کند.

ع در خصوص پراکندگی ارائه انواع آموزش‌های مهارتی در کشور هم لازم است، یک سازمان متولی وظیفه بررسی کلیه آموزش‌ها را برعهده گیرد و مانند کشورهای توسعه‌یافته، راهبردی کلی براساس برنامه‌ریزی در سطح کلان و استانی (آمایش ملی و استانی)، ضمن ارائه برنامه هماهنگ و متناسب با نیاز در سطح ملی و استانی به ارائه‌دهندگان آموزش، از موازی کاری، چندگانگی و انجام فعالیت‌های ناهماهنگ و جزیره‌ای، جلوگیری کند تا در آموزش‌های مهارتی به وحدت رویه برسیم.

ع ارائه و معرفی محصولات و تولیدات قابل فروش دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای، در نمایشگاه‌های بین‌المللی و سایت‌های مربوط به محصولات صنعتی و توأم کردن قوانین تجارت، اصول بازاریابی و فروش با استانداردهای مهارتی صنعتی که دیدگاهی اصولی، منطقی و سودآور به آموزش دیدگان رشته‌های صنعتی دانشگاه مذکور خواهد بخشید. همان چیزی که تا حد زیادی حلقه مفقوده همه آموزش‌هاست و مصائب امروز اکثر فارغ‌التحصیلان شاغل در بخش‌های مختلف صنایع را پدید آورده است.

ع سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تدوین برخی کتاب‌های درسی در راستای پرورش استعدادها و نوآوری در دانش‌آموزان، سپردن امور مدرسه به دانش‌آموزان به‌منظور تمرین مسئولیت‌پذیری، حمایت‌های روحی و روانی و تشویق به جای سرکوفت و تنبیه و تحقیر دانش‌آموز، افزایش مراکز رشد و پرورش خلاقیت کودکان و نوجوانان تا سطح دیپلم به‌طور عمومی، تأسیس مراکز رشد با همکاری مراکز موجود و برپایی نمایشگاه در زمینه تولیدات کارآفرینانه دانشجویان و همکاران، برگزاری المپیادهای ملی مهارت در سطح کشور، حمایت‌های مالی در قالب وام‌های خوداشتغالی به دانشجویان یا معرفی آنان به بانک‌ها، سازمان‌های مرتبط یا واحد ارتباط با صنعت آموزش‌دیده‌ها که می‌تواند زمینه جذب فارغ‌التحصیلان را در مراکز صنعتی، کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک فراهم آورد و حتی پرداخت حقوق و مزایا به شیوه پلکانی به دانشجویان به‌منظور تأمین بخشی از نیروی انسانی واحدهای صنعتی مزبور که همه این موارد، زمینه‌ساز ایجاد انگیزه و جذب دانشجویان نخبه به دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای و تحقق شعار دانشگاه کارآفرین خواهد بود.

شرکت‌ها و مؤسسات مولد و اشتغال‌زا، راهکاری است برای غلبه بر گرایش نداشتن دانشجویان به رفتارهای کارآفرینانه.

ع آموزش‌های مهارتی زمانی می‌توانند با مطلوبیت کافی صورت پذیرند که ارائه‌دهندگان آن‌ها، خود تجربه عملی و سابقه کاری مرتبط داشته باشند و با جزئیات عملی آموزش‌ها آشنا باشند. گزینش علمی و عملی استادان و مربیان آموزش‌دیده‌ها از سوی دانشگاه، چالش مربوط به فقدان افراد خبره و مسلط به‌خصوص در مناطق دوردست کشور را مرتفع خواهد ساخت.

ع همچنین، اعزام استادان و استادکاران آموزش‌دیده‌ها به کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، به روز کردن آموزش‌ها و یا برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در داخل کشور برای ارتقای توانمندی و ایجاد انگیزه در آموزش‌دهندگان که پیامدهایی همچون اصلاح محتوای نامناسب آموزشی، تبادل افکار بین استادان و شناسایی افراد توانمند، وحدت رویه در ارائه، تدوین و معرفی منابع و سرفصل‌های آموزشی دارای ساختار واحد، بازنگری در استانداردهای فعلی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای به‌منظور یکسان‌سازی این آموزش‌ها با نیاز مهارتی بازار کار، یعنی اصلاح هرم تحصیلی و شغلی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

ع سیر تکامل و گسترش روزافزون فناوری‌های نوین آموزشی باعث شکل‌گیری طراحی‌های جدید از آموزش، یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی شده است که آموزش الکترونیکی یکی از این رویکردهاست. «آموزش ترکیبی» به معنی به‌کارگیری بیش از یک رسانه در امر آموزش است؛ مانند ترکیب آموزش با ابزارهایی بر پایه وب توسط معلم. البته با این روش، آموزش الکترونیکی جایگزین آموزش کنونی نمی‌شود، بلکه آن را تکمیل می‌کند، هر چند که در مواردی آموزش الکترونیکی می‌تواند به تنهایی پاسخگوی نیازهای آموزشی باشد. لذا جادارد که متولیان دانشگاه جنبه‌های نرم‌افزاری، مغزافزاری، و سخت‌افزاری این موضوع را مورد بررسی و مطالعه همه‌جانبه قرار دهند. به این منظور، در اختیار گرفتن نیروی انسانی متخصص و آشنا به این فناوری، مدیریت کارآمد، سیستم و امکانات سخت و نرم‌افزاری برای تبدیل محتوا به درس‌افزار و ... لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. مزایایی همچون کاهش هزینه‌های آموزشی، بهبود عملکرد و بهره‌وری بیشتر، تسریع در دسترسی به بازارها، تسهیل جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی موردنظر و فراهم آوردن فرصت به روزآوری دانش و

* پی‌نوشت‌ها

1. Gross Domestic product
2. Khow About Bussiness
3. International Labour Organization (ILO)

* منابع

۱. هیو ویتاکر، دی (۱۳۹۳)، کارآفرینی تطبیقی، ترجمه رضوی و همکاران.
۲. رضوانی، م و موسوی‌نژاد، س.م، (۱۳۹۵)، کارآفرینی بین‌المللی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. احمد پوردریانی و م، کریمی، آ (۱۳۹۴)، کارآفرینی سازمانی از نظریه تا عمل، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. زین‌آبادی، ح و پرند، ک (۱۳۹۲)، آموزش فنی‌وحرفه‌ای و اشتغال در ایران (ج ۱ تا ۴)، انتشارات سازمانی فنی‌وحرفه‌ای کشور.
۵. خلاقی، ع. ا (۱۳۸۵)، «تقش و اهمیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در توسعه اقتصادی»، مجله رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای.
۶. محمدعلی، محبوبه (۱۳۹۰)، «آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و راه‌های اصلاح آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»، رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای، دوره هفتم، شماره ۱.
۷. صدیقی، ع و جیل عاملی، ش (۱۳۹۵)، تحولات تربیت تکنیسین فنی‌وحرفه‌ای در ایران. فصل‌نامه کارافن. شماره سی‌ونهم.
۸. سرکار آران، م (۱۳۸۶)، یادگیری راهی به سوی پر کردن شکاف دیجیتالی. مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.
۹. ذبیحی، م و مقدسی، ع (۱۳۸۸)، کارآفرینی سازمانی از تئوری تا عمل، انتشارات جهان فردا، مشهد.
10. Judith A.B lee and Rhonda e.hudson; improvement approach to social work treatment.
11. Ginsberg TA. and M. Hay (1994), "confronting the challenges of corporate entrepreneurship: Guideline for venture managers". European management journal, vol. 12,no.3.

آینده اقتصاد ایران

اولویت‌های اقتصاد ایران

اشاره



زاویه دید عرفی به اقتصاد و پیشرفت، رویکرد قدیمی اقتصادهای رسیده به توسعه است. امروز و در این جغرافیای اقتصادی و سیاسی، مؤلفه دانش‌بنیان بودن اقتصاد امری مهم و مؤثر در اقتصادی نظیر اقتصاد ایران است. در این مصاحبه، دکتر عادل پیغامی، نظر خود را درباره دیدگاه جدید و نگاه سنتی به اقتصاد، به خصوص اقتصاد ایران، مطرح کرده است. اگر به تاریخ چند صد ساله اخیر دقت کنیم، می‌بینیم که نخستین لوکوموتیو رشد اقتصادی جهان «کشاورزی» بوده است. این دوره قبل از انقلاب صنعتی و پیش از سال ۱۵۰۰ میلادی بود. بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰، «تجارت» لوکوموتیو رشد اقتصادی جهان شد. یعنی هر کشوری که تجارت مناسبی داشت، پیشرفته به حساب می‌آمد. از سال ۱۷۰۰ تا ۱۹۵۰ «صنعت» محور اصلی پیشرفت شد و نخستین بخشی که انقلاب صنعتی از آن آغاز شد، صنعت ریسندگی و نساجی بود. پس از آن، صنعت بخار بود که در قطار و کشتی و خودرو ظهور یافت. تا اینکه صنعت الکترونیک آغاز شد. البته همیشه لایه‌لای این‌ها «خدمات» هم وجود داشته است. اما اینکه خدمات به لوکوموتیو رشد تبدیل شود، در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ اتفاق افتاده است.

کلیدواژه‌ها:

اقتصاد دانش‌بنیان، برنامه درسی، نانو تکنولوژی

به دنبال اقتصادی صنعتی یا کشاورزی؟

در اقتصاد تولید را مشتمل بر دو قسمت می‌دانند: کالا و خدمات. کالا سخت‌افزار است و ملموس، اما خدمات نرم‌افزار است و ناملموس. چیزی که من آموزش می‌دهم، ناملموس است. کار رانندگان تاکسی، آرایشگران و نویسندگان ناملموس است. خانم خانه وقتی فرزندش را پرورش می‌دهد، خدمتی تولید می‌کند، اما اگر آشپزی کند، درواقع کالایی تولید کرده است.

«خدمات» که به لوکوموتیو رشد اقتصادی جهان در اواخر قرن ۲۰ تبدیل شده، بر دو نوع است. بعضی از خدمات مثل آرایشگری، خدمات غیرقابل مبادله و تجارت هستند. من نمی‌توانم خدمات آرایشگری را بفروشم مثلاً به افغانستان، مگر اینکه آرایشگرم را صادر کنم که برود آنجا و خدمات ارائه بدهد. اما یک سلسله خدمات قابل تجارت هستند. مثل خدمات علمی. شما می‌توانید اینجا فرمولی کشف کنید و آن طرف از این فرمول استفاده کنند. مهم‌ترین این خدمات که هم قابل تجارت است و هم ارزش‌آفرین، علم و فناوری است؛ منتها فناوری نرم و نه فناوری سخت. فناوری سخت می‌شود صنعت. مثلاً ما فناوری «نانو» را کشف می‌کنیم و پارچه نانو تولید می‌کنیم. بعد طرح علمی آن را می‌فرستیم به کشوری دیگر و آنجا هم تولیداتش را راه می‌اندازند. این می‌شود صادرات فناوری نرم.

اولین نکته بسیار مهم این است که اگر ما بخواهیم کشاورزی‌مان را به لوکوموتیو رشد اقتصادی خودمان تبدیل کنیم، درواقع کشورمان را برمی‌گردانیم به ۴۰۰ سال پیش. همچنین اگر بخواهیم لوکوموتیو رشد اقتصادی‌مان تجارت باشد، برمی‌گردیم به ۲۰۰ سال پیش. اگر به صنعت هم به این منظور روی بیاوریم، باز همین‌طور. اما اگر وارد حوزه خدمات تجارت‌پذیر و ارزش‌آفرین - مثل فناوری - بشویم، ما به سراغ آینده و شیوه‌هایی از پیشرفت رفته‌ایم که امروزه مد نظر تمام کشورهای پیشرفته هستند. برخلاف این ذهنیت عمومی که ما کشورهای پیشرفته را صنعتی می‌دانیم، این نگاه به ۴۰۰ سال پیش تعلق دارد.

باید گفت که کشورهای پیشرفته عموماً کشورهای صنعتی نیستند. الان اغلب مردم ما - حتی برخی دانشجویان نخبه ما - می‌گویند که ما باید صنعتی شویم تا پیشرفته به حساب بیاییم. اما این نگاه متعلق به ۴۰۰ سال پیش است. امروزه دیگر اگر

کشوری صنعتی بود، یک کشور کارگر است و این دقیقاً اشتباهی است که ما داریم مرتکب می‌شویم. حالا بعضی می‌گویند که ما باید اول چرخ بسازیم و نمی‌توانیم ناگهان از نانو شروع کنیم. این‌ها هم نگاهی خطی و مرحله‌ای دارند که هیچ مبنای علمی ندارد. درواقع این عده اعتقادی ندارند که ما راه‌های میانبر هم داریم و می‌توانیم ۵۰ سال را زودتر طی کنیم.

اقتصاد دانش‌بنیان اشباع‌پذیر نیست

در «خدمات» ویژگی خاصی وجود دارد که در هیچ‌کدام از انواع دیگر تولید نیست. دنیای ماده بالاخره یک درجه اشباع دارد. بهترین خوراکی‌های دنیا را، اگر مثلاً لقمه دهم آن را بخورید، دیگر مثل لقمه اول نیست. کمی بیشتر که بخورید، ممکن است دچار تهوع هم بشوید. خاصیت ماده این است که نمی‌تواند بی‌نهایت باشد. به‌صورت پایه‌ای هم اگر بخواهیم بحث کنیم، انسان ذاتاً دنبال بی‌نهایت‌هاست. البته ممکن است در مصداق‌ها اشتباه کند و مثلاً به جای بی‌نهایت علم، برود سراغ بی‌نهایت ریاست، اما اصل بی‌نهایت‌طلبی انسان خدشه‌پذیر نیست. حس ریاست‌طلبی و جاه‌طلبی درجه اشباع ندارد. دقیقاً مشابه این مثال در مورد تولید هم وجود دارد. سرمایه و تولید، اوایل افزایش پیدا می‌کند، اما بعد شیبش کند می‌شود و حتی ممکن است منفی بشود! ما امروزه در حوزه کشاورزی و صنعت هرقدر سرمایه تزریق کنیم و ماشین‌آلات بخریم، مسیر تولید کل کشور کاهنده است. یعنی بالاخره به نقطه اشباع می‌رسد.

اما با فرصت‌های جدید در اقتصاد دانش‌بنیان بسیار زیاد است. یک شبکه تلویزیونی اروپایی چندی پیش برنامه‌ای پخش کرد که یک کلاس دوره ابتدایی را نشان می‌داد. مجری آن گفت: ۶۰ درصد این بچه‌ها که می‌بینید، ۲۰ سال بعد در صنعتی مشغول به کار خواهند شد که هنوز خلق نشده است!

چرا رشد تولید در آمریکا نسبت به رشد تولید افغانستان کمتر است؟! آیا افغانستان از حیث اقتصادی کشوری قدرتمند و پیشرفته تلقی می‌شود؟ خیر. افغانستان در ابتدای راه است و آمریکا در انتهای راه، ولی حوزه خدمات و نرم‌افزار دقیقاً عین آن ریاست‌طلبی است. یعنی شیبی افزایشی دارد. شما نگاه کنید، اولین حافظه‌های رایانه (Memory) که آمده بود، ظرفیتشان مثلاً دو سه کیلوبایت بود. بعد

حجم منابع

مولد درگیر در

کشاورزی می‌تواند

کم بشود، ولی

حتی تولید

کشاورزی افزایش

یابد

از آن فلاپی دیسک آمد که ظرفیتش ۱/۲ مگابایت بود و بعد سی‌دی و دی‌وی‌دی و ... آمد. دانش هر قدر پیش می‌رود، سرعت رشدش بیشتر می‌شود. بنابراین شما هر اندازه در جهان ماده از فضای ماکرو به فضای میکرو تا نانو بروید، این ویژگی‌ها بیشتر می‌شوند و شما به نرم‌افزار نزدیک‌تر می‌شوید.

از سوی دیگر، ما به لحاظ شرعی نباید اسراف کنیم. تبذیر هم نباید بکنیم. اسراف و تبذیر یعنی چه؟ اسراف یعنی اینکه مثلاً شما برای شستن خودرو می‌توانید یک سطل آب مصرف کنید تا آن را کاملاً بشوید، یا اینکه می‌توانید دو سطل آب مصرف کنید. اگر بیشتر از یک سطل آب استفاده کنید، می‌شود اسراف. اما تبذیر یعنی چه؟ یعنی اینکه مثلاً همین ماشین را نباید اصلاً می‌شست، بلکه آن یکی ماشین را باید می‌شست. با یک سطل آب شستید و اسراف هم نکردید و کارایی شما هم عالی بود، ولی منابع را بجا مصرف نکرده‌اید. اسراف و تبذیر هر دو یعنی اینکه شما از نعمات خدا درست و بجا و بهینه استفاده نکنید.

حمایت از کار و سرمایه ایرانی به این نیست که کارگر ایرانی هر چیزی را تولید کند، بلکه مهم این است که چه چیزی را تولید کند. ۲۰۰ سال پیش کارگر ما اگر پیچ می‌بست، خوب بود؛ الان اما نه. الان باید برود سراغ صنعت نانو و گرانه اسراف و تبذیر می‌شود. مثلاً شما می‌توانید ماشین را وارد کنید، اما کارگرتان را بفروستید «رویان» و رویانتان را صادر کنید. ما می‌توانیم پارچه نانو بسازیم، بعد نیم متر از این پارچه را بفروشیم به چین و ۱۰ متر پارچه معمولی از چین وارد کنیم. اما الان اگر کسی بگوید برویم کارخانه ریسندگی تأسیس کنیم و مثلاً چادرهای خانم‌ها را خودمان تولید کنیم، این به نظر بنده اشتباه است. درواقع این یعنی ما می‌خواهیم دقیقاً به عقب برگردیم.

الان کشورهایی که در صنعت نساجی کار می‌کنند، در توسعه به عنوان «کشورهای پیژامه‌ای» معروف‌اند؛ کشورهایی مثل ترکیه، السالوادور و بنگلادش. این کشورها عقب‌افتاده هستند، چون صنعت نساجی پایین‌ترین سطح صنعت است و کمترین ارزش‌آفرینی را دارد. اگر نساجی دو واحد ارزش افزوده تولید کند، این رقم در الکترونیک ۱۰ واحد است. بنابراین صنعت نساجی یک جور خام‌فروشی نیروی انسانی است. الان برندهای مهم اروپا همه در اندونزی، تایوان و بنگلادش تولید می‌شوند؛ چرا؟

چون نیروی کار ارزان است. این نیروی کار ارزان باید در نساجی باشد تا نیروی کار انگلیسی برود در صنایع پیشرفته و «های‌تک». در سال ۱۹۰۰ حدود ۳۹ درصد آمریکا درگیر تولیدات کشاورزی بودند تا بتوانند شکم ۱۰۰ میلیون نفر جمعیتشان را سیر کنند. ۴۰ سال بعد همین آمریکا که دیگر حدود ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت داشت، فقط ۳ درصد جمعیتش درگیر کشاورزی بودند! در سال ۲۰۰۰ جمعیتش رسید به ۳۰۰ میلیون نفر و نیروی انسانی فعال در کشاورزی‌اش شد ۲ درصد.

در این شرایط ما باید با منبع مولد کارگرمای چه کنیم؟ آیا اسرافشان کنیم یا تبذیر؟ آیا می‌توانیم به مردی که درس خوانده و مهندس کشاورزی شده و پدرش هم کشاورز بوده است، بگوییم شما هم مثل پدرت کار کن؟ یا اینکه باید او را ببریم در صنایع پیشرفته و های‌تک؟ یا از آن هم بالاتر، به او بگوییم تو برو در بخش خدمات کار کن؟ به این جابه‌جایی می‌گویند: «فاکتوریال شیفت»؛ یعنی «انتقال بخشی». یعنی ما نیروها و منابع مولدمان را از بخش‌هایی مثل کشاورزی، صنعت و تجارت انتقال می‌دهیم به حوزه خدمات و این می‌شود اقتصاد نوین.

اقتصاد ایران نیازمند «انتقال بخشی» است

اگر اقتصاد ایران خودش را در وضع کنونی نگه دارد، دیگر ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم جنبش نرم‌افزاری و افزایش سهم در تولید علم داشته باشیم. زیرا جنبش نرم‌افزاری به نیروی انسانی نیاز دارد و این منابع باید از سایر حوزه‌ها آزاد بشوند و به این عرصه بیایند. وقتی سرمایه‌های ما درگیر ساختن ماشین یا این کشاورزی نابسامان هستند، چگونه وارد علم شوند؟ کشور ما منابعش محدود است، پس حتماً باید آزادسازی منابع اتفاق بیفتد تا کشور شیفت بخشی داشته باشد.

آمارها در زمینه «انتقال بخشی» بسیار جالب‌اند. در آمریکای سال ۱۹۲۰، تعداد ۲ میلیون و ۷۶ هزار کارگر در صنعت راه‌آهن مشغول بودند و این تعداد در سال ۲۰۰۲ به ۱۱ هزار نفر رسید. در سال ۱۹۰۰، یک میلیون و ۹ هزار نفر در صنعت کالسکه و یراق آمریکا کار می‌کردند که الان هیچ‌کس در این صنعت کار نمی‌کند. در سال ۱۹۲۰ در آمریکا ۷۵ هزار نفر اوپراتور تلگراف بودند که الان نیستند.

اقتصاد دانش‌بنیان در تضاد با خام‌خواری نفت و دیگر منابع است

می‌تواند کم بشود، ولی حتی تولید کشاورزی افزایش یابد. دیدیم که آمریکایی‌ها در مقطعی با ۴۰ درصد از منابع مولدشان، ۱۰۰ میلیون نفر را سیر می‌کردند و صادرات هم نداشتند. حالا با ۲ درصد از منابعشان ۳۰۰ میلیون نفر را سیر می‌کنند و صادرات کشاورزی هم دارند. این یعنی بهره‌وری در کشاورزی آمریکا بالا رفته است.

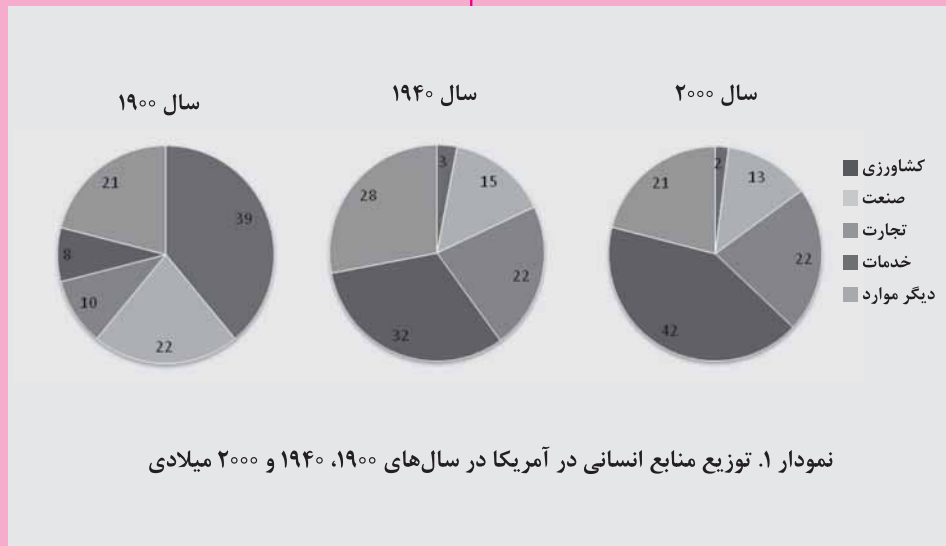
در حال حاضر چین آلاینده‌ترین کشور دنیاست و آمریکا و روسیه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بنابراین ما باید مراقب باشیم و بدانیم که قرار نیست مثل چین بشویم. چین صنعتی شدن را انتخاب کرده و پذیرفته است در رده دوم باقی بماند. از حدود سال ۲۰۰۰، آلاینده‌ی چین بالا رفت، آلاینده‌ی اروپا ثابت ماند و انتظار می‌رود آلاینده‌ی آمریکا به تدریج کاهش یابد.

تکلیف کارگران قدیمی چه می‌شود؟

اما حالا و در این شرایط تکلیف کسانی که در بخش قدیمی کار می‌کرده‌اند چه می‌شود؟ در انقلاب صنعتی اروپا، وقتی اولین چرخ خیاطی را ساختند، خیاط‌ها جلوی ساختمان جدید، تجمع کردند، شیشه‌ها را شکستند و چرخ خیاطی‌ها را بیرون انداختند. گفتند چرخ خیاطی باعث بی‌کاری کارگرها می‌شود. ظاهراً هم همین‌طور بود، چون

در سال ۱۹۰۰ آمریکا حدود ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت داشت که حدود ۳۹ درصد این جمعیت درگیر تولیدات کشاورزی بودند تا بتوانند شکم ۱۰۰ میلیون نفر جمعیتشان را سیر کنند. ۲۲ درصد هم درگیر صنعت بودند، ۱۰ درصد درگیر تجارت، ۸ درصد در خدمات و ۲۱ درصد هم در دیگر موارد. ۴۰ سال بعد همین آمریکا که دیگر حدود ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت داشت، فقط ۳ درصد جمعیتش درگیر کشاورزی بودند! یعنی ظرف ۴۰ سال ۳۶ درصد از منابع انسانی‌اش را از کشاورزی آزاد کرد و گفت شما دیگر روی زمین کار نکنید و تجارتش را رساند به ۲۲ درصد. جمعیت درگیر در صنعتش هم از ۲۲ درصد شد ۱۵ درصد. در خدماتش اما ۸ درصد فعال بودند که شدند ۳۲ درصد. موارد دیگرش هم بیشتر شدند و به ۲۸ درصد رسیدند. جمعیت آمریکا در سال ۲۰۰۰ به ۳۰۰ میلیون نفر رسید و نیروی انسانی فعال در کشاورزی‌اش شد ۲ درصد. نیروی انسانی در صنعت به ۱۳ درصد رسید و در تجارت در همان ۲۲ درصد ماند. اما در خدماتش از ۳۲ درصد به ۴۲ درصد و در دیگر موارد هم به ۲۰ درصد رسید. آمریکایی‌ها اکنون می‌گویند منابع مولدشان نباید درگیر کشاورزی و صنعت بشوند، بلکه باید در حوزه خدمات باشند.

باید فضایی را فراهم کنیم که فرزندان این نسل دیگر در بخش قبلی و در کار پدرانشان باقی نمانند و به صنایع پیشرفته وارد شوند



هریک چرخ خیاطی به جای ۱۰ کارگر کار می‌کرد. اما تاریخ نشان داد که صنعت بسیار پیشرفت کرد و کارگرها هم بی‌کار نشدند. زیرا صنعت همیشه خلق‌کننده فرصت‌های جدید بوده است. یعنی آن

ممکن است کسانی بگویند که حضرت امام خمینی(ره) روی کشاورزی خیلی تأکید داشتند. بله، اما این ضد آن نیست، این عین آن است. دقت کنید که حجم منابع مولد درگیر در کشاورزی

کارآفرینی و اشتغال‌زایی چیزی نیست جز حاصل ضرب «نوآوری» و «ریسک‌پذیری» در یکدیگر. ضرب شدن یعنی اگر هر یک از این دو صفر بشود، حاصل ما هم صفر خواهد شد

الگوی اقتصاد

دانش بنیان

در کشور ما

باید مقاومتی،

تحریم شکن،

درون زاء، برون گرا،

دیجیتالی، بدون

نفت و رساننده

کشور به تراز مثبت

علمی و الگوی فعال

پیشرفت و اقتصاد

پویا، مستحکم،

جهادی و بسیجی

باشد. البته ما نباید

انتظار بازدهی آنی

داشته باشیم

و در کار پدرانشان باقی نمانند و به صنایع پیشرفته وارد شوند.

نظام آموزشی ما در «انتقال بخشی» بسیار تأثیرگذار است. این نظام آموزشی است که می تواند کودکان را ریسک پذیر بار بیاورد. جامعه ما امروز به کارآفرینی احتیاج دارد. کارآفرینی و اشتغال زایی چیزی نیست جز حاصل ضرب «نوآوری» و «ریسک پذیری» در یکدیگر. ضرب شدن یعنی اگر هر یک از این دو صفر بشود، حاصل ما هم صفر خواهد شد. حالا ما که به دنبال تحقق اقتصاد مقاومتی هستیم، باید بدانیم که یکی از مؤلفه های اصلی چنین اقتصادی، کارآفرینی است.

تحول بنیادین در آموزش و پرورش ما باید به سمتی باشد که رشد کودکان ما مطابق نیاز امروز جهان و خود آن ها به دنبال صنایع دانش بنیان باشند. نظام آموزشی باید کودکان را برای صناعی تربیت کند که هنوز خلق نشده اند، تا آن ها بتوانند «کارگران مبتنی بر دانش» (Knowledge worker) باشند. در دنیای آینده هم باید این گونه باشد. حتی زن خانه دار ما باید مبتنی بر این نوع نگاه باشد و بکوشد که دانش آموزان را حماسی، مطابق با اقتصاد مقاومتی و با توان کارآفرینی بار بیاورد و این موضوع حتماً باید در طرح های تحول دیده شده باشد.

در شرایط فعلی کشور ما که به دلایل سیاسی با انواع تحریم ها روبه رو هستیم، تنها اقتصاد مبتنی بر دانش می تواند برای ما سازنده و پیش برنده باشد. الگوی اقتصاد دانش بنیان در کشور ما باید مقاومتی، تحریم شکن، درون زاء، برون گرا، دیجیتالی، بدون نفت و رساننده کشور به تراز مثبت علمی و الگوی فعال پیشرفت و اقتصاد پویا، مستحکم، جهادی و بسیجی باشد. البته ما نباید انتظار بازدهی آنی داشته باشیم. چنین تحولات چشمگیری به طور متعارف پس از یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله ظهور خواهند کرد؛ اگر چه این مدت می تواند با لحاظ کردن برخی پارامترها، کوتاه تر هم بشود. مردم ما باید تصویری واقعی از پیشرفت داشته باشند و از این رویکرد حمایت کنند تا به ثمر برسد. البته احیا شدن حافظه تاریخی قطعاً کمک فراوانی به این روند خواهد کرد.

کارگرها ظاهراً بیکار شدند، اما این بی کاری به رشد داخلی انجامید. مثلاً صنعت بخار کار خود را آغاز کرد که آن ها، با خودشان یا بچه هایشان در این صنعت مشغول کار شدند. بعدها با آمدن صنعت الکترونیک دوباره فرصت های جدیدتری خلق شدند. این گونه فرصت های جدید در اقتصاد دانش بنیان بسیار زیادند.

وقتی رایانه اختراع شد و به بازار آمد، همه چرتکه اندازها یا بی کار شدند یا بازنشسته، یا اینکه آموزش دیدند و به حسابداری یا رایانه پرداختند. ما هم چاره ای نداریم جز همین راه. این نوع بی کاری در اثر خلق صنایع جدید که «بی کاری فناورانه» نامیده می شود - و بخشی از بی کاری امروز در ایران هم ناشی از آن است - اصلاً بد نیست و خیلی هم خوب است. این پدیده وقتی بد است که با آموزش ضمن خدمت یا پس از خدمت همراه نباشد و کارگرها با شیوه های جدید آشنا نشوند.

اقتصاد دانش بنیان در تضاد با خام خواری نفت و دیگر منابع است. اقتصاد دانش بنیان در نفت، یعنی نفت را به فراورده های پتروشیمی تبدیل کنیم. اینکه گفته شده است ما در چاه های نفت را ببندیم، این استعاره از بستن باب خام فروشی نفت است، وگرنه ما هرگز اجازه نداریم نعمات خداداد را بدون استفاده بگذاریم؛ زیرا این تبذیر است. راه صحیح اقتصادی برای کشور ما راه «تبادل باز» است. به نظر من اقتصاد مقاومتی برون گراست؛ یعنی تبادل با عالم، و اتفاقاً این اصلاً با خروج ارز مشکلی ندارد. این اندیشه غلطی بود که برخی ها اوایل انقلاب می گفتند فلان کالا را تولید کردیم تا خروج ارز نداشته باشیم. به این اندیشه می گویند اندیشه «تیومر کانتیلیسم» که متعلق به دوره تجاری است.

نظام آموزشی و کودک ریسک پذیر

یک ملاحظه ای اینجا وجود دارد: ما در کشورمان زنان و مردان کارگری داریم که نمی توانند آموزش نوین ببینند و این افراد باید همان کالایی را تولید کنند که می توانند؛ زیرا تولید کردن در هر صورت بهتر از تولید نکردن است. بنابراین ما تأکید داریم، ظرفیت های خالی کاری مان که امکان تبدیل و ورود به عرصه خدمات را در حداقل بازه زمانی ۱۰ ساله ندارند، باید بروند تولید کنند؛ حتی به همان شیوه سنتی و قبلی. ما هم باید از تولید آن ها حمایت کنیم، اما یادمาน نرود باید فضایی را فراهم کنیم که فرزندان این نسل دیگر در بخش قبلی

چرایی نیاز به قانون در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

چکیده

سیاست‌گذاری‌های درست دولت‌ها همراه با تدوین و اجرای قانون، به موفقیت در اداره کشور منجر می‌شود. یکی از موضوع‌های مهم در حوزه آموزش، موضوع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. بسیاری از کشورهای دنیا تاکنون قوانین خاصی را در این حوزه تصویب و اجرا کرده‌اند. در کشور ما نیز تاکنون قوانینی در این زمینه تصویب و اجرا شده‌اند، اما دایره آن‌ها بسیار محدود بوده است. در قوانین پیش از انقلاب اسلامی، تنها در قانون برنامه هفت ساله پنجم و قانون کارآموزی، ردپایی از این حوزه را می‌بینیم.

نتایج حاصل از بررسی طرح‌ها و لایحه‌ها در ۹ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حاکی از آن است که:

۱ تاکنون در ۶۷ طرح و لایحه اعم از لایحه بودجه و برنامه‌های پنج ساله توسعه، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قوانین اختصاصی، مواد و احکامی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص یافته است که شامل ۵۰ لایحه و ۱۷ طرح می‌شود. از ۵۰ لایحه، تعداد ۴۱ لایحه مربوط به قانون بودجه و برنامه‌های پنج ساله توسعه بوده است.

کلیدواژه‌ها:

فنی و حرفه‌ای، اشتغال
پایدار

۱ دو لایحه مربوط به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون الحاق مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت بوده‌اند.

۲ از ۲۴ طرح و لایحه اختصاصی مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تاکنون فقط شش طرح و سه لایحه تصویب شده است. نکته مهم در این زمینه، وجود تنها یک طرح مصوب است که در آن به ارزش واقعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توجه شده است (طرح الزام به فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار که به تصویب رسیده است اما در واقع اجرا نمی‌شود).

۳ مواد و احکام مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قوانین برنامه‌های توسعه عبارت‌اند از: تبصره‌های «۲۴» و «۲۶» قانون برنامه اول توسعه؛ بند «د» تبصره «۹۵» و جزء «۷» و «۱۰» از بخش ۵، و جزء «۱۴-۷» و «۱۵-۷» برنامه دوم توسعه؛ ماده‌های (۱۴۶) و (۱۵۱) قانون برنامه سوم توسعه؛ ماده «۵۵» قانون برنامه چهارم توسعه؛ ماده‌های ۱۹۴، ۸۰، ۲۳، ۲۱ و ۱۹۵ برنامه پنجم توسعه.

۴ بررسی سهم طرح‌ها و لایحه‌های مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این ۹ دوره بیانگر آن

تاکنون در ۶۷ طرح و لایحه اعم از لایحه بودجه و برنامه‌های پنج ساله توسعه، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قوانین اختصاصی، مواد و احکامی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص یافته است

شاخص‌های کمی «تربیت نیروی انسانی ماهر و تکنسین، ظرفیت مراکز تربیت کارگر ماهر در بخش صنعت، خدمات و کشاورزی برای تربیت نیروی کار جدید، کارآموزی شاغلان، و ظرفیت مراکز تربیت تکنسین» تعیین شده‌اند.

قانون کارآموزی در سال ۱۳۴۹ به تصویب رسید. در این قانون به آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای و تربیت کارگر حرفه‌ای توجه شد و به تشکیل «شورای عالی کارآموزی» انجامید. پس از آن در اصول ۳، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸)، موضوع اشتغال، نیروی انسانی و کار مورد نیاز جامعه مطرح شد.

در سال ۱۳۵۹، تشکیل «شورای عالی و هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای» به تصویب رسید. در این سال همچنین تشکیل «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای» از تجميع مراکز تعلیمات حرفه‌ای، صندوق کارآموزی و کانون کارآموزی اعلام شد. پس از آن در قوانین برنامه‌های توسعه مقرراتی در حوزه این آموزش‌ها مصوب شدند، هر چند که در اجرا چندان موفق نبودند.

با توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، هنرستان‌های متعددی توسط آموزش و پرورش ایجاد شدند. پس از آن آموزش‌سکده‌های فنی و حرفه‌ای برای تربیت تکنسین تشکیل شدند. تشکیل دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و دانشگاه جامع علمی کاربردی و سپس جدایی آموزش‌سکده‌ها از آموزش و پرورش و ورود آن‌ها به وزارت علوم، تحولات بعدی در این حوزه بودند. قطعاً با وجود پیامدهای مثبت این توسعه، وجود خلأهای قانونی پیامدهای منفی را نیز عیان می‌ساختند ناهماهنگی میان ارائه‌کنندگان آموزش، بخشی‌نگری، موازی‌کاری و بسیاری مسائل دیگر، نتیجه فقدان قانونی جامع در این زمینه‌اند.

فصل اول: تبیین مسئله

قوانین با توجه به نیازهای جامعه و در راستای حل موانع تحقق آن‌ها شکل می‌گیرند. تنوع، تکرار، جامعیت و گستردگی قوانین ناشی از توجه به آن حوزه‌هاست. بسیاری از کشورها، اعم از اروپایی (آلمان، روسیه، انگلیس، بلاروس)، آمریکایی (شیلی، امریکا)، آسیایی (کره جنوبی، فیلیپین) و استرالیا قوانین خاصی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تصویب و اجرا کرده‌اند.

نگاهی به قوانین کشور قبل و بعد از انقلاب در حوزه

است که در مجلس نهم بیش از هر دوره دیگری به این موضوع توجه شده است. شش طرح و شش لایحه حاصل تلاش‌های مجلس شورای اسلامی و دولت در این زمینه بوده است. نتیجه حاصل از این بررسی، نیاز به توجه بیشتر مجلس و دولت به حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را نشان می‌دهد. زیرا این نوع آموزش مسیر دستیابی به شغل را آسان‌تر می‌سازد، امنیت اجتماعی را ارتقا می‌بخشد، و اشتغال پایدار و آموزش مادام‌العمر را به ارمغان می‌آورد. اجرای قانون نظام جامع آموزش فنی و حرفه‌ای، وجود یک نهاد ملی سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده، تدوین و اجرای صلاحیت حرفه‌ای، و ایجاد «مراکز سنجش ملی»، راهکار اصلی جبران کم‌توجهی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در حوزه قانون‌گذاری است.

مقدمه

در قلمرو حکومت‌ها، با ظهور پدیده‌های نو و پیشرفت جوامع، نیاز به تدوین و اجرای قانون موضوعیت می‌یابد. از جمله این موارد که امروزه در بسیاری از کشورها مطرح و قوانین خاصی برای آن تصویب شده و جوامع بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌هایی در ارتباط با آن تصویب کرده‌اند، حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. تاکنون هشت سند بین‌المللی در این زمینه به تصویب رسیده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سه قلمرو آموزش‌های رسمی، غیررسمی و سازمان‌نیافته اجرا می‌شوند. قدمت آموزش‌های سازمان‌نیافته که بخش عمده آن به آموزش‌های استاد شاگردی برمی‌گردد، قابل احصا نیست. اما آموزش‌هی غیررسمی که به صدور مدرک منجر نمی‌شود و به صدور گواهی‌نامه می‌انجامد، و آموزش‌های رسمی که به صدور مدرک منجر می‌شود، در هر کشوری پیشینه‌ای قابل رصد کردن دارند.

آموزش‌های رسمی فنی و حرفه‌ای در ایران با تأسیس «مدرسه دارالفنون» در سال ۱۲۳۰ ش آغاز شد. هر چند که مدرسه دارالفنون در حقیقت اولین دانشگاه در کشور است، اما به دلیل درهم تنیدگی آموزش‌های علمی - عملی می‌توان آن را شروع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور قلمداد کرد.

مهم‌ترین قوانین قبل از انقلاب در این بخش قانون برنامه هفت ساله پنجم، قانون کارآموزی و اساسنامه صندوق کارآموزی است.

در هدف‌های قانون برنامه پنجم عمرانی،

این نوع آموزش مسیر دستیابی به شغل را آسان تر می سازد، امنیت اجتماعی را ارتقا می بخشد، و اشتغال پایدار و آموزش مادام العمر را به ارمغان می آورد

آموزش های فنی و حرفه ای روشنگر نگاه قانون گذاران و دولت مردان است.

اولین دوره مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب، در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۵۹ تشکیل شد. هم اکنون دهمین دوره قانون گذاری در مجلس شورای اسلامی در جریان است. حاصل ۹ دوره تقنین در کشور، انبوهی از قوانین است که مبنای اداره دستگاه های مختلف، بخش خصوصی، و شخصیت های حقیقی و حقوقی است.

قوانین در کشور با پیشینه طرح ها و لایحه ها شکل می گیرند. نیازهای ضروری جامعه و مردم مبنای ارائه و تدوین این اسناد حقوقی است.

آموزش های فنی و حرفه ای یکی از موضوع های بین دستگاهی در کشور است. سه وزارتخانه اصلی «آموزش و پرورش»، «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «علوم، تحقیقات و فناوری» و چند وزارتخانه دیگر، از جمله «فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «جهاد کشاورزی»، «بهداشت و درمان» و ... نیز به نوعی با آموزش های علمی - عملی مواجه هستند. به علاوه، این نوع از آموزش در سراسر جهان شناخته شده است و از مؤلفه های اصلی توسعه پایدار، اشتغال پایدار، آموزش مادام العمر و ... محسوب می شود. اکثر شغل ها نیازمند آموزش های فنی و حرفه ای هستند. لذا توجه به این نوع آموزش می تواند به سلامت روانی جامعه، اشتغال، تولید باکیفیت و رقابتی، و ... منجر شود.

بررسی وضعیت تقنینی کشور در حوزه آموزش های فنی و حرفه ای و علل نیاز به قوانین دقیق و جامع هدف این مقاله است. لذا نگاهی اجمالی به مسیر ۹ دوره مجلس شورای اسلامی برای تبیین وضعیت قانون گذاری در این حیطه ضروری است.

فصل دوم: بررسی طرح ها و لایحه های مرتبط با آموزش های فنی و حرفه ای در ۹ دوره مجلس شورای اسلامی

در مجلس اول طرح «نظام آموزش فنی و حرفه ای» به مجلس تقدیم شد، ولی متأسفانه بررسی آن تا مجلس دوم به طول انجامید و در نهایت رد شد. به جز این مورد، تنها در «قوانین بودجه» می توان اثری از توجه به آموزش های فنی و حرفه ای را دید.

در مجلس دوم لایحه کار به مجلس تقدیم شد که بخش هایی از آن به آموزش های غیررسمی مربوط می شد. در این دوره نیز در لایحه های بودجه اثری از

آموزش های فنی و حرفه ای دیده می شود. در طول دوره سوم مجلس شورای اسلامی، سهم آموزش های فنی و حرفه ای ۹ طرح و لایحه بود.

چهار لایحه مربوط به بودجه و یک لایحه مربوط به برنامه اول توسعه بودند که تصویب شدند و به تأیید شورای نگهبان رسیدند. لایحه اصلاح قانون کار که در مجلس قبل تصویب شده بود، مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد و پس از رفع ایراد به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. لایحه اجازه اخذ هزینه های مربوط به صدور اجازه تأسیس و تجدید امتیاز آموزشگاه های علمی آزاد، و طرح دیپلم فنی شناختن مدرک فارغ التحصیلان آموزشگاه بهداری روستایی به تصویب رسیدند و طرح نحوه تأسیس آموزشگاه و دانشکده در شهرستان ها تحت بررسی کمیسیون باقی ماند.

شش لایحه سهم آموزش های فنی و حرفه ای در دوره چهارم مجلس است. چهار لایحه بودجه، یک لایحه برنامه و یک لایحه اجازه پرداخت دستمزد به دانشجویان کارآموز که در مجلس قبل ارائه شده بودند، در این دوره به تصویب رسیدند.

چهار لایحه بودجه سنواتی، یک لایحه مربوط به قانون برنامه سوم توسعه، و یک لایحه مربوط به قانون الزام فراگیری آموزش های فنی و حرفه ای برای اشتغال به کار، نتیجه عملکرد مجلس پنجم در این زمینه است.

در مجلس ششم دو طرح و پنج لایحه مرتبط با آموزش های فنی و حرفه ای مطرح شدند. چهار لایحه مربوط به بودجه های سنواتی و یک لایحه مربوط به تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به تصویب رسیدند. یک طرح مربوط به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت بررسی در کمیسیون باقی ماند و یک طرح مربوط به تشکیل مؤسسه حرفه آموزی و اشتغال زندانیان استرداد شد.

سهم آموزش های فنی و حرفه ای از مجلس هفتم، ۷ لایحه بود. چهار لایحه بودجه سنواتی و یک لایحه برنامه چهارم توسعه به تصویب رسیدند. لایحه کارورزی و اشتغال بی کاران در کمیسیون تحت بررسی باقی ماند و لایحه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مسترد شد.

سهم حوزه آموزش های فنی و حرفه ای از مجلس هشتم، پنج لایحه و سه طرح بود. چهار لایحه بودجه و یک لایحه قانون برنامه پنجم توسعه به تصویب رسیدند. طرح تغییر نظام آموزشی کشور به شورای

همان گونه که ذکر شد، تاکنون در لایحه‌های بودجه، به دلیل بین دستگاهی بودن، ردیف‌های متنوعی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص یافته‌اند. اما در بندهای ماده واحد کمتر اثری از توجه به آن دیده می‌شود

تصویب شدند. طرح تأمین نیروی انسانی دانشگاه فنی و حرفه‌ای بررسی نشده است. طرح نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای که محصول مشترک مجلس و مرکز پژوهش‌ها و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی بود، به تصویب مجلس رسید و با توجه به جامعیت این طرح، محتوای طرح تشکیل «سازمان ملی مهارت» نیز به این طرح ارجاع شد. بررسی مجموعه طرح‌ها و لایحه‌های مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این ۹ دوره به تفکیک لایحه‌های مربوط به «بودجه‌های سنواتی و قانون برنامه» و «سایر طرح‌ها» نشان می‌دهد که از مجموع ۶۷ طرح و لایحه مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۴۱ طرح و لایحه مربوط به برنامه و بودجه‌اند و تنها ۲۶ طرح و لایحه به موضوع‌های خاص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص دارند (جدول ۱).

انقلاب فرهنگی ارجاع و در آنجا تصویب شد. طرح پذیرش دانشجو در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای به تصویب مجلس رسید، و طرح تبدیل وضعیت مربیان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای هم با اصلاحاتی در کمیسیون به تصویب رسید، اما به مرحله صحن نرسید.

سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از مجلس نهم، ۱۲ طرح و لایحه است (۶ طرح و ۶ لایحه). در این دوره نسبت به دوره‌های قبل بیشترین تعداد طرح‌ها و لایحه‌های مربوط به حوزه فنی و حرفه‌ای را شاهد هستیم. چهار، لایحه بودجه سنواتی و یک لایحه الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به تصویب رسیدند و لایحه نحوه کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی هم در کمیسیون تصویب شد. طرح تبدیل وضعیت مربیان حق التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در صحن و طرح بیمه مؤسسان آموزشگاه‌های آزاد در کمیسیون

جدول ۱. طرح‌ها و لایحه‌های مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ۹ دوره قانون‌گذاری بعد از انقلاب

ردیف	دوره قانون‌گذاری	مجموع طرح‌ها و لایحه‌ها	تعداد لایحه‌ها	تعداد طرح	لایحه‌های مربوط به بودجه سنواتی و قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله	سایر طرح‌ها و لایحه‌ها
۱	مجلس اول	۵	۴	۱	۴ لایحه مربوط به بودجه سنواتی	۱ طرح
۲	مجلس دوم	۷	۵	۲	۴ لایحه مربوط به بودجه سنواتی	۲ طرح و ۱ لایحه
۳	مجلس سوم	۹	۷	۲	۴ لایحه بودجه و ۱ لایحه برنامه	۲ طرح و ۲ لایحه
۴	مجلس چهارم	۶	۶	-	۴ لایحه بودجه و ۱ لایحه برنامه	۱ لایحه
۵	مجلس پنجم	۶	۵	۱	۴ لایحه بودجه و ۱ لایحه برنامه	۱ طرح
۶	مجلس ششم	۷	۵	۲	۴ لایحه بودجه	۲ طرح و ۱ لایحه مربوط به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت
۷	مجلس هفتم	۷	۷	-	۴ لایحه بودجه و ۱ لایحه برنامه	۲ لایحه
۸	مجلس هشتم	۸	۵	۳	۴ لایحه بودجه و ۱ لایحه برنامه	۳ طرح
۹	مجلس نهم	۱۲	۶	۶	۴ لایحه بودجه	۲ لایحه و ۶ طرح که یک لایحه آن مربوط به قانون الحاق موادی به قانون تنظیم ... است.
۱۰	جمع	۶۷	۵۰	۱۷	۴۱ لایحه (۳۶ لایحه بودجه و ۵ لایحه برنامه)	۲۶ طرح و لایحه

صلاحیت حرفه‌ای و ...)

احکام مصوب در قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت و قانون الحاق موادی به قانون تنظیم مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عبارت‌اند از:

۱ تبصره «۷۵» قانون بودجه سال ۱۳۶۲ به‌عنوان ماده «۱۲» قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت تصویب شد. محتوای این تبصره، به‌عنوان تبصره به ماده «۶۱» قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین الحاق شد.

۲ تبصره «ب» ماده «۶۵» قانون الحاق موادی به قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت.

در یک نگاه اجمالی، طی ۹ دوره مجلس شورای اسلامی، در مجموع ۲۹۱۶ قانون به تصویب رسیده است. سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به غیر از قوانین برنامه و بودجه تنها ۹ قانون است (۳ لایحه و ۶ طرح)؛ چیزی در حدود سه دهم درصد. با احتساب قوانین بودجه و برنامه‌های توسعه (مجموعاً ۵۲ قانون) سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۱/۷۸ درصد است (جدول ۲).

از میان قوانینی که تاکنون به تصویب رسیده‌اند، جامع‌ترین آن‌ها نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی است. نکات برجسته این قانون عبارت‌اند از:

بخش اهداف: توجه به سیاست‌های کلی نظام، توجه به مهم‌ترین اسناد بین‌المللی، توجه به واقعیت‌های اجتماعی جامعه در حوزه اشتغال و مهارت، توجه به اقسام روش‌های یادگیری (حضور، نیمه‌حضور و غیرحضور - ماده ۱).

ساختارها و نهادهای ملی: تدوین و اجرای چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی (ماده ۷)، شکل‌گیری ساختارهای لازم برای کسب شایستگی‌های نوآوری و کارآفرینی، تشکیل شورای عالی آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی (ماده ۵)، تشکیل مراکز سنجش زیر نظر شورای عالی با مشارکت نظام‌های حرفه‌ای (ماده ۹)، و تدوین تصویب استانداردهای آموزش، ارزشیابی و شایستگی‌های حرفه (ماده ۷). امید است با اجرای درست و به موقع این قانون راهی برای جبران کاستی‌های زیاد در این مسیر ایجاد شود.

فصل سوم: بررسی نتایج قانون‌گذاری در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

۱ دو لایحه مربوط به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است که موادی از آن‌ها به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارتباط دارند.

۲ از مجموع ۲۴ طرح و لایحه اختصاصی مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تاکنون فقط شش طرح و سه لایحه تصویب شده است.

۳ همان‌گونه که ذکر شد، تاکنون در لایحه‌های بودجه، به دلیل بین‌دستگاهی بودن، ردیف‌های متنوعی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص یافته‌اند. اما در بندهای ماده واحد کمتر اثری از توجه به آن دیده می‌شود.

مهم‌ترین بندهای ماده واحد قانون بودجه سنواتی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عبارت‌اند:

- تبصره «۷۵» قانون بودجه سال ۱۳۶۲: امکان کسب درآمد اختصاصی از محل فروش محصولات.
- بند «۱۱۰» قانون بودجه سال ۱۳۹۰: تشکیل دانشگاه فنی و حرفه‌ای.

احکام مصوب برنامه‌های توسعه در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عبارت‌اند از:

۱ تبصره‌های «۲۴» و «۲۶» قانون برنامه اول توسعه: ایجاد نهاد متمرکز در سیاست‌گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

۲ بند «د» تبصره «۹۵»، جزءهای «۷» و «۱۰» از بخش ۵ مواد و جزءهای «۱۴ - ۷» و «۱۵ - ۷» برنامه دوم توسعه: تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و افزایش کمیت و کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنار دیگر آموزش‌ها.

۳ ماده‌های «۱۴۶» و «۱۵۱» قانون برنامه سوم توسعه: تشکیل ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و انحلال شوراهای کارآموزی، شورای عالی هماهنگی فنی و حرفه‌ای و شورای عالی علمی و کاربردی.

۴ ماده «۵۵» قانون برنامه چهارم توسعه: ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.

۵ ماده «۲۱» قانون برنامه پنجم توسعه (و مواد ۲۳ - ۸۰ - ۱۹۴ و ۱۹۵): سیاست‌گذاری واحد، رتبه‌بندی مراکز ارائه‌کننده، تدوین و اجرای

طی ۹ دوره مجلس شورای اسلامی، در مجموع ۲۹۱۶ قانون به تصویب رسیده است.

سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به غیر از قوانین برنامه و بودجه تنها ۹ قانون است (۳ لایحه و ۶ طرح)؛ چیزی در حدود سه دهم درصد. با احتساب قوانین بودجه و برنامه‌های توسعه (مجموعاً ۵۲ قانون) سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۱/۷۸ درصد است

جدول ۲. طرح‌ها و لایحه‌های مصوب در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ۹ دوره قانون‌گذاری بعد از انقلاب

ردیف	طرح‌ها و لایحه‌های مصوب در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ۹ دوره قانون‌گذاری مجلس	طرح/ لایحه	توضیحات
۱	قانون کار	لایحه	فصل پنجم - موضوع آموزش و اشتغال - مبحث کارآموزی و مراکز کارآموزی (توجه به آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای). این قانون مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.
۲	قانون اجازه اخذ هزینه‌های مربوط به صدور اجازه تأسیس و تجدید امتیاز آموزشگاه‌های علمی آزاد	لایحه	اجازه کسب درآمد به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای
۳	قانون دیپلم فنی شناختن مدرک فارغ‌التحصیلان آموزشگاه بهداری روستایی	طرح	
۴	قانون اجازه پرداخت دستمزد به دانشجویانی که به‌عنوان کارآموز خدمت می‌کنند.	لایحه	
۵	قانون الزام فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار	طرح	به رسمیت شناختن آموزش‌های غیررسمی
۶	طرح پذیرش دانشجو در آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، مراکز تربیت معلم و دانشگاه شهید رجایی	طرح	
۷	طرح تبدیل وضعیت مربیان حق‌التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور به رسمی و پیمانی	طرح	
۸	طرح تغییر نظام آموزشی کشور	طرح	بررسی این طرح به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول شد.
۹	طرح نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی	طرح	این طرح تصویب و برای اجرا ابلاغ شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی ۹ دوره قانون‌گذاری در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حاکی از آن است که سهم این آموزش‌ها از قوانین کشور سهم بسیار کمی است که بخش عمده آن قوانین بودجه سنواتی و پس از آن موادی از قوانین برنامه‌های توسعه است. در هر پنج برنامه احکام مرتبط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دیده می‌شوند.

اما با توجه به کلی بودن این احکام، بین دستگاهی بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و نداشتن متولی، می‌توان گفت تقریباً اهداف هیچ کدام از برنامه‌های توسعه در این حیطه محقق نشده‌اند. احکام به‌صورت جزئی در برخی دستگاه‌ها اجرا شده‌اند، اما مفاد حکم به‌صورت کامل محقق نشده است.

این امر نشان از محجوریت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور دارد. چنانچه در نظام آموزشی نیز هنوز به چشم آموزش‌های درجه دو به آن‌ها نگاه می‌شود. در حالی که سایر کشورها، به‌خصوص کشورهای اروپایی و در دهه‌های اخیر، برخی از کشورهای آسیایی که رشد و توسعه قابل توجهی داشته‌اند، بخش عمده آموزش‌های خود را به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختصاص داده‌اند. پیشنهاد می‌شود که با رفع موانع اجرای «قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی»، با تعیین متولی برای این آموزش‌ها، قدم اول در راه ارتقای کمی و کیفی، هماهنگی و سیاست‌گذاری واحد و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اشتغال و جمعیت برداشته شود.

* منابع

۱. قانون برنامه اول توسعه.
۲. قانون برنامه دوم توسعه.
۳. قانون برنامه سوم توسعه.
۴. قانون برنامه چهارم توسعه.
۵. قانون برنامه پنجم توسعه.
۶. قوانین بودجه سنواتی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۵.
۷. قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت.
۸. قانون الحاق موادی به قانون تنظیم برخی از مقررات مالی دولت.
۹. قانون کارآموزی.
۱۰. اساسنامه صندوق کارآموزی.
۱۱. قانون برنامه هفت ساله پنجم توسعه (قبل از انقلاب).
۱۲. فهرست موضوعی طرح‌ها و لایحه‌های ۹ دوره مجلس شورای اسلامی.
۱۳. قانون کار.
۱۴. طرح‌ها و لایحه‌های مذکور در متن.

تفکر خلاق در عکاسی دیجیتال ذهن عکاس

نویسنده: مایکل فریمن

مترجم: علیرضا بهارلو

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۵

انتشارات: کتاب آبان

عکاسی در مسیر دستیابی صریح و بی‌واسطه به موضوع موردنظر خود بسیار خوب عمل می‌کند. هنگامی که چیزی در مقابل دوربین قرار دارد، می‌توان عکاسی کرد و تصویری از آن را، با اندیشه یا بدون اندیشه، در اختیار گرفت. انجام این مهم به‌طور معمول ممکن است و سبب دست‌یافتن به کارهای بزرگی می‌شود. اما تفکر در آغاز کار تضمین‌کننده نتیجه بهتر است.

بخش عمده‌ای از تعلیم عکاسی روی «تحوه واضح و آشکار بودن» تمرکز دارد. این عمل از طریق انتخاب عدسی مناسب، زاویه دید و نوع قاب‌بندی صورت می‌گیرد، به‌گونه‌ای که موضوع به مناسب‌ترین و بی‌واسطه‌ترین روش به بیننده انتقال یابد. این همان چیزی است که برای مثال یک عکس خبری به آن نیاز دارد: وضوح و کارایی. اما آنچه برای یک تصویر در یک زمینه خاص صادق است، امکان دارد در صورت ارائه برای هدفی متفاوت (برای نمونه دیوار یک گالری)، خلاف آن مورد عمل کند.

چنانچه عمل موردنظر ارتباط و تعمیق باشد، وضوح می‌تواند مزیت تلقی شود. اگر می‌خواهید مردم به عکاسی شما توجه کنند و از آن لذت ببرند، باید برای آن‌ها دلیلی ارائه کنید تا به آنچه دارید، بیش از یک نگاه کوتاه نظر بیندازند. از این نظر، بخش نخستین از کتاب بیشتر درباره چرایی است تا چگونگی.

فصل دوم به اسلوب پرداخته شده است و در فصل سوم فرایند عکاسی موردبحث قرار گرفته است. کتاب به تصاویری از عکاس‌های معروف مزین است.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه‌اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد بهار برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد بهار برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی
رشد برهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و ... تهیه و منتشر می‌شود.

■ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۳۶۶.

■ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

■ وبگاه: www.roshdmag.ir

تکنیک‌های ایجاد بافت در نقاشی

نویسندگان: لیلا حسنی و عاطفه معظمی

ناشر: انتشارات شکر

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۵

بافت از عناصر مهم در هنرهای تجسمی است که به صورت‌های متفاوت به وجود می‌آید. بیشترین مشخصه برای شناخت بافت در نقاشی است. البته کاربردهای دیگر بافت در گرافیک، معماری، مرمت آثار باستانی و مجسمه‌سازی نیز قابل تأمل است. نقاشی لایه‌هایی از بافت‌های متفاوت است که روی هم جای گرفته‌اند. بافت در شکستن محدوده‌های نقاشی به نقاشان کمک فراوانی کرده و از دهه دوم این سده اهمیت بسزایی یافته است.

در این کتاب، ضمن تبیین طبقه‌بندی انواع بافت، انواع خط و سطح و حجم، و لکه‌گذاری، و همچنین گذری بر هنرهای تجسمی، سعی شده است روش‌های ایجاد بافت به‌خصوص در نقاشی معرفی شوند. توجه به مواد مورد استفاده، فنون هنری برخی هنرمندان، و تحولات تکنیک‌های ایجاد بافت در طول زمان، از نکات مهم و قابل توجه این کتاب محسوب می‌شوند. هدف این کتاب یافتن راه‌حل‌های ساده برای مسلط شدن به زبان تصویری است.

در ادامه شیوه‌های متنوعی از روش‌های ایجاد بافت در طراحی و نقاشی، و امکان به وجود آوردن ساخت‌های بصری گوناگون مورد قبول تشریح شده‌اند. مؤلفان کتاب، در عین برخورد عملی با موضوع مورد بحث و ارائه تمرین‌های ساده به خوانندگان، از طرح مسائل نظری خواندنی و جامع در این زمینه هم غفلت نورزیده‌اند. این کتاب می‌تواند مکملی باشد بر تدریس «بافت در نقاشی» در زمینه‌های مختلف و در تمامی دوره‌های تحصیلی. امید است که مورد استفاده و مطالعه هنرجویان، معلمان، دانش‌آموزان، و دانشجویان رشته‌های هنری قرار بگیرد.

سخننی با مخاطبان

رعایت اجزا و عناصر ساختاری مقالات علمی، حرفه‌ای و پژوهشی شرایطی دارد که یک پژوهشگر و نویسنده آگاه آن‌ها را به کار می‌بندد. به عبارت دیگر موفقیت مؤلف در ارائه مقاله به بهره‌مندی او از این قواعد و تسلط بر مبنای نگارش و آگاهی از اصول مقاله‌نویسی و مهارت در امر نوشتن وابسته است. مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، نشریه‌ای آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که با توجه به اهداف آن، به صورت فصل‌نامه منتشر می‌شود. بر این اساس از پژوهشگران، متخصصان تعلیم و تربیت، به‌ویژه هنرآموزان، دبیران و مدرسان دعوت می‌شود تا با توجه به موارد ذیل:

۱. اصالت موضوع/۲. عنوان/۳. چکیده/۴. کلیدواژه/۵. مقدمه/۶. بیان مسئله/۷. تبیین هدف/۸. پرسش/۹. پیشینه پژوهش/۱۰. معرفی پروژه تحقیقاتی/۱۱. تشریح روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین رویکرد مقاله/۱۲. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها/۱۳. توصیف ویژگی‌های جامعه پژوهش/۱۴. تبیین محدوده و محدودیت‌های پژوهش/۱۵. ارائه یافته‌های توصیفی و تحلیلی/۱۶. بحث و نتیجه‌گیری/۱۷. پیشنهاد/۱۸. منابع مورد استفاده

حاصل پژوهش‌ها و مطالعات خود را در زمینه‌های زیر، جهت درج در مجله ارسال فرمایند.

* مبانی نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

* آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سایر کشورها (تجارب)

* روش‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

* کارآفرینی، خوداشتغالی، ارزش‌آفرینی (تجارب)

رویکردها و دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای * برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای * پروژه‌محوری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای * معرفی مؤسسات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در ایران و سایر کشورها، معرفی پدیده‌های نو در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و معرفی کتاب‌ها و مجلات جدید در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. * مقالات ارسالی مرتبط با موضوع مجله باشد و تاکنون در مجلات دیگری درج نشده باشد. * مطالب باید تایپ شده باشد. * شکل قرار گرفتن جدول‌ها نمودارها و تصاویر باید در مقاله مشخص باشد. * نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم می‌ذول شود. * مقاله‌های ترجمه‌شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله ارسال شود. * در متن‌های ارسالی باید تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. * پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، سال انتشار، نام اثر، نام مترجم، محل نشر، ناشر و شماره صفحه مورد استفاده باشد. * مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالات رسیده مختار است. * آراء و نظرهای ارائه‌شده در مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها لزوماً بیانگر دیدگاه‌های دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

نشانی ارسال مقالات: تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
پیام‌نگار: faniherfeievakarodanesh@roshdmag.ir

* ضمن پوزش از مخاطبان به اطلاع می‌رساند در شماره قبل میزگرد صفحات ۲۶ و ۲۷ نام سرکار خانم‌ها مهندس مهرزاد صیاد، مهندس ملیحه ممرآبادی و مهندس فوژان خراسانیان اشتباه چاپ شده است که به این وسیله تصحیح و مجدداً عذرخواهی می‌شود.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت‌نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل‌شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳.

■ عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

■ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

● نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

● تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

● Email: Eshterak@roshdmag.ir

■ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی (هشت شماره): ۵۵۰/۰۰۰ ریال

■ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی (سه شماره): ۲۵۰/۰۰۰ ریال



در باغچه هنرستانی چه گیاهانی را بکاریم

صفحه ۲۸



همیشه فارس می ماند

۱۰ اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس